ریاضی و آمار (۳)

۱- گزینهٔ «۲» *(احمد حسن‌زاده‌فرد)*

برای رسیدن از شهر **B** به شهر **E** و عدم گذر از شهر **C** می‌توان مسیرهایی که **C** در آن هست را حذف نمود.

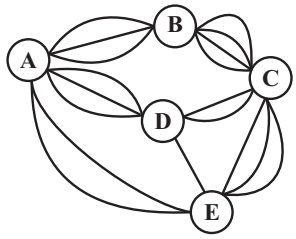

$$\left.\begin{matrix} B\to A\to D\to E\Rightarrow ۳\times ۳\times ۱=۳\times ۳=۹ \\ B\to A\to E\Rightarrow ۳\times ۲=۶ \end{matrix}\right\}\Rightarrow \text{مسیر } ۹+۶=۱۵$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۲- گزینهٔ «۱» *(محمد همیری)*

از روش متمم استفاده می‌کنیم.

اعداد سه‌رقمی بدون ۵ − کل اعداد سه‌رقمی = تعداد اعداد مطلوب

$$=۹\times ۱۰\times ۱۰-۸\times ۹\times ۹$$

$$=۹۰۰-۶۴۸=۲۵۲$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۳- گزینهٔ «۲» *(عباس مالکی)*

طبق سؤال این دانشجو باید یک درس عمومی را از ۳ درس انتخاب کند و یک درس اختصاصی را انتخاب بکند، پس ۳×۳ حالت برای انتخاب دارد در مرحلهٔ بعد باید استاد هر درس را انتخاب کند که برای هر درس ۳ حالت وجود دارد یعنی $۳\times ۳\times ۳$ که در کل با بخش قبلی $۳^۵$ حالت وجود دارد.

روش دوم:

$$\underbrace{۳}_{\text{استاد درس اختصاصی دوم}}\times\underbrace{۳}_{\text{استاد درس اختصاصی اول}}\times\underbrace{\binom{۳}{۲}}_{\text{درس اختصاصی}}\times\underbrace{۳}_{\text{استاد}}\times\underbrace{\binom{۳}{۱}}_{\text{درس عمومی}}$$

$$=۳\times ۳\times ۳\times ۳\times ۳=۳^۵=۲۴۳$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۹)

۴- گزینهٔ «۳» *(هادی فولادی)*

روش اول:

ابتدا گروه فرهنگی را به‌صورت $\binom{۴}{۱}\times\binom{۶}{۱}$ و گروه هنری را به‌صورت $\binom{۳}{۱}\times\binom{۵}{۱}$ انتخاب می‌کنیم که حاصل برابر می‌شود با:

$$\binom{۶}{۱}\times\binom{۴}{۱}\times\binom{۳}{۱}\times\binom{۵}{۱}=۶\times ۴\times ۳\times ۵=۳۶۰$$

روش دوم:

دو نفر از یازدهم به‌صورت $\binom{۴}{۲}$ و دو نفر از دوازدهم به‌صورت $\binom{۶}{۲}$ انتخاب می‌کنیم. اگر یازدهمی‌ها به صورت $\{y_۱, y_۲\}$ و دوازدهمی‌ها به‌صورت $\{d_۱, d_۲\}$ باشند، می‌توان دو گروه به‌صورت $(\{y_۱, d_۱\},\{y_۲, d_۲\})$ یا $(\{y_۱, d_۲\},\{y_۲, d_۱\})$ ایجاد کرد، حال برای هر حالت دو حالت داریم که تیم اول فرهنگی و تیم دوم هنری باشد و یا بالعکس بنابراین داریم:

$$\binom{۴}{۲}\times\binom{۶}{۲}\times ۲\times ۲=۶\times ۱۵\times ۲\times ۲=۳۶۰$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

۵- گزینهٔ «۳» *(عارف بهرام‌نیا)*

حالت اول: ۳ اصلاً انتخاب نشود. $n(A)=۵$

$$\text{زیرمجموعهٔ ۳ عضوی}\ \binom{۵}{۳}=\frac{۵!}{۳!\times ۲!}=۱۰$$

حالت دوم: ۳ انتخاب شود و ۴ انتخاب نشود. $n(A)=۵$

$$\binom{۵-۱}{۳-۱}=\binom{۴}{۲}=\frac{۴!}{۲!\times ۲!}=۶$$

$$\text{کل زیرمجموعه‌ها}=۱۰+۶=۱۶$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

۶- گزینهٔ «۲» *(محمد بحیرایی)*

$$n(S)=\underbrace{\frac{۵}{\text{به‌غیر از صفر}}}\times\underbrace{\frac{۵}{\text{به‌غیر از صدگان}}}\times\frac{۴}{}=۱۰۰$$

حال می‌خواهیم عدد سه‌رقمی زوج باشد. پس دو حالت داریم. رقم یکان آن صفر باشد یا رقم یکان آن ۲ یا ۴ باشد.

$$\frac{۵}{}\times\frac{۴}{}\times\underbrace{\frac{۱}{\{۰\}}}=۲۰$$

$$\underbrace{\frac{۴}{\text{به‌غیر از صفر و یکان}}}\times\frac{۴}{}\times\underbrace{\frac{۲}{\{۴\text{یا}۲\}}}=۳۲$$

$$\xrightarrow{\text{اصل جمع}}n(A)=۲۰+۳۲=۵۲$$

$$\Rightarrow P(A)=\frac{۵۲}{۱۰۰}=۰/۵۲$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۶ تا ۲۶)

۷- گزینهٔ «۲» *(شکیب رجبی)*

نفر اول ۱۲ حق انتخاب دارد، اما بقیهٔ افراد فقط همان ماهی را باید انتخاب کنند که نفر اول انتخاب کرده است. پس:

$$\frac{۱۲}{۱۲}\times\frac{۱}{۱۲}\times\frac{۱}{۱۲}\times\frac{۱}{۱۲}\times\frac{۱}{۱۲}=\frac{۱}{(۱۲)^۴}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحهٔ ۲۰)

۸- گزینهٔ «۳» *(محمد بحیرایی)*

$$n(S)=\binom{8+2}{2}=\binom{10}{2}=\frac{10!}{8!\times 2!}=\frac{10\times 9}{2}=45$$

$$n(A)=\binom{8}{2}+\binom{8}{1}\times\binom{2}{1}=\frac{8\times 7}{2}+8\times 2=28+16=44$$

$$\Rightarrow P(A)=\frac{44}{45}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحهٔ ۲۶)

۹- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

در میان اعداد $\underline{1},2,3,\underline{4},5,\underline{6},7,\underline{8},\underline{9}$، پنج عددی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است، غیر اول و بقیه اول هستند که پنج عدد غیر اول در خانه‌های با شمارهٔ فرد (یعنی خانه‌های رنگی) $5!$ جایگشت دارند و نیز چهار عدد اول در چهار خانهٔ سفید $4!$ جایگشت دارند. پس اگر پیشامد مورد نظر سؤال را A بنامیم، بنا به اصل ضرب داریم: $n(A)=5!\times 4!$ از طرفی اگر هیچ شرطی نداشته باشیم، 9 پرچم در کنار هم $n(S)=9!$ جایگشت دارند، پس:



$$P(A)=\frac{n(A)}{n(S)}=\frac{5!\times 4!}{9!}=\frac{5!\times 1\times 2\times 3\times 4}{9\times 8\times 7\times 6\times 5!}=\frac{1}{126}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحهٔ ۲۶)

۱۰- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

تعداد راه‌های انتخاب ۶ قوچ از میان ۱۰ قوچ، برابر است با:

$$n(S)=\binom{10}{6}=\frac{10!}{6!4!}=\frac{10\times 9\times 8\times 7\times 6!}{6!\times 1\times 2\times 3\times 4}=10\times 3\times 7=210$$

اگر پیشامد مورد نظر سؤال را A بنامیم، برای وقوع آن باید انتخاب‌ها به صورت زیر باشد:

(۶ قوچ نشان‌دار) یا [(یک قوچ بی‌نشان) و (۵ قوچ نشان‌دار)]

پس:

$$n(A)=\binom{6}{5}\times\binom{4}{1}+\binom{6}{6}=6\times 4+1=25$$

بنابراین :

$$P(A)=\frac{n(A)}{n(S)}=\frac{25}{210}=\frac{5}{42}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحهٔ ۲۷)

ریاضی و آمار (۱)

۱۱- گزینهٔ «۴» *(محمد اسری)*

گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم:

گزینهٔ «۱»: رشته تحصیلی دانش‌آموزان یک متغیر کیفی اسمی است.

گزینهٔ «۲»: میزان رضایت در این مقیاس‌ها متغیر کیفی ترتیبی است.

پس گزینه‌های «۲» و «۳» حذف می‌شوند.

گزینهٔ «۳»: دمای هوا یک متغیر کمی فاصله‌ای است.

گزینهٔ «۴»: تعداد رتبه‌ها (نه خود رتبه) یک متغیر کمی نسبتی است.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحهٔ ۸۰)

۱۲- گزینهٔ «۴» *(هادی فولادی)*

به‌ترتیب موارد ذکر شده دادگان‌ها، پرسشنامه، مشاهده و دادگان‌ها هستند. بنابراین دادگان‌ها بیشتر از سایرین استفاده شده است. توجه کنید بررسی پلاک‌های مخدوش توسط افسر از طریق مشاهده انجام می‌شود.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

۱۳- گزینهٔ «۲» *(علی قهرمان‌زاده)*

با توجه به متن کتاب هر ماهی یک واحد آماری و به کل آن‌ها جامعهٔ آماری گفته می‌شود.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۷۲ تا ۷۴)

۱۴- گزینهٔ «۱» *(محمد اسری)*

مجموع اولیهٔ داده‌ها:

$$7\times 12=84$$

با کم کردن ۳ واحد از هر داده، $7\times 3=21$ واحد کم می‌شود:

$$84-21=63$$

فرض کنیم کوچکترین داده a باشد، طبق صورت سؤال $2a$ به بزرگترین داده اضافه می‌شود بنابراین چون میانگین جدید برابر ۱۱ است:

$$\frac{63+2a}{7}=11\Rightarrow 63+2a=77$$

$$2a=14\ ,\ a=7$$

که اگر از a، ۳ واحد کم کنیم کوچکترین داده برابر ۴ است.

از طرفی میانهٔ اولیه ۱۰ بوده و چون از همهٔ داده‌ها ۳ واحد کم شده اگر همین تغییر انجام شود، میانه برابر عدد ۷ می‌شود اما افزایش $2a=14$ به بزرگترین داده، ترتیب داده‌ها را تغییر نمی‌دهد و میانهٔ جدید برابر همان عدد ۷ است.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۸)

۱۵- گزینهٔ «۳» *(عباس مالکی)*

وقتی به ۴ داده سه واحد (3×4) و به یک داده ۸ واحد اضافه شود به مجموع داده‌ها ۲۰ واحد و به میانگین $\frac{20}{5}=4$ واحد اضافه می‌شود پس اگر میانگین قبل را $\bar{x}$ بدانیم. در داده‌های جدید میانگین $\bar{x}+4$ است.

داده‌های قبل $\Rightarrow \bar{x},\bar{x},\bar{x},\bar{x},\bar{x}$

جدید $=\bar{x}+8,\bar{x}+3,\bar{x}+3,\bar{x}+3,\bar{x}+3$

واریانس جدید $=\frac{4(\bar{x}+3-(\bar{x}+4))^2+((\bar{x}+8)-(\bar{x}+4))^2}{5}$

$$=\frac{4(-1)^2+4^2}{5}=\frac{4+16}{5}=4$$

انحراف معیار جدید $=\sqrt{4}=2\Rightarrow\frac{\sigma^2}{\sigma}=2$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۹ و ۹۰)

۱۶- گزینهٔ «۱» *(علی حسینی‌نوه)*

ابتدا چارک‌ها را مشخص می‌کنیم تا بفهمیم،کدام‌یک داده‌ها را باید حذف و کدام‌یک از داده‌ها را باید نگه داریم.

برای مشخص کردن چارک‌ها ابتدا داده‌ها را از کوچک به بزرگ می‌نویسیم. و سپس آن‌ها را مشخص می‌کنیم.

$$۱,۱,\ \boxed{۳,۴}\ ,۴,۴,\boxed{۵},۶,۸,\ \boxed{۱۳,۱۴}\ ,۱۵,۱۷$$

$$Q_۱=\frac{۳+۴}{۲}=۳/۵ \qquad Q_۲ \qquad Q_۳=\frac{۱۳+۱۴}{۲}=۱۳/۵$$

اگر داده‌های بین چارک اول و سوم را حذف کنیم، داده‌هایی که باقی می‌مانند عبارتند از:

۱,۱,۳,۱۴,۱۵,۱۷

حال میانگین اعداد ۱,۱,۳,۱۴,۱۵,۱۷ را حساب می‌کنیم.

$$\text{میانگین}=\frac{\text{مجموع داده‌ها}}{\text{تعداد داده‌ها}}$$

$$\text{میانگین}=\frac{۱۷+۱+۱+۳+۱۴+۱۵}{۶}=\frac{۵۱}{۶}=۸/۵$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۵ تا ۹۴)

۱۷- گزینهٔ «۳» *(احمد حسن‌زاده‌فرد)*

با توجه به نمودار زنگوله‌ای (نرمال) داریم:

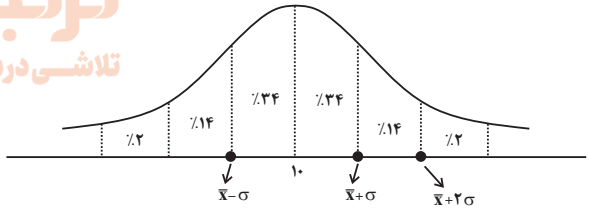

$$\sigma^۲=۹\Rightarrow\sigma=۳$$

$$\rightarrow \bar{x}-\sigma,۰,\bar{x}+\sigma,\bar{x}+۲\sigma$$

$$\left.\begin{array}{l}\bar{x}-۳=۷\\ \bar{x}+\sigma=۱۰+۳=۱۳\\ \bar{x}+۲\sigma=۱۰+۶=۱۶\end{array}\right\}\rightarrow ٪۳۴+٪۳۴+٪۱۴=٪۸۲$$

۸۲ درصد داده‌ها در محدودهٔ ۷ تا ۱۶ می‌باشند.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۹۲ و ۹۳)

۱۸- گزینهٔ «۱» *(محمد بحیرایی)*

در صورتی که بین داده‌ها دادهٔ دورافتاده داشته باشیم برای توصیف حد وسط داده‌ها (شاخص مرکزی) از میانه استفاده می‌کنیم و برای پراکندگی داده‌ها از شاخص دامنهٔ میان چارکی استفاده می‌کنیم.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۸، ۹۴ و ۹۵)

۱۹- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی پیمانه‌ای - خارج از کشور ۱۴۰۱)*

از آنجایی که انحراف معیار ۵ داده برابر با صفر است، پس داده‌ها با هم برابر هستند و هر یک از آن‌ها را x در نظر می‌گیریم. طبق فرض سؤال، با ترکیب داده‌های ۱۱,۵,۸ با پنج دادهٔ اولیه، میانگین ۸ داده تغییر نکرده است. در نتیجه میانگین داده‌های اضافه شده با میانگین داده‌های اولیه برابر است، کافی است میانگین داده‌های ۱۱,۵,۸ را حساب کنیم.

$$\bar{x}=\frac{۱۱+۵+۸}{۳}=\frac{۲۴}{۳}=۸$$

میانگین داده‌های اولیه که همگی با هم برابر بودند، ۸ است، پس در ابتدا پنج دادهٔ برابر با ۸ داشته‌ایم و حالا داده‌ها به صورت ۸,۸,۸,۸,۸,۱۱,۵,۸ هستند. انحراف معیار آن‌ها را حساب می‌کنیم.

$$\sigma=\sqrt{\frac{۵\times(۸-۸)^۲+(۱۱-۸)^۲+(۵-۸)^۲}{۸}}$$

$$\Rightarrow\sigma=\sqrt{\frac{۰+۹+۹}{۸}}=\sqrt{\frac{۹}{۴}}=\frac{۳}{۲}=۱/۵$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحهٔ ۹۰)

۲۰- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای - سراسری انسانی- آزمون مجدد-آذر ۱۴۰۱)*

داده‌ها مرتب شده هستند، ابتدا چارک‌ها را پیدا می‌کنیم.

$$۲/۵,\boxed{a},۵/۵,\boxed{۶},۷,\boxed{b},۹/۵$$

$Q_۱=a$ میانه:۶ $Q_۳=b$

طبق فرض سؤال، دامنهٔ میان‌چارکی برابر ۳/۵ است، پس:

$$IQR=Q_۳-Q_۱=۳/۵\Rightarrow b-a=۳/۵\ (۱)$$

همچنین میانگین داده‌ها با میانه یعنی ۶ برابر است، پس:

$$\frac{۲/۵+a+۵/۵+۶+۷+b+۹/۵}{۷}=۶\Rightarrow ۳۰/۵+a+b=۴۲$$

$$\Rightarrow a+b=۱۱/۵\ (۲)$$

از جمع دو طرف تساوی‌های (۱) و (۲)، داریم:

$$(۱):\quad b-a=۳/۵$$
$$\underline{a+b=۱۱/۵}$$

جمع: $۲b=۱۵\Rightarrow b=۷/۵,۷/۵-a=۳/۵\Rightarrow a=۴$

بنابراین داده‌های قبل از میانه ۵/۵، ۴، ۲/۵ هستند. میانگین آن‌ها برابر است با:

$$\bar{x}=\frac{۲/۵+۴+۵/۵}{۳}=\frac{۱۲}{۳}=۴$$

رابطهٔ واریانس را می‌نویسیم:

$$\sigma^۲=\frac{(۲/۵-۴)^۲+(۴-۴)^۲+(۵/۵-۴)^۲}{۳}$$

$$\Rightarrow\sigma^۲=\frac{۱/۵^۲+۰+۱/۵^۲}{۳}=\frac{۲/۲۵+۲/۲۵}{۳}=\frac{۴/۵}{۳}=\frac{۳}{۲}$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحهٔ ۹۴)

ترنج بوک
تلاشی در مسیر موفقیت

ریاضی و آمار (۲)

۲۱- گزینهٔ «۲» *(پیمان طیار)*

$D_f : \mathbb{R} - \{-1\}$

$D_g : \{1, -1, \frac{1}{2}, 0\}$

$D_f \cap D_g = \{1, \frac{1}{2}, 0\}$

$(2f-g)(1) = 2f(1) - g(1) = 1 - 2 = -1$

$(2f-g)(\frac{1}{2}) = 2f(\frac{1}{2}) - g(\frac{1}{2}) = \frac{4}{3} - 1 = \frac{1}{3}$

$(2f-g)(0) = 2f(0) - g(0) = 2 - (-1) = 3$

مجموع مقادیر برد $= -1 + 3 + \frac{1}{3} = \frac{7}{3}$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۳)

۲۲- گزینهٔ «۳» *(رضا قانبابائی)*

ابتدا تابع $f+g$ را تشکیل می‌دهیم

$f+g = \{(1,-3),(-2,15),(6,3)\}$

بعد تابع $2f$ را تشکیل می‌دهیم

$2f = \{(\sqrt{2},-8),(1,6),(-2,10),(6,0)\}$

حالا تابع $\frac{f+g}{2f}$ را می‌نویسیم

$\rightarrow \frac{f+g}{2f} = \{(1,\frac{-1}{2}),(-2,\frac{3}{2}),(6,\frac{3}{0})\}$

$= \{(1,-\frac{1}{2}),(-2,\frac{3}{2})\}$

برد $= \{-\frac{1}{2}, \frac{3}{2}\}$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۳)

۲۳- گزینهٔ «۲» *(پیمان طیار)*

$f(2) = 2^2 + 2 = 6$

$g(2) = 2(2) + 1 = 5$

$f(0) = 2(0) + 1 = 1$

$g(0) = 0 - 4 = -4$

$\Rightarrow \frac{f(2)+g(2)}{f(0)-g(0)} = \frac{6+5}{1+4} = \frac{11}{5}$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۳)

۲۴- گزینهٔ «۲» *(محمد حمیری)*

طبق مجموعه‌های f و g و $f-g$ داریم:

$4 \in D_{f-g} \Rightarrow 4 \in D_f \Rightarrow b = 4$

$f = \{(4,4),(-1,3),(2,5)\}, g = \{(4,1),(3,7),(2,a)\}$

$f-g = \{(4,4-1),(2,5-a)\}$

پس $d=3$، $c=2$ و $5-a=8$ است.

پس داریم:

$a-b+c-d = -3-4+2-3 = -8$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۳)

۲۵- گزینهٔ «۱» *(علی قهرمان‌زاده)*

با توجه به نمودار، f، از نقاط $(0,4)$ و $(-3,0)$ گذشته و عرض از مبدأ ۴ است:

شیب $a = \frac{4-0}{0-(-3)} = \frac{4}{3} \Rightarrow \frac{4}{3} \Rightarrow f(x) = \frac{4}{3}x + 4$

برای بدست آوردن ضابطهٔ تابع $f \times g$ باید از عرض از مبدأ ۱ و نقطهٔ تلاقی دو تابع f و $f \times g$ به طول -1 استفاده کنیم.

$(f \times g)(x) = mx + 1$

باید دو تابع f و $f \times g$ را در نقطهٔ $x=-1$ برابر قرار دهیم:

$f(-1) = (f \times g)(-1) \Rightarrow \frac{4}{3}(-1) + 4 = -m + 1$

$\xrightarrow{\times 3} -4 + 12 = -3m + 3 \Rightarrow m = -\frac{5}{3}$

$f \times g = -\frac{5}{3} + 1 \Rightarrow (\frac{4}{3}x + 4) \times g(x) = -\frac{5}{3}x + 1$

$\xrightarrow{x=1} (\frac{4}{3} + 4)g(1) = -\frac{2}{3} \Rightarrow g(1) = -\frac{1}{8}$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۴)

۲۶- گزینهٔ «۴» *(علی حسینی نوه)*

ابتدا باید برد تابع ثابت را مشخص کنیم. طبق تساوی داده شده، با حل معادلهٔ به‌وجود آمده برد تابع مشخص می‌شود. پس:

$f(x) = x \rightarrow$ همانی

$g(x) = k$ ثابت

$f(15) = 15, f(2) = 2, g(2) = k, g(x) = k, g(7) = k$

$15 + 2k = k^2 \Rightarrow k^2 - 2k - 15 = 0 \Rightarrow (k-5)(k+3) = 0$

$k - 5 = 0 \Rightarrow k = 5$

$k + 3 = 0 \Rightarrow k = -3$

با توجه به اینکه نمودار تابع از ناحیهٔ ۴ نمی‌گذرد. پس $k=-3$ غیرقابل قبول است و $k=5$ قابل قبول است. پس:

$g(\sqrt{2}) = 5$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۳)

ترنج بوک
تلاشی در مسیر موفقیت

۲۷- گزینهٔ «۴» *(محمد بحیرایی)*

$$(f+g)(\frac{۳}{۲})=f(\frac{۳}{۲})+g(\frac{۳}{۲})=۲[\frac{۳}{۲}]+\text{sign}(\frac{۳}{۲})=۲+۱=۳$$

$$(f-g)(-۰/۱)=f(-۰/۱)-g(-۰/۱)=۲\times(-۱)-(-۱)=-۱$$

$$\Rightarrow \text{عبارت}=\frac{۳}{-۱}=-۳$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۳)

۲۸- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

با توجه به نمودار دو تابع، دامنهٔ آنها فقط در نقاط $x=۱$، $x=۳$ و $x=۵$ اشتراک دارند که در این نقاط مقدار تابع $f+g$ برابر است با:

$$(f+g)(x)=f(x)+g(x)=۱+۱=۲$$

بنابراین در این نقاط، مقدار تابع ۲ است و نمودار آن، گزینهٔ «۱» است.

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحهٔ ۵۲)

۲۹- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

ضابطهٔ تابع را تشکیل می‌دهیم:

$$(\frac{f}{g})(x)=\frac{f(x)}{g(x)}=\frac{x^۲-۵x+۶}{۳-x}=\frac{(x-۲)(\cancel{x-۳})}{-(\cancel{x-۳})}$$

$$(\frac{f}{g})(x)=-(x-۲), x\neq ۳$$

x	۰	۲	۳
y	۲	۰	−۱

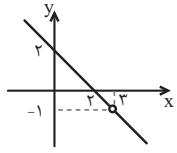

توجه کنید که نقطهٔ $x=۳$ روی نمودار، باید توخالی باشد.

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحهٔ ۵۳)

۳۰- گزینهٔ «۱» *(عارف بهرام‌نیا)*

$$(f-۴g)(۴)=f(۴)-۴g(۴)=-۲-۲m^۲=-۱۰\Rightarrow m^۲=۴$$
$$m=\pm ۲$$

از طرفی:

$$(۲f-g)(۳)=۲f(۳)-g(۳)=۲(-۱)-\frac{m-n}{۲}=۵$$

$$-\frac{m-n}{۲}=۷\Rightarrow -m+n=۱۴\Rightarrow n=۱۴+m$$

$$\Rightarrow \begin{cases} \xrightarrow{m=۲} n=۱۶ \\ \xrightarrow{m=-۲} n=۱۲ \end{cases}$$

برای اینکه $m+n$ حداکثر شود باید m و n بیشترین مقدار را داشته باشند، لذا:

$$m=۲, n=۱۶\Rightarrow m+n=۱۸$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۳)

علوم و فنون ادبی (۳) و (۱)

۳۱- گزینهٔ «۱» *(حسن اصحابی)*

نثر پارسی در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم تازه ظهور کرده بود و با همهٔ پیشرفت‌هایی که داشت هنوز در آغاز راه بود.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۲ تا ۸۴)

۳۲- گزینهٔ «۳» *(محسن اصغری)*

بیت گزینهٔ «۳» به سبک عراقی و ابیات گزینه‌های «۱ و ۲ و ۴» به سبک خراسانی سروده شده‌اند.

ویژگی سبکی ابیات:

گزینهٔ «۱»: اشعار پندآموز و اندرزگونهٔ این دوره، ساده است و جنبهٔ عملی و دستوری دارد. (ویژگی فکری سبک خراسانی)

گزینهٔ «۲»: روح شادی و نشاط و خوش‌باشی، در شعر غلبه دارد. (ویژگی فکری سبک خراسانی)

گزینهٔ «۳»: ورود اصطلاحات عرفانی مانند «طلب». (ویژگی فکری سبک عراقی)

گزینهٔ «۴»: در سبک خراسانی معشوق، عمدتاً زمینی است، شعر واقع‌گراست و توصیفات عمدتاً طبیعی، ساده، محسوس و عینی است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، ترکیبی)

۳۳- گزینهٔ «۴» *(سعید جعفری)*

متن صورت پرسش به سبک نثر فنی نوشته شده است و گزینهٔ «۴» از ویژگی‌های نثر موزون یا آهنگین است.

تشریح دیگر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: تیر ملامت: اضافهٔ تشبیهی / بینا و نابینا: تضاد

گزینهٔ «۲»: متن صورت پرسش نثر فنی است و رواج آن در سدهٔ ششم بود.

گزینهٔ «۳»: در چاهی افتند یکی بینا [است] و دیگر نابینا [است].

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۳ و ۸۴)

۳۴- گزینهٔ «۳» *(محسن اصغری)*

دلیل نادرست بودن موارد «ب» و «ج»:

ب) تاراج کتابخانهٔ اصفهان (نه تأسیس آن) سبب شد تعدادی از کتاب‌های کتابخانهٔ سلطنتی به دست مردم افتد و ارتباط مجدد اهل ذوق با ادب کهن برقرار شود.

ج) «رواج صنعت چاپ و روزنامه‌نویسی و ترجمه و نشر کتاب‌های غربی» از عوامل مؤثر در بیداری جامعه است، نه از عوامل ایجاد نهضت بازگشت.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۳۵- گزینهٔ «۴» *(هومن نمازی)*

موارد «ب»، «ج» و «هـ» همگی صحیح هستند.

اصلاح مورد «الف»: دهخدا شعر هم می‌سرود.

اصلاح مورد «د»: چرند و پرند در صوراسرافیل چاپ می‌شد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

ثرنج‌یاب تلاشی در مسیر موفقیت

۳۶- گزینهٔ «۳» *(عزیز الیاسی‌پور)*

ایرج میرزا با توجه به اندیشه‌های نوگرایانـه، پایبنـدی بـه سـرودن شـعر بـه مضامین کهن و سنتی نداشت.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحهٔ ۱۷)

۳۷- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنکور سراسری ۱۴۰۲ نوبت اول دی‌ماه)*

مفهوم ابیات گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴»: در این ابیات موضوع این است که آدمی نباید کاری ناشایست (آزردن مردم، بدکردن و سـنگ‌گـران انـداختن) انجام دهد که در آینده مجبور باشد مکافات آن عمل را بکشد.

مفهوم بیت گزینهٔ «۲»: در این بیت، شاعر بـه ویژگـی ناپایـداری احـوال در جهان اشاره دارد و می‌گوید ممکن است در لحظه‌ای، سور و شـادی شـخص به ماتم بدل شود.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحهٔ ۹۸)

۳۸- گزینهٔ «۱» *(حسن اصحابی)*

مفهوم ابیات «الف» و «ج» این است که باید از غیر خدا دل کند و فقـط بـه درگاه او پناه برد و از او طلب کرد.

بیت (ب): نهی نفس‌پرستی

بیت (د): اعتلابخشی عشق و نکوهش مطیع شهوت بودن

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، ترکیبی)

۳۹- گزینهٔ «۳» *(حسن اصحابی)*

تصویر مشترک بیت صورت سؤال و گزینهٔ «۳»: طلوع آفتاب

گزینهٔ «۱»: توصیف عاشق و معشوق با استفاده از تشبیهات طبیعی

گزینهٔ «۲»: تشبیه معشوق به ماه

گزینهٔ «۴»: زیبایی مبالغه‌آمیز معشوق باعث خجالـت خورشـید شـده اسـت (سرخی شفق به مانند عرق خورشید است که نماد خجالت است).

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحهٔ ۴۰)

۴۰- گزینهٔ «۳» *(سعید جعفری)*

الف) همچو گوی اختیارت را به یار واگذار کن. (تفویض)

ب) برای رسیدن به بهشت باید در برابر یار مرگ ارادی داشت. (فنا)

پ) این جهان به هیچ کس وفا ندارد. (بی‌وفایی جهان)

ت) پروانه، عاشق راستین است. (اصالت)

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۳)، مفهوم، ترکیبی)

۴۱- گزینهٔ «۱» *(محمد مشهدیان)*

یکی از انواع تشبیه، تشبیهی اسـت کـه در آن، شـاعر نـه‌تنهـا مشـبّه را بـه مشبّه‌به مانند می‌کند، بلکه آن را برتر از مشبّه‌بـه مـی‌پنـدارد. بـه ایـن نـوع تشبیه، «تشبیه تفضـیل» یـا «تشـبیه مـرجّح» مـی‌گوینـد. در ایـن گزینـه، برخلاف سایر گزینه‌ها، تشبیه تفضیل دیده نمی‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: شاعر نه‌تنها زلف معشـوقش را از لحـاظ خوشـبویی بـه مشـک تشبیه می‌کند، بلکه معتقد است وقتـی بـاد، بـوی معشـوق را منتشـر کنـد، تاجران مشک کوی معشوق را به خُتَن (نام شهری در نزدیکی کشـور چـین که به داشتن مشک‌های معطّر معروف بوده است) می‌برند.

گزینهٔ «۳»: شاعر نه‌تنها معشوقش را به درخت سرو و درخت نـارون تشـبیه می‌کند، بلکه معتقد است با وجود معشـوق، کسـی بـه سـرو و نـارون توجّـه نمی‌کند.

گزینهٔ «۴»: شاعر نه‌تنها رایحهٔ نفس معشوق را به عود تشبیه می‌کند، بلکـه معتقد است با وجود نفس یار من، شایسته است اگر مجمر عود را از مجلـس خارج کنی. (دیگر نیازی به عود نداریم.)

(علوم و فنون ادبی، بیان)

۴۲- گزینهٔ «۳» *(سید علیرضا احمدی)*

در بیت گزینهٔ «۳»، نگار استعارهٔ مصرحه از یار است. معنای لغـوی «نگـار» نقاشی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: تشخیص و استعارهٔ مکنیه: گل نرگس، گیاه را در نظر نمی‌آورد.

گزینهٔ «۲»: استعارهٔ مکنیه: «جمال» یار به امری مادی تشبیه شده که سایه دارد و مشبه‌به ذکر نشده، بلکه فقط ویژگی آن (سایه) ذکر شده است.

گزینهٔ «۴»: تشخیص و استعارهٔ مکنیه: قهر تو پای من را شکست و لطف تـو دستم را گرفت.

(علوم و فنون ادبی، بیان)

۴۳- گزینهٔ «۴» *(یاسین مهریان)*

بیـت «الـف»: «دُر» در «درفِشـان» اسـتعارهٔ مصـرحه از «گریـه» - «لعـل» استعارهٔ مصـرحه از «لـب» - «گـوهر» در «گوهربـار»، اسـتعارهٔ مصـرحه از «سخنان نیک» = ۳ استعاره

بیت «د»: «فرش زمرد» استعارهٔ مصـرحه از «سـبزه‌زار» - «گهـر» اسـتعارهٔ مصرحه از «باران» - «چشم‌داشتن و گریستن ابر از حسرت دوست» استعارهٔ مکنیه و تشخیص = ۳ استعاره

تشریح سایر ابیات:

بیت «ب»: «ای آه» استعارهٔ مکنیه و تشخیص - «خس و خاشاک» استعارهٔ مصرحه از «شاعر» = ۲ استعاره

بیت «ج»: «گلاب» استعارهٔ مصرحه از «اشک» - «ارغوان» استعارهٔ مصرحه از «چهرهٔ سرخ‌رنگ» - «نرگس» استعارهٔ مصرحه از «چشم» - «مست‌بودن چشم» استعارهٔ مکنیه و تشخیص = ۴ استعاره

(علوم و فنون ادبی، بیان)

۴۴- گزینهٔ «۴» *(رضا رنجبری)*

اسـتعاره‌هـا: ۱. «طـاووس زریـن» اسـتعارهٔ مصـرّحه از خورشـید، ۲. «زاغ» استعارهٔ مصرّحه از شب (به‌دلیل رنگ سیاه)، ۳. «گل سرخ» استعارهٔ مصرّحه از خورشید، ۴. «سبزباغ» استعارهٔ مصرّحه از آسمان (به‌دلیل رنگ سبز)

ترنج بوک تلاشی در مسیر توفیق

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: بیت فاقد استعاره و دارای تشبیه است. بررسی تشبیه: زلف او همچون عنبر، خوش‌بو و دل‌انگیز است و چهره‌اش مانند عبیر، آکنده از عطر و لطافت. همچنین، روی او به آتش می‌ماند که سرشار از گرمی و درخشندگی است و خال چهره‌اش چون سپندی بر این آتش، جلوه‌ای دلنشین و چشمگیر یافته است. ← ۴ مورد تشبیه

نکته: عنبر ماده‌ای خوشبو و کمیاب است که خاستگاه آن را دریا دانسته‌اند. در منابع کهن، دربارهٔ منشأ آن دیدگاه‌های گوناگونی آمده است: گاه گفته‌اند مادّه‌ای است که از درون بدن نهنگ (گاو دریایی) پدید می‌آید و به دریا راه می‌یابد و در سطح آب یا ساحل به دست می‌آید؛ و گاه آن را مومی طبیعی دانسته‌اند که در نواحی هند و چین شکل می‌گیرد، به دریا می‌رسد و پس از دگرگونی، به صورت توده‌هایی خوشبو یافت می‌شود. عنبر رنگی تیره دارد و در گذشته در شمار مواد عطریِ ارزشمند بوده و از سرزمین‌های شرقی به نواحی دیگر صادر می‌شده است. این ماده را مانند عود بر آتش می‌نهادند تا بوی آن در فضا پراکنده شود. همچنین «عنبر» به سبب رنگ تیره‌اش، نامِ کنیز و غلام نیز بوده است و ترکیب «عنبرسارا» به معنای عنبر خالص و ناب به کار می‌رود. عبیر ماده‌ای خوشبو و ترکیبی است که از آمیختن چند مادهٔ معطر به دست می‌آید؛ معمولاً از ترکیب موادی مانند مشک، گلاب، زعفران و مانند آن ساخته می‌شد. عبیر را یا برای خوشبو شدن با خود نگه می‌داشتند یا در محافل و مجالس می‌سوزاندند تا فضا را معطر کند؛ از این‌رو، از رایج‌ترین خوشبوکننده‌های سنتی به شمار می‌رفته است.

توجّه: یکی از دام‌هایی که در تشخیص «استعارهٔ مصرّحه» ممکن است شما را دچار اشتباه کند، حضور چند تشبیه یا استعارهٔ مکنیّه در بیت است؛ به‌ویژه در ابیاتی که به توصیف طبیعت یا فصل بهار می‌پردازند و سخنی از معشوق در میان نیست. در چنین مواردی، ممکن است به‌اشتباه بیت را دارای استعارهٔ مصرّحه بدانید. برای پرهیز از این خطا، ابتدا معنای دقیق بیت را بررسی کنید، سپس به سراغ تشخیص آرایه بروید.

گزینهٔ «۲»: بیت فاقد استعارهٔ مصرّحه و دارای تشبیه و استعارهٔ مکنیّه است. تشبیه‌ها: ۱. یاقوتِ لب (اضافهٔ تشبیهی)، ۲. شکرخنده، ۳. تشبیه «لب» به «لعل» (تفضیلِ مضمر)/ استعارهٔ مکنیّه: دلِ لعل

توجّه: حضور واژه‌های استعاره‌خیز، لزوماً به معنای وجود «استعارهٔ مصرّحه» نیست. لازم است این واژگان در معنایی غیرحقیقی به کار رفته باشند و میان معنای حقیقی و مجازیِ آن‌ها رابطهٔ شباهت برقرار باشد تا شرایط استعارهٔ مصرّحه شکل بگیرد.

گزینهٔ «۳»: استعاره‌ها:۱. «شکر» استعارهٔ مصرّحه از «لب»، ۲. «پر طوطی» استعارهٔ مصرّحه از موهای تازه رسته در بالای لب، ۳. «قمر» استعارهٔ مصرّحه از چهرهٔ درخشان و زیبا، ۴. «پر غراب» استعارهٔ مصرّحه از زلف

(علوم و فنون ادبی، بیان)

۴۵- گزینهٔ «۴» *(رضا رهبری)*

جناس تام: سودا (اول): عشق، (دوم): خیال باطل/ بیت، فاقد جناس ناقص است.

توجّه: «گفتم و گفتی» و «پختی و پخته‌ها» جناس ناقص به شمار نمی‌آیند؛ زیرا در جناس، تفاوت معناییِ واژه‌ها اهمیت دارد. اگر این کلمات را بررسی کنیم، تفاوت معناییِ قابل‌توجّهی میان آن‌ها وجود ندارد و در واقع، تنها نوعی اشتقاق به حساب می‌آیند.

نکته: نشانه‌های فعل، مانند «نِ» منفی، «بِ» امر و مضارع التزامی، «می» مضارع اخباری و ماضی استمراری، و همچنین شناسه‌های فعل (ـَم، ی، ـَد، یم، ید، ـَند) در ایجاد جناس نقشی ندارند، بنابراین «رفت و نرفت»، «بردم و بردی»، «بنویس – ننویس» و مانند آن‌ها جناس محسوب نمی‌شوند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: جناس تام: دلبری – دل بری («بری» در این‌جا یعنی «بیزار و دور») / جناس ناقص: «بری» و «پری»

نکته: جناس مرکب: زیرمجموعهٔ جناس تام به شمار می‌آید و به دو نوع تقسیم می‌شود (که در اینجا محل بحث نیست). تفاوت این دو نوع در تکیه است و غالباً یکی به‌صورت بسیط و دیگری به‌صورت مرکب به‌کار می‌رود.

مثال از کنکور ۱۴۰۴ داخل: هله من مطرب عشقم دگران مطرب زر / دف من دفتر عشق و دف ایشان دف تر

گزینهٔ «۲»: جناس تام: گویی (اول): فعل، گویی (دوم): توپ چوگان/ جناس ناقص: «تاب» و «تَب»

نکته: در بررسی جناس، شاخ‌وبرگ‌های واژه را کنار می‌گذاریم؛ یعنی ضمایر متّصل (ـَ م، ـَ ت، ـَ ش، ـِ مان، ـِ تان، ـِ شان)، «تر» و «ترین»، مخفف فعل‌های اسنادی، «ی» نکره و «ی» مصدری و نیز نشانه‌های جمع (ها، ان، ات) را در نظر نمی‌گیریم.

گزینهٔ «۳»: جناس تام: وفات (اول): وفای تو، وفات (دوم): مرگ و مردن/ جناس ناقص: «سر» و «بر» - «در» و «سر»

(علوم و فنون ادبی، بدیع لفظی)

۴۶- گزینهٔ «۲» *(یاسین مهریان)*

بیت «ب»: جناس همسان: «که» اول: چه کسی؛ «که» دوم: حرف ربط / جناس ناهمسان: «سر» و «در»

بیت «د»: جناس همسان: «کف» اول: حباب روی مایعات؛ «کف» دوم: دست / جناس ناهمسان: «بس» و «بر»، «بر» و «سر»

تشریح سایر ابیات:

بیت «الف»: فاقد جناس همسان (توجه داشته باشید که هر دو «عهد» در معنای قول و پیمان به‌کار رفته‌اند.) / جناس ناهمسان: «پیمان» و «پیمانه»

بیت «ج»: فاقد جناس همسان / جناس ناهمسان: «ختا» و «خطا»

بیت «هـ»: فاقد جناس همسان (توجه داشته باشید که هر دو «روان» به معنای جاری و رونده هستند.) / جناس ناهمسان: «آب» و «آن»

(علوم و فنون ادبی، بدیع لفظی)

۴۷- گزینهٔ «۲» *(الهام ممدری)*

گزینهٔ «۲»: تشبیه گسترده: لب (مشبه)، می (مشبه‌به)، گون (ادات تشبیه)/ اشتقاق ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: تلمیح: بیت به داستان آفرینش (آدم و حوا) اشاره می‌کند که به علت خوردن میوهٔ ممنوعه از بهشت رانده شدند./ تشبیه بلیغ: خطا (مشبه)، رزق آدمی‌زاد (مشبه‌به)

گزینهٔ «۳»: جناس (ناهمسان): عِلم و عَلَم/ «فردا» مجاز از «آینده»

گزینهٔ «۴»: تضمین: بیت این گزینه، از حافظ است که مصراع دوم آن را از بیتی از شمس‌الدین محمد جوینی آورده است: «کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم مخور/ بشکفد گل‌های وصل از خار هجران غم مخور»/ «یوسف» استعاره از «معشوق و مقصود» و «کلبهٔ احزان» استعاره از «غم‌ها و مشکلات»

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع)

۴۸- گزینهٔ «۲» *(اکبر یحیوی)*

آرایه‌های بیت:

تضمین آیهٔ ۱ از سورهٔ الضّحی: والضّحا

تشبیه گسترده: رخ: مشبه / چون: ادات تشبیه / والضحا: مشبه‌به

استعارهٔ مکنیه (اضافهٔ استعاری): شعشعهٔ این خیال (شاعر «خیال» را مانند خورشید پنداشته که دارای «شعشعه و درخشش» است.)

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع)

۴۹- گزینهٔ «۴» *(اکبر یحیوی)*

بین واژه‌های «شفق و شفقت» اشتقاق برقرار نیست؛ زیرا از یک ریشه نیستند. تشبیه: اشک من رنگ شفق یافت

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مس: مجاز به علاقهٔ شباهت از وجود، سه جناس: ۱- زرد و زر ۲- زرد و کرد ۳- زر و بر

گزینهٔ «۲»: مصراع اول: تلمیح به آیهٔ «لَم یَلد و لَم یولد» / قل هوالله: تضمین آیه

گزینهٔ «۳»: تشبیه بلیغ: گنج رخسار – تشبیه گسترده: زلف چون مارش

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع)

۵۰- گزینهٔ «۱» *(سید علیرضا احمدی)*

الف) استعاره: پیرهن داشتن گل (تشخیص) / تشبیهات: زلیخای صبا و یوسف گل (سعدی به‌زیبایی باد صبا را به زلیخایی تشبیه کرده که پیراهن گل را پاره می‌کند.) / تلمیح: اشارهٔ غیرمستقیم به داستان مشهور یوسف و زلیخا

ب) استعاره: لب چشمه (تشخیص) / تشبیه مضمر: ادعای همانندی لب‌های یار و چشمهٔ حیات (معنای بیت: اگر خضر لب‌های تو را می‌دید، می‌گفت که این لب، لب چشمهٔ حیات است. در ادبیات ما «لب» پدیده‌ای جان‌بخش و مروّح است و از این‌رو آن را به آب و چشمه مانند می‌کنند.) / تلمیح: یادآور حکایت خضر و آب حیات

ج) بیت فاقد تشبیه است. / استعاره: ساقی (در کنکورهای اخیر این واژهٔ استعاره گرفته می‌شود. شاید استعاره از «واسطهٔ فیض الهی») / تلمیح: اشاره به «اَلَستُ بِرَبِّکُم ...»

د) بیت فاقد استعاره است. / تشبیه: شاید تشبیه دانستن رابطهٔ بین واژه «رخ» و «نور» سخت‌گیرانه باشد، ولی واضحاً بین «زلف» و «شب» رابطهٔ شباهت مشهود است. این تشبیه، از نوع مضمر یا پنهان است و اغلب بین یک پدیدهٔ مربوط به معشوق و یک پدیدهٔ طبیعی اتفاق می‌افتد. مثل قد و سرو یا چشم و نرگس یا ماه و چهره./تلمیح: یادآور دیدار خداوند و موسی (ع) در کوه طور

هـ) بیت فاقد تلمیح است. / تشبیه: خم‌خانهٔ عشق (خم‌خانه: می‌کده) / تشخیص و استعاره: در و دیوار خراب (مست) هستند.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع)

۵۱- گزینهٔ «۳» *(رضا رنجبری)*

واژه‌های قافیه: افروختنی – بردوختنی/ تشبیه: دل (مشبّه)، همچون (ادات) شمعی (مشبّه‌به)، افروختنی (وجه‌شبه) است./ دل (مشبّه)، همچون (ادات) چاکی (مشبّه‌به)، بردوختنی (وجه‌شبه)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: رادیف: باد/ واژه‌های قافیه: دوخته – افروخته/ تشبیه در مصراع دوم: از عشقِ تو، جانِ من (مشبّه) چون (ادات) خورشید (مشبّه‌به)، افروخته باد (وجه‌شبه)

توجّه: در مصراع اوّل با «استعارهٔ مکنیّه» روبه‌رو هستیم، نه تشبیه. «چشمم» (مشبّه) به چیزی مانند شده است، امّا «مشبّه‌به» ذکر نشده و تنها وجه‌شبه آن (یعنی «دوخته شدن» به‌عنوان وجه‌شبه) باقی مانده است؛ از این‌رو، به‌دلیل حذف مشبّه‌به، این ساختار استعارهٔ مکنیّه محسوب می‌شود، نه تشبیه.

گزینهٔ «۲»: واژه‌های قافیه: برفروخت – سوخت/ بیت فاقد تشبیه است و «چو» در مصراع اوّل، معنای «هنگامی‌که» می‌دهد و ادات تشبیه نیست.

گزینهٔ «۴»: واژه‌های قافیه: سوخته – افروخته/ مصراع دوم، خالی از تشبیه، و دارای استعارهٔ مکنیّه است: روی تو (مشبّه) همچون ..... (مشبّه‌به محذوف)، سرخ و افروخته است. (وجه‌شبه)

(علوم و فنون ادبی، بیان و موسیقی شعر)

۵۲- گزینهٔ «۲» *(رضا رنجبری)*

ب) ردیف: «ست» / واژه‌های قافیه:«رو - مینو» / حروف اصلی: مصوّت بلند «و» (قاعدهٔ ۱) / وزن بیت: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن (دولختی)

نکته: «ست» (مخفّف «است»)، اگر پس از آن دسته از واژه‌هایی که به مصوّت بلند «ا» یا «و» ختم شده‌اند بیاید، ردیف محسوب می‌شود. (البته به شرطی که این «ست»، جزء اجزای اصلی آن کلمه نباشد.)

د) واژه‌های قافیه: «می‌فزایی – می‌ربایی»/ حروف الحاقی: «یی»/ حروف اصلی: مصوّت بلند «ا» (قاعدهٔ ۱)/ وزن بیت: مستفعلن فع مستفعلن فع (دولختی)

بررسی سایر ابیات:

الف) ردیف: او/ واژه‌های قافیه: «رای - والای»/ حروف اصلی: «ای»/ حرف رویّ: «ی» (قاعدهٔ ۲) / وزن بیت: مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن (دولختی)

نکته: می‌دانیم که صامت «ی» در انتهای برخی کلمات منتهی به «ا» و «و»، حرف الحاقی محسوب می‌شود، ولی اگر این حرف صامت، جزء اصلی واژه باشد، دیگر نمی‌توانیم آن را الحاقی محسوب کنیم!

ج) ردیف: کسی/ واژه‌های قافیه: «آشنای – حنای» / حروف الحاقی: صامت «ی»/ حروف اصلی: مصوّت بلند «ا» (قاعدهٔ ۱) / وزن بیت: مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن (ناهمسان)

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر)

۵۳- گزینهٔ «۱» *(رضا رنجبری)*

بررسی «بخورد»: ب) واژه‌های قافیه: زَرد – دَرد/ حروف اصلی: «ـَ رد» ← هم‌قافیه می‌شوند، زیرا «بخورد» را می‌توان با تلفّظ کهن (بخَرد) در نظر گرفت./ ج) واژه‌های قافیه: پژمُردی – افسُردی/ حروف مشترک:«ـُ ردی» ← هم‌قافیه نمی‌شوند، زیرا حرفی که به این دو واژه الحاق شده است را در «بخورد» نمی‌بینیم./ هـ) شمُرد – بُرد / حروف اصلی: «ـُ رد» ← هم‌قافیه می‌شوند، زیرا «بخورد» را می‌توان به شکل امروزی (بخُرد)، تلفّظ کرد.

بررسی «خرامان»: الف) واژهٔ قافیه: زندان ← هم‌قافیه می‌شوند، زیرا در «زندان»، پسوند «ان» جزء اجزای اصلی واژه و در خرامان، نشانهٔ صفت فاعلی است./ د) واژه‌های قافیه: بی‌قراران – بهاران ← هم‌قافیه می‌شوند، زیرا در «بی‌قراران» و «بهاران»، پسوند «ان» به‌ترتیب، نشانهٔ «جمع» و «زمان» است. بنابراین با توجّه به این‌که نوع پسوندها متفاوت است، دیگر حروف الحاقی محسوب نمی‌شوند و اساس قافیه قرار می‌گیرند./ و) واژهٔ قافیه «تابان» ← هم‌قافیه نمی‌شوند، زیرا در تابان نیز پسوند «ان»، نشانهٔ صفت فاعلی است و با توجّه به یکسان بودن نوع «ان» در هر دو واژه، به عنوان حروف الحاقی، حذف می‌شوند و در نهایت حرف یا حروف مشترکی برای هم‌قافیه شدن این دو واژه باقی نمی‌ماند.

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر)

۵۴- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنکور سراسری- ۹۷، با تغییر)*

بیت صورت سؤال بر وزن «مفعول مفاعلن مفاعیلن» سروده شده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر)

۵۵- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنکور خارج از کشور ۹۳)*

با	غِ	بِـ	هشـ	تُـ	سا	یِـ
-	~~U~~ -	U	-	U	-	U
با	خا	کِ	کو	یِ	دو	ست

یِ	طو	با	و	قص	رُ	حور
U	-	-	U	-	U	
بَـ	را	بر	نِـ	می	کُ	نم

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر)

۵۶- گزینهٔ «۲» *(سید محسن رضوی)*

پاسخ صحیح: گزینهٔ «۲»: وزن این بیت «مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن» یا «مستفعلن مفاعلُ مستفعلن فعل» است که هر دو دسته‌بندی ناهمسان هستند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن (همسان دولختی)

گزینهٔ «۳»: فعلاتن فعلاتن فعلن (همسان)

گزینهٔ «۴»: مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ فعلن (دسته‌بندی همسان)، مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن (دسته‌بندی ناهمسان)

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر)

۵۷- گزینهٔ «۳» *(سید محسن رضوی)*

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: مفعولُ مفاعلنِ مفاعیلن

گزینهٔ «۲»: مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع

گزینهٔ «۴»: فعلاتن مفاعلن فعلن

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر)

۵۸- گزینهٔ «۳» *(سید علیرضا امدی)*

بررسی وزن گزینهٔ «۳» و بیت صورت سؤال:

پایه‌های	مَع	شو	قِ	بِ	زَر	نَرم	
آوایی	بَر	بَس	تِ	ءَ	مَز	هَر	چِ
نشانه‌های هجایی	-	-	U	U	-	-	U
وزن	مفعول			مفاعیلُ			

پایه‌های	شَ	وَد	گَر	تُ	نَ	دا	ری
آوایی	بِ	جُز	چِه	رِ	تُ	دی	دِ
نشانه‌های هجایی	U	-	-	U	U	-	-
وزن	مفاعیلُ				مفاعی (ناهمسان)		

البته این دو بیت به‌صورت همسان (مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ فعلن) هم دسته‌بندی می‌شوند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن یا مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن ← دولختی

گزینهٔ «۲»: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن یا مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل ← ناهمسان

گزینهٔ «۴»: مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع ← همسان تک‌پایه‌ای

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر)

۵۹- گزینهٔ «۱» *(یاسین مهریان)*

مصراع دوم رباعی، بیانگر اشک عاشقانهٔ عاشق، با دیدن چشم‌های معشوقش است؛ اما بیت مذکور در گزینهٔ «۱»، چنین تصویری ندارد و در بیان این است که چشم معشوقش، از همهٔ چشم‌ها زیباتر است و هر کسی به آن چشم‌ها نگاه کند، عاشق آن‌ها می‌شود. به بیانی ساده‌تر، مصراع دوم رباعی، رابطهٔ بین عاشق (شاعر) و چشم معشوق را بیان می‌کند؛ اما بیت، در وصف رابطهٔ دیگران با چشم معشوق است (اینکه هر کس به چشمان او نگاه کند، عاشقش می‌شود.)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: جناس ناهمسان افزایشی: «چشم و چشمه» / کنایه: «تیره‌حال بودن» کنایه از ناراحت بودن / مجاز: «روز» مجاز از «عمر شاعر و روزگار» است. [توجه داشته باشید که شاعر قصد دارد بیان کند که معشوقش، کل عمرش را در غم فرو برده؛ نه صرفاً یک روز خاص را.] / مراعات نظیر: «قد، چشم، خال و زلف»

گزینهٔ «۳»: حروف مشترک قافیه، «ـَ م» می‌باشد: مطابق قاعدهٔ ۲ و بدون حرف الحاقی / وزن رباعی، «مفعول مفاعیل مفاعیل فعل» یا «مستفعل مستفعل مستفعل فع» می‌باشد. وزن اول، وزنی ناهمسان و وزن دوم، وزنی همسان است. هر دو وزن برای رباعی، درست می‌باشند و وزن همسان، ارجحیّت دارد؛ اما این به آن معنا نیست که وزن ناهمسان آن، نادرست است. تفاوت آن‌ها، به‌دلیل برش هجایی آن‌هاست.

گزینهٔ «۴»: باتوجه‌به توضیحات گزینهٔ «۳»، وزن رباعی، ناهمسان نیز می‌تواند باشد. / «کرد» ردیف است و آخرین حرف مشترک (م)، روی است.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع، قافیه، موسیقی شعر و مفهوم)

تلاشی درمسیر موفقیت

۶۰- گزینهٔ «۴» *(رضا رنجبری)*

نمونهٔ بیتِ مطرح‌شده در صورتِ سؤال را می‌توان در کتاب درسی دید: «دامنِ خاک شد ز بسد و لعل / تاجِ فرعون و گنجِ دقیانوس». توجه داشته باشید که این بیت را نباید با ابیاتی که به ناپایداریِ قدرت می‌پردازند، یکسان دانست؛ زیرا در اینجا شاعر در حال توصیفِ بهار است و زیباییِ طبیعت را به تاجِ پادشاه و نقش‌ونگارِ طاووس تشبیه می‌کند، اما معنای بیتِ گزینهٔ «۴» چنین است: هنگامِ راه رفتن، با آرامش و احترام گام بردار؛ چراکه این خاکِ تیره، در حقیقت فرقِ سرِ پادشاهان است. یعنی حتی قدرتمندترین انسان‌ها نیز سرانجام از دنیا می‌روند و هیچ قدرتی پایدار نمی‌ماند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: ابیات صورت سؤال و مصراع بیان‌شده، در وزنِ ناهمسانِ «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن» سروده شده‌اند.

گزینهٔ «۲»: اگر به انتهای وزنِ ناهمسانِ «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن» یک هجای بلند اضافه کنیم، رکن «فعلن»، تبدیل به «فعلاتن» می‌شود، و در این صورت، وزن از حالت ناهمسان خارج شده و به حالت دولختی در می‌آید: «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن» که در این وزن، هر مصراع از دو پارهٔ همگون تشکیل می‌شود.

توجّه: در نظم همسان دو لَختی، هر مصراع از دو پارهٔ همگون تشکیل می‌شود. در این نوع وزن، هر نیم مصراع در حکم یک مصراع است. هجای پایان نیم مصراع، مانند پایان مصراع بلند محسوب می‌شود، بنابراین هجای کوتاه یا کشیده در پایان نیم مصراع، هجای بلند به شمار می‌آید.

نکته: به ساختار معکوسِ این الگو نیز توجّه کنید؛ به این صورت که اگر از وزن دولختی «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن» در پایان هر مصراع، یک هجا کاسته شود، وزنِ حاصل به صورت «ناهمسان» شکل می‌گیرد.

گزینهٔ «۳»: مراعات نظیر: دمن (دامنهٔ کوه) – چمن/ جناس: دمن و چمن/ تشبیه‌ها: ۱. «بهارطلعت»، ۲. «بهارِ عیش»، ۳. «خزانِ رنج»، ۴. دمن چو افسر کاووس ...، ۵. چمن چو پیکر طاووس ...

نکته: «بهارطلعت» یعنی کسی که چهره‌اش چون بهار است و نمونه‌ای از تشبیهِ درون‌واژه‌ای به شمار می‌آید؛ بنابراین استعارهٔ مصرّحه نیست، چون در اینجا با یک صفت روبه‌رو هستیم. در نتیجه، در ترکیب‌های «آن / این + تشبیه درون‌واژه‌ای» باید دقّت کرد و فریبِ ظاهر را نخورد؛ زیرا در این ساختار، استعارهٔ مصرّحه شکل نمی‌گیرد. نمونه‌ها: آن شکّرشکن، این نوش‌لب، آن پسته‌دهان، این شمشادقد، سروقد، به‌زنخ، لاله‌عذار، ماه‌رخ، گل‌رخ و... . حتّی بدونِ «آن / این» نیز حکم تغییری نمی‌کند و همچنان با استعارهٔ مصرّحه روبه‌رو نیستیم؛ مانند بیتِ صورتِ سؤال.

یادآوری: ناپایداری دنیا، از پُرکاربردترین مفاهیم در شعر فارسی است. شاعران پیوسته یادآوری می‌کنند که جهان ماندگار نیست و هیچ‌چیز در آن دوام ندارد؛ نه زیبایی، نه جوانی و نه قدرت و ثروت. چنان‌که خیام می‌گوید: «بر سبزه نشین و خوش بزی روزی چند / زان پیش که سبزه بردمد از خاکت». یعنی همین سبزه‌ای که امروز زیر پای ماست، روزی از خاکِ وجود ما خواهد رویید. پس دنیا گذراست و دل‌بستن به آن، سرانجامی ندارد. در دلِ این مفهوم، «ناپایداری قدرت و مقام» قرار می‌گیرد؛ یعنی حتی پادشاهان و بزرگان با آن همه شکوه و دارایی، سرانجام از میان رفته‌اند و چیزی از قدرتشان باقی نمانده است. شاعر با یاد کردن از آنان، مخاطب را به عبرت گرفتن و دل نبستن به جاه و مقام دعوت می‌کند.

برای تشخیص این مفاهیم، توجّه به کلیدواژه‌ها مهم است:

کلیدواژه‌های ناپایداری دنیا: اشاره به خاک و بازگشت انسان به آن (خاک شدن، از خاک روییدن)، سبزه‌ای که از خاک می‌دمد، ساختن کوزه و گِل از خاک انسان، حضور مردگان در زمین، لاله‌رخان و زیبارویانی که از میان رفته‌اند، یا سفارش به ریختن جرعه‌ای می بر زمین برای بهره‌مندی مردگان.

کلیدواژه‌های ناپایداری قدرت و مقام: نام پادشاهان و بزرگان گذشته مانند جمشید، بهرام گور، کاووس، کیخسرو، ارسلان و...، اشاره به ویرانی کاخ‌ها و از میان رفتن شکوه آنان، و نیز حضور پرندگانی چون جغد و فاخته (کوکو) که نشانهٔ ویرانی و گذر زمان‌اند.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع، موسیقی شعر و مفهوم)

جامعه‌شناسی (۳)

۶۱- گزینهٔ «۲» *(سید آرش مرتضائی‌فر)*

جامعه‌شناسی تبیینی جامعه را صرفاً یک پدیدهٔ طبیعی پیچیده می‌داند و تفاوت میان جوامع مختلف را تنها تفاوتی کمّی می‌بیند. از این منظر برخی جوامع از برخی دیگر پیچیده‌ترند، در رفع نیازهای خود تواناترند و به همین دلیل پیشرفته‌ترند. طرفداران این دیدگاه گمان می‌کنند که همهٔ جوامع مسیر یکسانی به سوی پیشرفت طی می‌کنند و از جوامع ساده به جوامع پیچیده تبدیل می‌شوند در حالی که واقعیت این است که انسان‌ها می‌توانند جوامع و تاریخ‌های گوناگونی را پدید آورند.

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحهٔ ۳۰)

۶۲- گزینهٔ «۱» *(آزیتا بیدقی)*

«جامعه‌شناسی خرد» کنش اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی خرد (مثل روابط همسایگی) را بررسی و مطالعه می‌کند.

«جامعه‌شناسی کلان» ساختار اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی کلان (مثل ریخت‌شناسی شهری) را بررسی و مطالعه می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحهٔ ۱۶)

۶۳- گزینهٔ «۲» *(جواد جلیلیان)*

یکسان دانستن طبیعت و جامعه انسان‌ها را به پیچ و مهره‌های نظم اجتماعی تقلیل می‌دهد؛ در حالی که جامعه بر خلاف طبیعت، محصول و مخلوق کنش‌های انسان‌هاست و بود و نبود آن وابسته به انسان است.

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحهٔ ۲۹)

۶۴- گزینهٔ «۳» *(ریحانه امینی)*

اگر جامعه را همچون طبیعت تصور کنیم و آن را دستاوردی انسانی ندانیم یعنی آن را واقعیتی بیرونی تصور کنیم که با قوانینی به استحکام قوانین طبیعت اداره می‌شود، در آن صورت ما فقط می‌توانیم از دانش‌های ابزاری خود استفاده کنیم اما قادر نخواهیم بود تغییری بنیادین در جامعه به وجود آوریم.

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحهٔ ۲۹)

۶۵- گزینهٔ «۴» *(محمدمهدی یعقوبی)*

ـ نظم اجتماعی پیش‌بینی رفتار دیگران و همکاری با آنها را امکان‌پذیر می‌نماید؛ باعث می‌شود شما بدانید که چه توقعات و انتظاراتی می‌توانید از دیگران داشته باشید و اتفاقات غیرمنتظره شما را از همکاری با دیگران باز ندارند.

ـ در دیدگاه مذکور، دانش‌ها کشف و بازخوانی واقعیت نیستند بلکه خلق و بازسازی آن هستند که انسان‌ها برای سامان دادن به زندگی خود تولید می‌کنند.

ـ جامعه‌شناسی تبیینی، جامعه و نظم اجتماعی را براساس مناسبات بیرونی توضیح می‌دهد و این روابط و مناسبات را مبتنی بر قرارداد، ترس و اجبار می‌داند.

افراد جامعه برای زندگی با هم، قواعد و مقرراتی را می‌پذیرند. این قواعد علاوه بر اینکه نفع افراد جامعه را تأمین می‌کند از آنها در برابر گزندها و آسیب‌ها نیز محافظت می‌نمایند. جوامعی که نظم اجتماعی را از این منظر برقرار می‌سازند شاید با تطمیع و تهدید و اجبار قادر باشند پیش‌بینی رفتارها را تضمین کنند اما در جلب مشارکت و همکاری افراد براساس میل، رضایت و رغبت موفق عمل نمی‌کنند. از این رو هر روز باید بر حجم قواعد و قوانین نظارتی، نیروها و ابزارهای کنترل‌کنندهٔ خود بیفزایند.

(جامعه‌شناسی (۳)، ترکیبی، صفحه‌های ۸، ۲۱ و ۲۸)

۶۶- گزینهٔ «۲» *(یاسین ساعدی)*

ـ در اوایل قرن نوزدهم میلادی با محدود دانستن دانش علمی به دانش تجربی صرفاً تبیین‌های تجربی به رسمیت شناخته می‌شد.

ـ در دیدگاه مذکور دانش علمی برای حفظ هویت خود باید از ورود دانش عمومی به قلمرو علم جلوگیری کند.

(جامعه‌شناسی (۳)، ترکیبی، صفحه‌های ۸، ۲۵ و ۲۶)

۶۷- گزینهٔ «۳» *(سینا غلامی)*

ـ فردی که تصمیم می‌گیرد به تنهایی و بیرون از جامعه زندگی کند، در موقعیت‌هایی که از آنها آگاهی ندارد با مشکل مواجه می‌شود و اگر بخواهد برای انجام دادن هر کاری بیندیشد زندگی‌اش بسیار پرزحمت می‌شود. او مجبور است پیش از انجام دادن هر کاری فکر کند تا آگاهی لازم (دانش عمومی) را برای انجام آن به دست آورد و بتواند آن را انجام دهد: در صورتی که آن عمل موفقیت‌آمیز باشد دفعات بعد برای انجام دادن آن از همان دانش قبلی استفاده می‌کند لذا در وقت و انرژی او صرفه‌جویی می‌شود و می‌تواند به فعالیت‌های دیگر بیندیشد و راه انجام آنها را بیابد.

ـ به سبب آگاهانه و ارادی بودن کنش‌های اجتماعی، پیش‌بینی در علوم اجتماعی پیچیده‌تر از علوم طبیعی است.

ـ بنیان‌گذار جامعه‌شناسی، اگوست کنت است.

(جامعه‌شناسی (۳)، ترکیبی، صفحه‌های ۳، ۴، ۱۳ و ۲۶)

۶۸- گزینهٔ «۱» *(مریم فسروی رهنوی)*

لمبروزو با روش تبیینی (جامعه را همچون طبیعت تصور کردن) می‌خواست مجرم بودن یا نبودن را با مشاهدهٔ ویژگی‌های جسمانی و ظاهری تشخیص دهد.

هدف در جامعه‌شناسی تبیینی، پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های اجتماعی است.

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۷ و ۲۸)

۶۹- گزینهٔ «۴» *(آزیتا بیدقی)*

ـ در راه رفتن، غذا خوردن و حرف زدنمان آگاهی‌هایی وجود دارد که به سبب عادت از نظر ما پنهان بوده است.

ـ علوم انسانی دربارهٔ فعالیت‌های غیرارادی انسان‌ها بحث نمی‌کند؛ زیرا فعالیت‌های غیرارادی، کنش نیستند. علومی که به این پدیده‌ها می‌پردازند با آنکه دربارهٔ انسان بحث می‌کنند جزء علوم انسانی نیستند؛ مانند علم پزشکی که به بدن انسان و سلامتی و بیماری آن می‌پردازد ولی جزء علوم طبیعی محسوب می‌شود.

ـ گاهی میان «دانش عمومی» و «دانش علمی» یک جهان اجتماعی تعارض‌هایی پدید می‌آید. اعضای جهان اجتماعی برای حل این تعارض‌ها تلاش می‌کنند. تعارض‌ها گاهی با رها کردن بخشی از ذخیرهٔ دانشی به نفع بخش دیگر و گاهی با طرح ایده‌های جدید حل می‌شوند.

(جامعه‌شناسی (۳)، ترکیبی، صفحه‌های ۳، ۶ و ۱۱)

۷۰- گزینهٔ «۱» *(کوثر شاه‌حسینی)*

ـ منظور از تبیین، بیان چرایی یک پدیده یا نشان دادن علت ایجاد یا زوال آن است.

ـ گاهی تغییر در یک پدیدهٔ اجتماعی با تغییر در پدیدهٔ دیگر همراه است. این دو پدیده را «هم‌تغییر» می‌گویند.

ـ جامعه‌شناسی تبیینی همان جامعه‌شناسی پوزیتیویستی است و پوزیتیویسم به معنی وحدت روش علوم است.

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحهٔ ۲۵)

جامعه‌شناسی (۱)

۷۱- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی پیمانه‌ای – کنکور سراسری ۱۴۰۰)*

در جوامع فئودالی غربی، موقعیت اجتماعی افراد به رابطهٔ آن‌ها با زمین بستگی داشت. برخی ارباب و گروهی رعیت بودند. در این جوامع، طبقه‌ای از مردم عادی هم وجود داشت که نه اشراف بود نه رعیت. به همین دلیل از آن‌ها به طبقهٔ سوم یاد می‌شد. این طبقه هویت منفی و پست داشت و از نظر قانونی و اجتماعی از هیچ اهمیت و اعتباری برخوردار نبود؛ ولی به علت فواید و کارکردهایی که داشت، تحمل می‌شد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحهٔ ۸۸)

۷۲- گزینهٔ «۲» *(سید آرش مرتضائی‌فر)*

مورد «ج» ارتباطی با عبارت صورت سؤال ندارد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۸۷، ۸۹ و ۹۰)

۷۳- گزینهٔ «۳» *(امیرحسین فزایی)*

در جهان اسلام برخی مشاغل مانند رباخواری و .... حرام‌اند و انسان مسلمان نباید به آنها نزدیک شود. برخی مشاغل نیز با اینکه حرام نیستند ولی از مسلمانان خواسته شده آنها را نپذیرند. این مشاغل مکروه‌اند مانند دلّالی. اساس منع و ترغیب اسلام نسبت به مشاغل و حرفه‌ها، آثار مخرب یا سازندهٔ این حرفه‌ها بر تربیت و هویت انسان‌هاست.

اسلام، تربیت انسان‌های متعالی را هدف آفرینش می‌داند و برای تحقق آن، مراقبت‌های ویژه‌ای را اعمال می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحهٔ ۹۰)

۷۴- گزینهٔ «۲» *(ریحانه امینی)*

تزلزل فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جهان اجتماعی را می‌سازند مورد تردید قرار گیرند و ثبات و استقرار خود را در زندگی مردم از دست بدهند.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحهٔ ۹۵)

۷۵- گزینهٔ «۴» *(فاطمه رضائیان)*

ـ کاستی و خلأ معنوی دانشمندان و متفکران اجتماعی را به بازاندیشی دربارهٔ بنیان‌های عقیدتی و ارزشی جهان اجتماعی فرا می‌خوانند و آنها را برای عبور از مرزهای هویت فرهنگی آن تشویق می‌کند.

ـ در ایران امروز نهاد خانواده با تعارض‌های فرهنگی مواجه است.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۶ و ۹۷)

۷۶- گزینهٔ «۲» *(علیرضا حیدری)*

ـ به دلیل اهمیتی که اسلام برای عقل و عقلانیت قائل است، جهان اسلام با مواجهه با فرهنگ یونان و روم تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد و به تناسب جهان‌شناسی توحیدی خود در دانش‌های مختلف آنها دخل و تصرف کرد و عناصر اساطیری و مشرکانهٔ آنها را نپذیرفت.

ـ جهان غرب طی جنگ‌های صلیبی پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی و پذیرش برخی لایه‌های آن بدون اینکه به جهان اسلام بپیوندد تحولات هویتی پیدا کرد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۰۱ و ۱۰۲)

۷۷- گزینهٔ «۳» *(علیرضا حیدری)*

در بخش «الف»، تحرک اجتماعی صعودی داریم؛ زیرا موقعیت شغلی فرد، ارتقا یافته است.

در بخش «ب»، تحرک اجتماعی افقی بیان شده است؛ زیرا تفاوتی در موقعیت اجتماعی یک لباس‌فروش و یک فروشندهٔ لوازم خانگی وجود ندارد.

در بخش «ج»، تحرک اجتماعی نزولی اتفاق افتاده است؛ زیرا از ادارهٔ آموزش و پرورش یک استان به ادارهٔ آموزش و پرورش یک شهر رسیده است.

در بخش «د»، تحرک اجتماعی افقی وجود دارد؛ زیرا تفاوتی در جایگاه اجتماعی یک معلم جامعه‌شناسی و یک معلم فلسفه و منطق وجود ندارد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحهٔ ۸۷)

۷۸- گزینهٔ «۳» *(آزیتا بیدقی)*

مرتاض (سادو) ← نشان‌گر فرهنگ دنیاگریز

تحول جامعهٔ جاهلی به جامعهٔ نبوی و تحول جامعهٔ نبوی به جامعهٔ اموی ← تحول فرهنگی مثبت و تحول فرهنگی منفی

تأخیر در ازدواج و افزایش طلاق ← تعارض فرهنگی

ابداعات مثبت و منفی ← علل درونی تحولات فرهنگی

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۶ و ۹۷)

۷۹- گزینهٔ «۴» *(آزیتا بیدقی)*

عرصهٔ مهم‌ترین منازعهٔ هویتی ← رسانه‌ها

جهان اجتماعی که واقعیت‌ها و آرمان‌های آن مطابق حق باشد. ← دارای هویت حقیقی

اعضای جهان اجتماعی واقعیت‌ها و آرمان‌های خود را فراموش نکنند و به آن‌ها تعلق خاطر داشته باشند. ← دارای هویت تاریخی

متناسب با هستی‌شناسی توحیدی ← ویژگی دخل و تصرف جهان اسلام در عناصر فرهنگ یونان و روم باستان

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۰۱، ۱۰۳ و ۱۰۶)

۸۰- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنکور سراسری ۹۳، با تغییر)*

ـ «خودباختگی فرهنگی»: جهان اجتماعی خودباخته به‌دلیل این‌که ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد و به روش تقلیدی عمل می‌کند، نه امکان تداوم و بسط فرهنگ گذشتهٔ خود را دارد و نه توان عبور و گذر از آن را و نه می‌تواند به فرهنگ دیگری که در مقابل او قرار گرفته و مبهوت آن شده است، ملحق شود.

ـ «ازخودبیگانگی فطری»: فرهنگ‌هایی که براساس فطرت انسانی شکل نگرفته‌اند و از عقاید و ارزش‌های درستی برخوردار نیستند، نمی‌گذارند انسان‌ها به تفسیر و شناختی صحیح از عالم و آدم نائل شوند. انسان در جهانی که به‌وسیلهٔ این فرهنگ‌ها ساخته می‌شود، از حقیقت خود و از حقیقت هستی دور می‌ماند.

ـ «تزلزل فرهنگی»: تزلزل فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که عقاید، ارزش‌ها و آرمان‌ها، ثبات و استقرار خود را در زندگی مردم از دست بدهند. به عبارت دیگر ناسازگاری اغلب از سطح رفتارها و هنجارها آغاز می‌شود و به سطح عمیق‌تر یعنی عقاید و ارزش‌ها می‌رسد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۵، ۱۰۲ و ۱۰۶)

جامعه‌شناسی (۲)

۸۱- گزینهٔ «۲» *(سید آرش مرتضائی‌فر)*

انسان مدرن به دلیل نگاه دنیوی، نگاه دینی و معنوی به طبیعت را کودکانه می‌پندارد و تصرف در طبیعت را تنها با فنون و روش‌های تجربی انجام می‌دهد. از این رو گسترش سریع صنعت و فناوری‌های مدرن، با وجود اینکه توانمندی و آسایش بیشتری برای بشر فراهم آورده، زیان‌های جبران‌ناپذیری به او و طبیعت وارد کرده است.

(جامعه‌شناسی (۲)، چالش‌های جهانی، صفحهٔ ۹۵)

۸۲- گزینهٔ «۳» *(یاسین ساعدی)*

مراد از جهان اول، کشورهای سرمایه‌داری بلوک غرب است و منظور از جهان دوم، کشورهایی است که در کانون بلوک شرق قرار داشتند. جهان سوم کشورهای دیگری هستند که خارج از این دو بلوک قرار داشته و تحت نفوذ آنها بوده‌اند.

(جامعه‌شناسی (۲)، چالش‌های جهانی، صفحهٔ ۸۸)

۸۳- گزینهٔ «۲» *(مریم فسروی رهنوی)*

نادرستی سایر عبارت‌ها:

الف) هیچ‌یک از دو جنگ جهانی ظاهر مذهبی و دینی به خود نگرفت.

ب) کشورها در ایجاد بحران‌ها سهم یکسانی ندارند اما همه از پیامدهای نامطلوب آنها متأثر می‌شوند.

د) در نیمهٔ اول قرن بیستم با روشن شدن محدودیت‌های علوم تجربی، علم از داوری ارزشی دست برداشت و به امور طبیعی محدود شد.

(جامعه‌شناسی (۲)، چالش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۵، ۹۱، ۹۲ و ۹۹)

۸۴- گزینهٔ «۲» *(سید آرش مرتضایی‌فر)*

ـ دو اصطلاح استعمارگر و استعمارزده را کسانی به کار می‌برند که چالش و نزاع بین کشورهای غنی و فقیر را به ابعاد اقتصادی محدود نمی‌کنند و به ابعاد فرهنگی آن نیز توجه دارند. از نظر این گروه، مشکل کشورهای فقیر نه فقط ضعف اقتصادی و صنعتی بلکه خودباختگی فرهنگی آنهاست.

ـ اگوست کنت جامعه‌شناس فرانسوی معتقد بود که فاتحان در گذشتهٔ تاریخ با غنایم جنگی بر ثروت خود می‌افزودند ولی با رشد علم تجربی و صنعت، ثروت از طریق غلبه بر طبیعت به دست می‌آید. به همین دلیل بعد از انقلاب صنعتی جنگ از زندگی بشر رخت برمی‌بندد. از دیدگاه او جنگ در فرهنگ و جامعهٔ جدید غربی، امری ذاتی نیست بلکه امری عارضی و تحمیلی است. وقوع دو جنگ بزرگ جهانی در نیمهٔ اول قرن بیستم خطا بودن نظریهٔ کنت را نشان می‌دهد.

ـ گریز و رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی پیامدهای اجتماعی مختلفی داشت از جمله اینکه برخی از نخبگان جهان غرب را به جست‌وجوی سنت های قدسی و دینی واداشت.

(جامعه‌شناسی (۲)، چالش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۴، ۸۹ و ۱۰۱)

۸۵- گزینهٔ «۱» *(سینا غلامی)*

ـ بحران موشکی کوبا جهان را تا آستانهٔ جنگ جهانی سوم پیش برد.

ـ نخستین بحران اقتصادی در سال ۱۸۲۰ م در انگلستان به وجود آمد اما مهم‌ترین آنها در فاصلهٔ بین دو جنگ جهانی یعنی سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ م اتفاق افتاد.

ـ مهم‌ترین علت تداوم باورهای دینی و معنوی در زندگی انسان، نیاز فطری آدمی به حقایق قدسی و ماوراءطبیعی است.

(جامعه‌شناسی (۲)، چالش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۵، ۹۲ و ۱۰۱)

۸۶- گزینهٔ «۳» *(ریحانه امینی)*

تشریح مورد نادرست:

ـ آسیب‌های مربوط به فقر و غنا همواره متوجه قشرهای فقیر و ضعیف جامعه است، ولی آسیب‌های مربوط به بحران اقتصادی تمامی جامعه را در بر می‌گیرد.

(جامعه‌شناسی (۲)، چالش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۲ و ۹۳)

۸۷- گزینهٔ «۲» *(فاطمه رضاییان)*

الف) در نیمهٔ اول قرن بیستم، با روشن شدن محدودیت‌های علم تجربی، علم از داوری‌های ارزشی دست برداشت و به امور طبیعی محدود شد.

ب) ناسازگاری بین عملکرد اقتصادی و سیاسی غرب با توانمندی‌های معرفتی و علمی آن باعث تردید متفکران پسامدرن در اصول و مبانی فرهنگ غرب شد.

(جامعه‌شناسی (۲)، چالش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۹ و ۱۰۰)

۸۸- گزینهٔ «۳» *(زینب آذری)*

نظریهٔ «جنگ تمدن‌ها» که ساموئل هانتینگتون آن را مطرح کرد، نظریه‌ای بود که عملیات نظامی قدرت‌های غربی در مقابله با مقاومت‌های کشورهای غیرغربی را توجیه می‌کرد. هانتینگتون از آخرین مرحلهٔ درگیری‌ها در جهان معاصر، با عنوان جنگ تمدن‌ها یاد می‌کند. از نظر او در این مرحله، دیگر دولت – ملت‌ها بازیگران اصلی صحنهٔ روابط بین‌المللی نیستند و رقابت‌ها و درگیری‌ها بین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها (نه بین دولت – ملت‌ها) به وقوع خواهد پیوست و در این میان فرهنگ اسلامی بزرگ‌ترین تهدید برای جهان غرب است.

(جامعه‌شناسی (۲)، چالش‌های جهانی، صفحهٔ ۸۶)

۸۹- گزینهٔ «۱» *(علیرضا حیدری)*

ـ طرف‌های درگیر در این دو جنگ در قالب اندیشه‌های ناسیونالیستی، لیبرالیستی و سوسیالیستی رفتار خود را توجیه می‌کردند. بر این اساس این دو جنگ ریشه در فرهنگ غرب داشت.

ـ برخی از متفکران بحران‌های زیست‌محیطی را مشکل سرنوشت‌ساز قرن بیستم دانسته‌اند.

ـ در دوران رنسانس روش معرفتی قرون وسطی مورد تردید قرار گرفت و به تدریج به بحران معرفتی انجامید. جهان غرب برای برون‌رفت از این بحران، وحی و شهود را در شناخت علمی نادیده گرفت و به شناخت از راه عقل و تجربه بسنده کرد.

(جامعه‌شناسی (۲)، چالش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۵، ۹۴ و ۹۹)

۹۰- گزینهٔ «۲» *(علیرضا رضایی)*

سرمایه‌داران با وجود آسیب‌هایی که می‌بینند، با استفاده از ابزارهایی که دارند، فشارهای ناشی از بحران‌های اقتصادی را به اقشار ضعیف و تولیدکنندگان خرد انتقال می‌دهند؛ به همین دلیل، بحران اقتصادی اغلب با چالش فقر و غنا پیوند می‌خورد و بر دامنهٔ آن افزوده می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۲)، چالش‌های جهانی، صفحهٔ ۹۳)

تلاشی در مسیر موفقیت

روان‌شناسی

۹۱- گزینهٔ «۳» *(محمد حبیبی)*

گزینهٔ «۱» (نادرست): بر اساس متن کتاب درسی، آزمایش‌ها نشان داده‌اند که افراد در شرایط محرومیت حسی، حتی با وجود پاداش، نمی‌توانند چند ساعت این شرایط را تحمل کنند. این موضوع نشان می‌دهد محرومیت حسی باعث اختلال در ادراک و سایر فرایندهای ذهنی می‌شود، نه افزایش دقت و تمرکز.

گزینهٔ «۲» (نادرست): در کتاب درسی بیان شده است که اگر یک موضوع با چند حس دریافت شود، دریافت آن قوی‌تر می‌شود. مثال: مطالعهٔ مطلبی از طریق خواندن (چشم) و شنیدن (گوش) باعث درک بهتر می‌شود. بنابراین دریافت چندحسی ادراک را تقویت می‌کند، نه ضعیف.

گزینهٔ «۳» (درست): در کتاب درسی اشاره شده است که «محرومیت حسی به دلیل آزارنده بودن، نوعی شکنجه تلقی می‌شود» و موجودات زنده به «احساس» نیاز دارند. همچنین در کتاب آمده است: «از نظر تکاملی، احساس محرک‌های بیرونی برای بقای موجود زنده حیاتی است.» پس این گزینه کاملاً با متن مطابقت دارد.

گزینهٔ «۴» (نادرست): بر اساس کتاب درسی، «انتخاب محرک خاص» به معنای توجه و «تعبیر و تفسیر کردن و معنی و مفهوم و سازمان دادن به محرک‌ها» به معنای ادراک است.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۶۸ تا ۷۰)

۹۲- گزینهٔ «۱» *(نگین مرسلی)*

در بخش نخست، سارا از میان محرک‌های مختلف محیطی، مانند صدای تلویزیون و رفت‌وآمد اعضای خانواده، کتاب درسی را انتخاب و به آن توجه می‌کند؛ بنابراین این رفتار بیانگر توجه است.

اما در ادامه، ذهن او به گفت‌وگوی اعضای خانواده مشغول می‌شود و دیگر نمی‌تواند مطالب کتاب را با دقت دنبال کند؛ در نتیجه توجه مستمر خود را از دست می‌دهد و دچار عدم تمرکز می‌شود.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۷۱ تا ۷۳)

۹۳- گزینهٔ «۲» *(محمد حبیبی)*

آنچه توجه مکانیک را به محرک‌هایی غیر از کتاب‌فروشی‌ها سوق داده، «اطلاعات موجود در حافظهٔ وی» بوده است. مکانیک در حافظهٔ خود دربارهٔ ابزار و آلات مکانیکی اطلاعات بیشتری دارد؛ بنابراین محرک‌های مرتبط با مکانیک برای او برجسته‌تر می‌شوند و بیشتر به آن‌ها توجه می‌کند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱» نادرست است؛ هرچند انتظار و سبک پردازش هم از منابع توجه‌اند، در این مثال متن صریحاً نقش «حافظه» را برجسته کرده است.

گزینهٔ «۳» نادرست است؛ در متن به نورپردازی یا ویژگی شدید بیرونی اشاره نشده است.

گزینهٔ «۴» نادرست است؛ بحث «آگاهی کامل یا نسبی» مربوط به بخش بعدی درس است، نه عامل اصلی انتخاب توجه در این مثال.

ضمناً این گزینه ربطی به منابع توجه که موضوع سؤال است ندارد.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۷۴ و ۷۵)

۹۴- گزینهٔ «۲» *(محمد حبیبی)*

پدیدهٔ اول «آماده‌سازی» است؛ زیرا قرار دادن کتاب زیست بالای سر و ارائه پیشین آن، دریافت و یادگیری بعدی همان محرک را آسان‌تر می‌کند. در آماده‌سازی، ارائهٔ پیشین محرک یا محرک مشابه، شناخت بعدی را تسهیل می‌کند.

پدیدهٔ دوم «خوگیری» است؛ زیرا دانش‌آموز به صدای ساعت زنگ‌دار عادت کرده و به‌تدریج کمتر و کمتر به آن توجه می‌کند. خوگیری یکی از آفت‌های تمرکز است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: برعکس است.

گزینهٔ «۳»: نادرست است؛ «آگاهی نسبی» مربوط به مثال شنیدن صدای مادر بدون فهم کامل پیام اوست، نه این مثال.

گزینهٔ «۴»: نادرست است؛ «آگاهی کامل» با خوگیری و کاهش توجه سازگار نیست.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۷۴ و ۷۵)

۹۵- گزینهٔ «۴» *(نگین مرسلی)*

تشریح عبارت‌ها:

ـ در این عبارت تأکید بر این است که مطالب بدون تغییر و به یک شکل ثابت ارائه می‌شوند و فرد دیگر ابعاد جدید متن را نمی‌یابد و به آن عادت می‌کند؛ بنابراین اشاره به یکنواختی و ثبات نسبی دارد.

ـ برای اینکه تمرکزتان هنگام مطالعه افزایش یابد، سعی کنید موضوع مورد مطالعه را به صورت‌های مختلف و از زوایای متفاوت ببینید، پس این عبارت اشاره به آشنایی نسبی با محرک و موضوع مورد توجه دارد.

ـ تغییر در نحوهٔ ارائه مطالب راهی برای خروج از یکنواختی است مانند استفاده از رنگ‌های مختلف به هنگام مطالعه و خط کشیدن روی واژگان مهم که روشی برای خارج شدن از یکنواختی و در نتیجه ایجاد تمرکز است.

ـ چون نمودار به دفعات متعدد ارائه شده است و در نتیجه واکنش توجهی فرد به آن به تدریج کاهش یافته است بنابراین دچار خوگیری شده است.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۷۵ و ۷۶)

۹۶- گزینهٔ «۲» *(هانا احمدزاده)*

عوامل ایجاد تمرکز تابع دو مورد تغییرات درونی محرک‌ها و درگیری و انگیختگی ذهنی می‌باشد.

میزان انگیختگی ذهنی، تحت تأثیر عوامل فیزیولوژیکی و روان‌شناختی است.

شرایط متنوع و جذاب، با تغییرات درونی محرک‌ها ارتباط دارد.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

۹۷- گزینهٔ «۳» *(نگین مرسلی)*

گزینهٔ «۳» صحیح است؛ زیرا در هشدار کاذب، محرک هدف در واقع وجود ندارد، اما فرد تصور می‌کند آن را دریافت کرده و وجود آن را گزارش می‌کند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: نور وجود داشته و فرد آن را درست گزارش کرده است؛ بنابراین اصابت یا تصمیم درست است.

گزینهٔ «۲»: نور وجود داشته، اما فرد آن را گزارش نکرده است؛ این حالت از دست دادن علامت است.

گزینهٔ «۴»: مربوط به انتظار و بررسی طولانی‌مدت برای یافتن محرک است و به مفهوم گوش‌به‌زنگی مربوط می‌شود.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۹)

۹۸- گزینهٔ «۳» *(فرید هادی)*

عبارات به‌ترتیب:

صحیح: هرچه توجه آگاهانه‌تر باشد، ارادی‌تر نیز است.

نادرست: درگیری حواس مختلف برای انجام تکلیف موجب کارایی بیشتر می‌شود.

صحیح: اگر دو تکلیف مشابه باشند، هرچند همزمان انجام شوند، آثار منفی کمتری دارند.

نادرست: زمان مفید حفظ توجه، به مهارت فردی و دشواری تکلیف بستگی دارد.

صحیح: درگیری حواس مختلف برای یک متن علمی، موجب یادگیری بهتر می‌شوند.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۸۰ و ۸۱)

۹۹- گزینهٔ «۲» *(هانا احمدزاده)*

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: گاهی چیزی را ادراک می‌کنیم که احساس نشده است. به ادراک پدیده‌های بدون احساس توهم می‌گویند.

در این سوال، خطوط موازی وجود دارند و آرش آن‌ها را می‌بیند، یعنی آنها را احساس می‌کند؛ پس ادراک او از یک موضوع احساس‌شده صورت گرفته و توهم محسوب نمی‌شود.

گزینهٔ «۲»: آنچه را حس می‌کنیم الزاماً چیزی نیست که در ذهن خود ادراک می‌کنیم. در سوال فوق آرش خطوط موازی را می‌بیند (احساس) اما آن‌ها را غیرموازی ادراک می‌کند یعنی ادراکش با احساس او متفاوت است و این بیانگر خطای ادراکی است.

گزینهٔ «۳»: هرچه تعداد خطاها بیشتر باشد به عنوان یک خطای شناختی وارد نظام ذهنی فرد می‌شود. در آن صورت نتایج آن وخیم‌تر از خطاهای ادراکی همچون خطای مولر-لایر است.

آرش فقط دچار یک خطای ادراکی شده و با ابزار ریاضی می‌داند خطوط موازی هستند؛ بنابراین خطای او وارد نظام ذهنی‌اش نشده تا خطای شناختی وخیم‌تری رخ دهد.

گزینهٔ «۴»: به ادراک پدیده‌های بدون احساس توهم می‌گویند؛ به عبارت دیگر در پدیدهٔ توهم، محرک‌ها وجود خارجی ندارند.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۸۱ تا ۸۳)

۱۰۰- گزینهٔ «۳» *(محمد حبیبی)*

اصل شکل و زمینه: در اینجا «سکوت» به‌عنوان شکل یا محرک اصلی، معنایش را از «زمینه» یعنی حالت چهره و هیجان فرد می‌گیرد. بنابراین ادراک ما تحت تأثیر زمینه تغییر می‌کند.

اصل مجاورت: عناصری که از نظر مکانی به هم نزدیک‌اند، به‌صورت یک واحد ادراکی و یک گروه دیده می‌شوند.

اصل مشابهت: عناصری که ویژگی مشابه دارند، مانند رنگ لباس، متعلق به یک گروه ادراک می‌شوند.

اصل استمرار: ذهن تمایل دارد خطوط را در جهت طبیعی و قبلی خود ادامه دهد و گسستگی را نادیده بگیرد.

اصل تکمیل: ذهن انسان تمایل دارد شکل‌های ناقص را کامل کند و آن‌ها را به‌صورت یک شکل بسته و کامل ادراک کند.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۸۴ و ۸۵)

عربی زبان قرآن (۳) و (۱)

۱۰۱- گزینهٔ «۴» *(روح‌الله گلشن)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «المؤمنونَ» مرفوع شده پس فاعل است، نه مفعول. ترجمهٔ صحیح: مؤمنان، گروه‌ها را دیدند...

گزینهٔ «۲»: «اِستغفِروا: آمرزش بخواهید» فعل امر است، نه ماضی.

گزینهٔ «۳»: «یُعرَفُ: شناخته می‌شوند» مجهول است، نه معلوم.

(ترجمه)

۱۰۲- گزینهٔ «۲» *(محمدرضا سوری - نهاوند)*

«جادِلهم» (فعل امر): با ایشان بحث کن (گفت‌وگو کن) (رد گزینهٔ ۴) / «بالّتی»: به روشی (شیوه‌ای) که (رد گزینهٔ ۱) / «أحسَن» (اسم تفضیل): بهتر، نیکوتر (رد گزینهٔ ۱) / «ربّک»: پروردگارت / «أعلَمُ»: داناتر (رد گزینهٔ ۱) / «ضَلَّ»: گم شده است (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «عن سبیلِه»: از راهش (رد گزینهٔ ۳)

(ترجمه)

۱۰۳- گزینهٔ «۱» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

«رُبَّ»: چه بسا، شاید/ «للإعمار»: برای آبادانی/ «تتحوّل»: تبدیل می‌شود (رد گزینهٔ ۴) / «وسیلة للقتل و التخریب»: ابزاری برای کشتار و ویرانی (رد گزینهٔ ۴) / «کَالعلم الّذی»: همانند دانشی که/ «جاء»: آمد (رد گزینهٔ ۳) / «أصبحَ»: شد (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «سلاحاً»: سلاحی/ «یُهدّد»: تهدید می‌کند (رد گزینهٔ ۲)

همچنین در گزینهٔ «۳»، «برای سازندگی است» (ترجمه به شکل یک جملهٔ کامل) نادرست است. (رد گزینهٔ ۳)

(ترجمه)

۱۰۴- گزینهٔ «۴» *(ولی برجی - ابهر)*

«اِقترَح الخبراء للفلّاحین»: کارشناسان به کشاورزان پیشنهاد دادند (رد گزینهٔ ۱) / «لکی یُحوِّلوا»: تا تبدیل کنند (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «سهولٍ» (جمع «سَهل»): دشت‌هایی (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «صالحة للزّراعة»: قابل کشت

(ترجمه)

۱۰۵- گزینهٔ «۲» *(حمیدرضا قائدامینی - اصفهان)*

«نَزعم» (فعل مضارع): گمان می‌کنیم (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «إطعام المساکین»: خوراک دادن به درماندگان، غذا دادن به بینوایان (رد گزینه‌های ۱ و ۳)/ «ممّا نجتنبُ»: از آنچه که پرهیز می‌کنیم (رد سایر گزینه‌ها)/ «أکله»: خوردنش (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «یَحزنهم»: آن‌ها را اندوهگین می‌کند (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «مِن أفضل الأطعمة»: از بهترین غذاها (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «کَی نُرضی»: تا خشنود کنیم (رد گزینهٔ ۴) / «مَن یُحبّ الحسنات»: کسی که نیکی‌ها را دوست دارد (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

۱۰۶- گزینهٔ «۲» *(مشابه کتاب آبی پیمانه‌ای)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «أبوابَ المَصنَعِ الکبیرة»: درهای بزرگ کارگاه

گزینهٔ «۳»: «شهدت»: (فعل ماضی) شاهد بوده است

گزینهٔ «۴»: «سَیُکتَبُ»: (فعل مجهول مستقبل (آینده)) نوشته خواهد شد

(ترجمه)

۱۰۷- گزینهٔ «۴» *(امیرحسین شکوری)*

در گزینهٔ «۴»، عبارت اول (خداوند به چیزی برتر از ادای حق مؤمن عبادت نشده است!) و عبارت مقابل آن (نزد خدا، هیچ عبادتی برتر از این نیست که حقوق مؤمنان را به آن‌ها بدهیم!) هم‌مفهوم هستند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: جملهٔ اول می‌گوید عدالت مهم‌ترین عامل آبادانی کشورهاست، اما عبارت مقابل، عدالت را نتیجهٔ پیشرفت و پدیده‌ای می‌داند که پس از آبادانی پدیدار می‌شود؛ در واقع علت و معلول در این‌جا برعکس بیان شده و این گزینه نادرست است.

گزینهٔ «۲»: آیه می‌فرماید «پاداش نیکی جز نیکی نیست»، یعنی نیکی را باید با نیکی جواب داد، اما عبارت مقابل آن از پاسخ به بدی با نیکی سخن می‌گوید که مفهومی متفاوت است و از این آیه برداشت نمی‌شود.

گزینهٔ «۳»: جملهٔ نخست می‌گوید روزگار دو روز است، روزی به سود تو و روزی به زیان تو، یعنی وضعیت انسان ثابت نمی‌ماند، پس نه در نعمت باید مغرور شد و نه در سختی ناامید؛ اما در مقابل آن، فقط به سختی پس از نعمت اشاره شده است و با ذکر قید «حتماً» به بدبینی مطلق رسیده که نادرست است.

(مفهوم)

۱۰۸- گزینهٔ «۲» *(عمار تاجبخش)*

ترجمهٔ آیه: «با دهان‌هایشان چیزی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خداوند به آنچه پنهان می‌کنند، داناتر است.»

مفهوم آیه به دورویی و ریا اشاره دارد که نزدیک‌ترین بیت به این مفهوم، همان بیت گزینهٔ «۲» است.

(مفهوم)

۱۰۹- گزینهٔ «۳» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

مفهوم عبارت صورت سؤال (هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست!) در گزینهٔ «۳» آمده است: «همانا سلامتی انسان از آسیب‌ها و بیماری‌ها در جسم و دینش، بزرگ‌ترین زینت باطنی و ظاهری است که برتر از هر لباس گران‌بهایی است!»؛ هر دو عبارت بر اهمیت و ارزش سلامتی تأکید دارند و آن را در قیاس با لباس زیبا، برتر و مهم‌تر می‌دانند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: هر کس می‌خواهد به ظاهری زیبا در میان مردم دست یابد، باید به ساده‌پوشی روی آورد؛ چرا که قناعت به آنچه دارد، به او تندرستی کامل می‌بخشد! (نادرست)

گزینهٔ «۲»: آراستگی به جامه‌های پاکیزه از نظر شرعی مطلوب است، اما برای انسان جایز نیست که زیبایی جامه را مایهٔ غفلت خود از تندرستی بدنش قرار دهد! (نادرست)

گزینهٔ «۴»: جامهٔ زیبا از رخ‌دادن بیماری در بدن جلوگیری نمی‌کند؛ بنابراین بر آدمی واجب است که به پوشاک خود اهتمام نورزد، بلکه به فراهم‌آوردن اسباب درمان بپردازد! (نادرست)

(مفهوم)

۱۱۰- گزینهٔ «۳» *(مصطفی قدیمی‌فرد)*

ترجمهٔ حدیث صورت سؤال: خردمندترین مردم، تیزبین‌ترین ایشان در فرجام (کارها) است!

مفهوم حدیث: عاقبت‌اندیشی و دوراندیشی و تفکّر قبل از اقدام به انجام کار

تشریح گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: به ارزش وجودی انسان و خدمت به خلق اشاره دارد. (ارتباطی به عاقبت‌نگری ندارد ← نادرست)

گزینهٔ «۲»: دربارهٔ فضیلت صبر در مواجهه با مشکلات است. (ارتباطی به عاقبت‌نگری ندارد ← نادرست)

گزینهٔ «۳»: در این عبارت، اندیشیدن به سرانجام کار پیش از شروع آن مورد توجه است که به مفهوم حدیث صورت سؤال اشاره دارد. (درست)

گزینهٔ «۴»: دربارهٔ حفظ زبان و عواقب اجتماعی گفتار است، نه آینده‌نگری. (نادرست)

(مفهوم)

ترجمهٔ متن درک مطلب:

«حشرهٔ موریانه (مورچهٔ سفید) تپه‌هایی شنی می‌سازد که ممکن است ارتفاعشان در مناطق گرم و خشک به چندین متر برسد؛ و شگفتی در این سازه‌ها فقط اندازهٔ بزرگشان نیست، بلکه سیستم تهویه‌ای است که بدون هیچ‌گونه انرژی خارجی کار می‌کند؛ به‌طوری‌که موریانه کانال‌هایی عمودی در مرکز تپه حفر می‌کند که به هوای گرم اجازهٔ بالا رفتن و خارج شدن از روزنه‌های ریزی در نوک تپه را می‌دهد، در حالی که هوای خنک از روزنه‌هایی نزدیک به سطح زمین وارد می‌شود تا جایگزین آن گردد. این جریان پیوسته، دمایی ثابت و رطوبتی مناسب را برای پرورش نوزادانش و پرورش نوعی از قارچ‌ها که از آن‌ها تغذیه می‌کند، حفظ می‌نماید.

این طراحی بی‌نظیر، به مهندسان معماری نوین برای ساخت مجتمع‌های مسکونی که از تهویهٔ طبیعی بهره می‌برند، الهام بخشیده است؛ امری که به کاهش مصرف برق برای سرمایش، به میزانی بیش از سی درصد در برخی از ساختمان‌ها انجامید، بدون آنکه نیازی به دستگاه‌های خنک‌کنندهٔ سنّتی باشد!»

۱۱۱- گزینهٔ «۲» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

«تپه‌های موریانه در سیستم سرمایشی خود بر استفاده از انرژی خارجی که به حرکت هوا کمک کند، تکیه دارند!» مطابق متن نادرست است.

ترنج بوک
تلاشی برای موفقیت

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: دانشمندان معماری از مهندسی تپه‌های موریانـه بـرای طراحـی ساختمان‌هایی بهره بردند که بر تهویهٔ طبیعی متّکی هستند! (درست)

گزینهٔ «۳»: موریانه برای پرورش نوزادان خود و پرورش قارچ‌هـای خـوراکی، به گرمای ثابت و رطوبت نیاز دارد! (درست)

گزینهٔ «۴»: اندازهٔ بزرگ سازه‌هایی که حشرهٔ موریانه می‌سازد، در نوع خـود، موضوع عجیبی به شمار می‌رود! (درست)

(درک‌مطلب)

۱۱۲- گزینهٔ «۴» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

چرا هوای سرد از روزنه‌ها در تپه‌های موریانه وارد می‌شود؟

عبارت گزینهٔ «۴»: (تـا جـایگزین هـوای گرمـی شـود کـه بـالا مـی‌رود و از سوراخ‌های نوک تپه خارج می‌گردد!) درست است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: چون نوزادان موریانه همواره در نزدیکی روزنه‌هـای تپـه زنـدگی می‌کنند! (نادرست)

گزینهٔ «۲»: برای جلوگیری از خروج هوای گرم بـه بیـرون از تپـهٔ ماسـه‌ای! (نادرست)

گزینهٔ «۳»: برای خشک کردن قارچ‌هایی که در صورت افـزایش رطوبـت در مرکز، می‌میرند! (نادرست)

(درک مطلب)

۱۱۳- گزینهٔ «۴» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

مناسب‌ترین عنوان برای متن:

معماری تپه‌های موریانه و کاربرد معماریِ الهام‌گرفته از آن!

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: تأثیر قارچ‌های مدفون بر تهویهٔ صحرایی!

گزینهٔ «۲»: تاریخچهٔ اختراع دستگاه‌های تهویهٔ مطبوع در عصر جدید!

گزینهٔ «۳»: روش‌های نابودی موریانه در مناطق خشک!

(درک مطلب)

۱۱۴- گزینهٔ «۱» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: «مجرور، الکسرة» نادرست اسـت؛ «قنـوات» مفعـول و منصـوب است، پس «عمودیّة» هم به تبعیّت از موصوف، منصوب با علامت فتحه است.

گزینهٔ «۳»: «مجهول، نائب فاعل» نادرست است؛ «یُحافظ» (حفظ می‌کنـد) فعل مضارع معلوم است و فاعل دارد، نه نائب فاعل!

گزینهٔ «۴»: «تفعیل» نادرست است؛ «تَتغذّی» بر وزن «تَتَفَعَّل»، فعل مضارع از باب تفعّل است.

(تحلیل صرفی و اعراب)

۱۱۵- گزینهٔ «۴» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

«فاعله: ثلاثین»» نادرست است. «تَتجـاوز» فعـل اسـت و «ثلاثـین» نقـش مفعول آن را دارد.

روش حل سریع‌تر:

«ثلاثینَ» با توجه به علامت «ینَ»، منصوب است، پس نمی‌تواند فاعل باشـد (فاعل‌ها اعراب مرفوع می‌گیرند!)، بنابراین از ابتدا مشـخص بـود گزینـهٔ «۴» پاسخ سؤال است.

(تحلیل صرفی و اعراب)

۱۱۶- گزینهٔ «۳» *(ولی برهی - ابهر)*

در گزینهٔ «۳»، «قوانین» مفعول و منصوب با علامت فتحه اسـت نـه «یـاء»، چون جمع مکسر کلمهٔ «قانون» است نه جمع مذکّر سالم!

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «مؤدّبینَ» صفت و منصوب با «یاء» است. «مؤدّبینَ» صفت برای «طلّاباً» است که مفعول و منصوب می‌باشد و صفت نیـز در اعـراب نصـب از موصوف خود تبعیت کرده است، همچنین چون جمع مذکر سـالم اسـت، بـا علامت «یاء» منصوب شده است.

گزینهٔ «۲»: «قصیدتَینِ» مفعول و منصوب با «یاء» است، چون اعراب نصـب اسم‌های مثنّی با علامت «یاء» ظاهر می‌شود.

گزینهٔ «۴»: «سائحین» جمع مذکر سالم اسـت کـه در نقـش مفعـول آمـده است، پس با علامت «یاء» منصوب شده است.

(انواع اعراب)

۱۱۷- گزینهٔ «۴» *(مرتضی کاظم شیرودی)*

فعل «تُصَدّرُ» اگر مجهول بود، باید در جنسیت با نائب فاعل مطابقت می‌کرد. «النّفط» مذکر است و فعل مجهول آن نیز باید به شکل «یُصَدَّرُ» می‌آمد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «تُشاهدُ» می‌تواند فعل مجهول و «الحافلةُ» نائب فاعل آن باشد.

گزینهٔ «۲»: «یُعَرّفُ» می‌تواند فعل مجهول و «التلامیذُ» نائب فاعل آن باشد.

گزینهٔ «۳»: «تُنزلُ» می‌تواند فعل مجهول و «البضائعُ» نائب فاعل آن باشد.

(فعل معلوم و مجهول)

۱۱۸- گزینهٔ «۲» *(امیرعلی فردین- گنبدکاووس)*

«یَصعَدُ» با علامت فتحه شروع شده و قطعاً فعل معلوم است، بنـابراین نائـب فاعل ندارد. «النّفطُ» در این‌جا فاعل است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «تُوجَد»: فعل مجهول/ «أعمدة»: نائب فاعل

گزینهٔ «۳»: «یُصنَع»: فعل مجهول/ «المَطّاط»: نائب فاعل

گزینهٔ «۴»: «اُستخدمَت»: فعل مجهول/ «أدوات»: نائب فاعل

(فعل معلوم و مجهول)

۱۱۹- گزینهٔ «۲» *(مجید بیگلری)*

در گزینهٔ «۲»، چهار خبر وجود دارد که عبارت‌اند از:

«فینا»، «ننظر»، «مِنّا» و «لا نشعر».

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: دو خبر: «فی الکذب» و «یفقدونَ».

گزینهٔ «۳»: دو خبر: «طویلٌ» و «قصیرٌ».

گزینهٔ «۴»: دو خبر: «قسمٌ» و «علیه».

(حروف مشبّهه بالفعل)

۱۲۰- گزینهٔ «۳» *(روح‌الله گلشن)*

در گزینهٔ «۳»، «لَکُنّ: برای شما» در اصل «لـ» + ضـمیر «کُـنّ» مـی‌باشـد؛ بنابراین آن را با حرف مشبّه بالفعل «لکنّ» که کـاربردش رفـع ابهـام اسـت، اشتباه نگیرید.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «لعلّ» دلالت بر شک و تردید دارد.

گزینهٔ «۲»: «لیتَ» بر آرزوی دور و دراز گویندگان دلالت دارد.

گزینهٔ «۴»: «إنّ» بر جملهٔ بعد از خود تأکید می‌کند.

(حروف مشبّهه بالفعل)

تاریخ (۳)

۱۲۱- گزینهٔ «۱» *(فاطمه عزیزی)*

تشریح عبارت‌ها:

الف) خاطرات

ب) محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه

ج) خاطرات

د) روش تاریخ‌نگاری معاصر

هـ) روش تاریخ‌نگاری سنتی

و) گسترش کشفیات باستان‌شناسی در ایران

بنابراین تنها گزینهٔ صحیح، گزینهٔ «۱» است.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دورهٔ معاصر، صفحه‌های ۲، ۴ تا ۶، ۹ و ۱۵)

۱۲۲- گزینهٔ «۱» *(مهدی کاردان)*

سقوط اصفهان و فروپاشی حکومت صفویان، موجب آشفتگی امور و بروز هرج و مرج و آشوب‌های داخلی شد.

افغان‌ها به‌دلیل ناتوانی در تسلط بر تمام قلمرو صفوی و ناآشنایی با اصول کشورداری نتوانستند حاکمیت مقتدری تشکیل دهند.

نادر در جنگ با عثمانی پیروز شد و سرزمین‌های اشغال‌شدهٔ ایران را آزاد کرد؛ روس‌ها نیز پیش از برخورد نظامی خارج شدند.

اشتغال پیوستهٔ نادرشاه به جنگ، مالیات‌های اضافی و بدگمانی وی به نزدیکان، از علل زوال دوران او بود.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحه‌های ۱۶، ۱۷، ۱۹ و ۲۰)

۱۲۳- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

الف) مردمِ اغلب بینوا و خشمگین پاریس با حمله به زندان باستیل، انقلاب خود را آغاز کردند (۱۷۸۹ میلادی).

ب) دولت انگلستان رسماً هند را جزئی از قلمرو خویش اعلام کرد (۱۸۵۷میلادی).

ج) جنگ آمریکا و انگلستان سرانجام با پیروزی مستعمره‌نشینان و استقلال آمریکا به پایان رسید (۱۷۸۳ میلادی).

د) جورج واشنگتن به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور کشور آمریکا انتخاب شد (۱۷۸۹ میلادی).

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحه‌های ۲۵ تا ۲۷ و ۲۹)

۱۲۴- گزینهٔ «۱» *(مهدی کاردان)*

ـ آقامحمدخان: هدف او ایجاد یکپارچگی سیاسی و بازگرداندن حاکمیت دولت مرکزی به سرتاسر قلمرو ایران بود.

ـ قائم‌مقام: برای کاستن از دخالت ناروای محمدشاه و درباریان در امور کشور، تلاش کرد.

ـ ناصرالدین‌شاه: شور و اشتیاق فراوانی به نوگرایی و اخذ تمدن اروپایی نشان می‌داد.

(تاریخ (۳)، سیاست و حکومت در عصر قاجار، صفحه‌های ۳۲، ۳۵ و ۳۶)

۱۲۵- گزینهٔ «۲» *(محمدمهدی یعقوبی)*

ایران در معاهدهٔ ترکمانچای متعهد گردید که مبلغ ۵ میلیون تومان غرامت به دولت روسیه بپردازد و به اتباع آن کشور نیز حق مصونیت قضایی (کاپیتولاسیون) بدهد.

(تاریخ (۳)، سیاست و حکومت در عصر قاجار، صفحهٔ ۴۳)

جغرافیا (۳)

۱۲۶- گزینهٔ «۲» *(مهیا مالکی)*

مطالب درس نشان می‌دهد که شکل‌گیری و رشد سکونتگاه فقط به یک عامل وابسته نیست و ویژگی‌های محل استقرار، شرایط پیرامونی و عوامل انسانی در آن نقش دارند. با رشد جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی، نیاز و امکان ارائهٔ خدمات بیشتر و متنوع‌تر فراهم می‌شود و سکونتگاه می‌تواند در سلسله‌مراتب سکونتگاه‌ها، جایگاه بالاتری پیدا کند. از طرف دیگر، خدمات تخصصی‌تر معمولاً موجب جذب جمعیت از محدودهٔ وسیع‌تری می‌شوند و در نتیجه، حوزهٔ نفوذ گسترده‌تر می‌شود. در ادامه نیز توسعهٔ فعالیت‌های شهری، صنعتی و خدماتی و مهاجرت روستا به شهر می‌تواند به افزایش شهرنشینی و رشد شهرهای بزرگ منجر شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: یک عامل را بیش از حد پررنگ کرده است. رشد سکونتگاه فقط نتیجهٔ ویژگی‌های طبیعی محل نیست و عوامل انسانی، اقتصادی، ارتباطی و خدماتی نیز اهمیت دارند.

گزینهٔ «۲»: تنها گزینه‌ای است که مفاهیم مختلف درس را به‌صورت یکپارچه و بدون حذف رابطهٔ میان آن‌ها توضیح می‌دهد.

گزینهٔ «۳»: افزایش جمعیت به‌تنهایی جایگاه سکونتگاه را تعیین نمی‌کند؛ نوع، تعداد و تنوع خدمات و عملکرد سکونتگاه نیز اهمیت دارد. همچنین شهرنشینی فقط حاصل افزایش طبیعی جمعیت شهرها نیست.

گزینهٔ «۴»: حوزهٔ نفوذ صرفاً به فاصلهٔ جغرافیایی وابسته نیست؛ نوع خدمات، اهمیت عملکرد سکونتگاه، جمعیت و جایگاه آن در سلسله‌مراتب نیز مؤثرند و عوامل اقتصادی و مهاجرتی نیز در شهرنشینی نقش دارند.

(جغرافیا (۳)، شهر و روستاها، صفحه‌های ۷ و ۹)

۱۲۷- گزینهٔ «۱» *(یاسین ساعدی)*

بررسی عبارت‌ها:

الف (درست): در نتیجهٔ گسترش فوق‌العاده زیاد دو یا چند مادرشهر در امتداد مسیرهای ارتباطی و حمل و نقل، زنجیره‌ای از مادرشهرها یا کلان‌شهرها پدید آمده‌اند که به آن‌ها مگالاپلیس گفته می‌شود. در مگالاپلیس، حومه‌ها و شهرک‌های اقماری یک مادرشهر به حومه‌ها و شهرک‌های مادرشهر دیگر پیوند می‌خورد.

ب (درست): مگالاپلیس شمال شرق ایالات متحدهٔ آمریکا (از بوستن تا واشنگتن) و مگالاپلیس ژاپن (توکیو – یوکوهاما) نمونه‌هایی از اولین مگالاپلیس‌های جهان‌اند.

ج (نادرست): مهم‌ترین ویژگی‌های مگالاپلیس عبارت‌اند از: تمرکز و انبوهی جمعیت شهری، تمرکز مؤسسات مالی و پولی، تمرکز صنایع دانش‌بنیان و فراوانی آمد و شد بین مادرشهرهای هم‌جوار. اما عبارت «تمرکز و انبوهی جمعیت روستایی» ذکر شده؛ در حالی که ملاک، جمعیت شهری است.

د (نادرست): مگالاپلیس‌ها معمولاً در امتداد راه‌های ارتباطی، شکل خطی و کریدوری و برخی نیز شکل خوشه‌ای و کهکشانی پیدا کرده‌اند. برخی، مگالاپلیس را منطقهٔ ابرشهری نامیده‌اند.

بنابراین عبارت‌های «الف» و «ب» صحیح هستند و عبارت‌های «ج» و «د» نادرست هستند. در نتیجه گزینهٔ «۱» درست است.

(جغرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحهٔ ۱۴)

۱۲۸- گزینهٔ «۲» *(علیرضا پدرام)*

با ورود مهاجران ساده و فاقد تخصص و مهارت به شهرها، فرصت‌های شغلی رسمی متناسب با جمعیت کاهش می‌یابد، در نتیجه بخش غیررسمی اقتصاد شهری (دست‌فروشی، جمع‌آوری ضایعات و کارهای روزمزد) گسترش می‌یابد، یکی از پیامدهای این موضوع، پیدایش پدیدهٔ «کودکان کار» است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

دقت کنید در گزینهٔ «۴»، ترتیب علت و معلولیِ موارد نادرست است. در گزینه‌های «۱» و «۳» نیز موارد ارائه‌شده، عامل پدیدهٔ «کودکان کار» نیستند.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

۱۲۹- گزینهٔ «۲» *(فائزه رحیمی لهی)*

درآمد روستاییان عمدتاً به کشاورزی وابسته است (الف). گسترش انقلاب سبز و استفاده از ماشین‌آلات و فناوری در کشاورزی از روش‌های توسعهٔ اقتصادی روستاهاست. البته فناوری مربوط به انقلاب سبز، گران است و همهٔ کشاورزان توانایی تهیه آن را ندارند؛ ماشینی کردن کشاورزی در برخی نواحی روستایی، موجب گسترش بیکاری شده‌است (ب). تحقق روستای پایدار سه رکن دارد: فعال کردن اقتصاد روستا، خدمات اجتماعی و فرهنگی و حفظ محیط زیست روستا و چشم‌اندازهای طبیعی آن (ج).

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

۱۳۰- گزینهٔ «۲» *(علیرضا سالمی)*

ـ در ویژگی توجه به عدالت در توسعه از ویژگی‌های آمایش سرزمین، بین مناطق کشور از نظر دسترسی به منابع و امکانات تعادل برقرار می‌شود.

ـ شوراها برای جلب همکاری و مشارکت مردم در مدیریت شهرها و روستاها پدید آمده‌اند.

ـ سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور (وابسته به وزارت کشور) وظیفهٔ هماهنگی و پشتیبانی مالی، فنی و علمی از شهرداری‌ها و دهیاری‌ها را برعهده دارد و هم‌زمان بر اجرای طرح‌های عمرانی و خدمات شهری و روستایی نظارت می‌کند.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحه‌های ۳۵ و ۳۶)

تاریخ (۱)

۱۳۱- گزینهٔ «۲» *(علیرضا آزادی‌زاده)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

«الف»: سلوکوس ابتدا شهری را که به نام او، سلوکیه نامیده شد، به‌عنوان پایتخت قرار داد.

«ج»: فتوحات مهرداد دوم، وسعت قلمرو اشکانیان را به نهایت رساند و پایه‌های قدرت و سلطنت آنان استوار شد.

(تاریخ (۱)، اشکانیان و ساسانیان، صفحه‌های ۹۰ تا ۹۳)

۱۳۲- گزینهٔ «۲» *(مهیا مالکی)*

ساسانیان با روی کار آمدن اردشیر بابکان، برخلاف ساختار ملوک‌الطوایفی اشکانیان، در جهت ایجاد حکومت مرکزی نیرومند حرکت کردند و با تقویت قدرت مرکزی، انسجام سیاسی بیشتری به‌وجود آوردند.

در دورهٔ ساسانیان، حکومت برای تثبیت قدرت خود با مخالفان داخلی مقابله کرد و در زمینه‌های مختلف به تقویت حکومت مرکزی پرداخت. اصلاحات قباد و خسروانوشیروان نیز در راستای سامان دادن به مسائل و مشکلات داخلی حکومت انجام شد.

از سوی دیگر، ساسانیان بارها با رومیان وارد جنگ شدند. برخی از این جنگ‌ها با پیروزی ایران همراه بود؛ اما ادامهٔ درگیری‌های طولانی، هزینه‌ها و فشار زیادی بر حکومت وارد کرد.

در دورهٔ خسروپرویز نیز فتوحات و گسترش قلمرو ساسانیان به اوج رسید، اما جنگ‌های طولانی و پیامدهای آن، در کنار مشکلات داخلی، زمینهٔ تضعیف حکومت را فراهم کرد.

سرانجام با افزایش اختلافات و مشکلات داخلی، ضعف حکومت مرکزی و فشارهای اقتصادی و اجتماعی، قدرت ساسانیان کاهش یافت و این حکومت نتوانست در برابر حملهٔ اعراب مسلمان مقاومت کند و سقوط کرد.

(تاریخ (۱)، اشکانیان و ساسانیان، صفحه‌های ۹۴ تا ۹۸)

۱۳۳- گزینهٔ «۳» *(فاطمه عزیزی)*

گزینهٔ «۳»: به ادعای شاهان است نه اطلاعاتی که مورخان یونانی از جمله هرودت بیان کرده‌اند.

پادشاهان هخامنشی، به‌ویژه داریوش یکم، ادعا می‌کردند که به خواست اهوره‌مزدا به مقام پادشاهی دست یافته‌اند و به یاری او، بر کشور فرمان می‌رانند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: به قول هرودت، این خاندان‌ها امتیازات ویژه‌ای داشتند که دیگران از آن محروم بودند.

گزینهٔ «۲»: سنگ نوشته‌ها و لوح‌های گلی هخامنشی و نیز نوشته‌های مورّخان یونانی عهد باستان، حاوی اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ نظام حکومتی و تشکیلات اداری آن دوران است. همچنین نظام اداری دورهٔ کورش هخامنشی با داریوش هخامنشی متفاوت بوده است و طبیعی است که در هر دوره، نظام اداری در امتیازات یا محرومیت‌ها متفاوت باشد.

گزینهٔ «۴»: هرودت و دیگر مورّخان یونانی به نمونه‌های گوناگونی از تفاوت‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در میان ایرانیان در زمان هخامنشیان، مثلاً در خوراک، پوشاک، آداب معاشرت و تحصیل اشاره کرده‌اند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان؛ سرآغاز هویت ایرانی، صفحه‌های ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۹ و ۱۱۰)

۱۳۴- گزینهٔ «۴» *(علیرضا پدرام)*

بررسی موارد نادرست:

«ج»: در دوران ساسانیان، موبدان زرتشتی، مدافع نابرابری‌های اجتماعی و امتیازات طبقهٔ حاکم بودند.

«د»: انسجام و نظم‌بخشیدن به تشکیلات اداری (دیوان‌سالاری)، تعداد حکومت‌های موروثی محلی را به‌طور محسوسی کاهش داد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان؛ سرآغاز هویت ایرانی، صفحه‌های ۱۰۳، ۱۱۱ و ۱۱۲)

۱۳۵- گزینهٔ «۲» *(فاطمه عزیزی)*

تشریح موارد نادرست:

ب) مربوط به حکومت هخامنشیان است.

ج) گروهی از روحانیان زرتشتی که با قوانین دینی و احکام عرفی آشنایی داشتند، عهده‌دار امور قضاوت بودند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان؛ سرآغاز هویت ایرانی، صفحه‌های ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۴ و ۱۱۵)

جغرافیای ایران

۱۳۶- گزینهٔ «۴» *(حامد صفرخانیان)*

راه‌حل اول:

الف) محاسبهٔ میزان مرگ‌ومیر:

$$\frac{\text{میزان مرگ‌ومیر} - \text{میزان موالید}}{\text{کل جمعیت}} \times ۱۰۰$$

$$\frac{۹۵۰,۰۰۰ - x}{۱۶,۰۰۰,۰۰۰} \times ۱۰۰ = ۵ \Rightarrow \frac{۱۰۰ \times (۹۵۰,۰۰۰ - x)}{۱۶,۰۰۰,۰۰۰} = ۵$$

$$۹۵,۰۰۰,۰۰۰ - ۱۰۰x = ۵ \times ۱۶,۰۰۰,۰۰۰ = ۸۰,۰۰۰,۰۰۰$$

$$-۱۰۰x = ۸۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۹۵,۰۰۰,۰۰۰ = -۱۵,۰۰۰,۰۰۰$$

$$x = \frac{-۱۵,۰۰۰,۰۰۰}{-۱۰۰} = ۱۵۰,۰۰۰$$

ب) میزان رشد مطلق جمعیت:

$$\frac{\text{مهاجرت} \pm (\text{میزان مرگ‌ومیر} - \text{میزان موالید})}{\text{کل جمعیت}} \times ۱۰۰$$

$$\frac{(۹۵۰,۰۰۰ - ۱۵۰,۰۰۰) + (۲۰,۰۰۰ - ۷۰,۰۰۰)}{۱۶,۰۰۰,۰۰۰} \times ۱۰۰$$

$$= \frac{۸۰۰,۰۰۰ - ۵۰,۰۰۰}{۱۶,۰۰۰,۰۰۰} \times ۱۰۰$$

$$\frac{۷۵۰,۰۰۰}{۱۶,۰۰۰,۰۰۰} \times ۱۰۰ = \frac{۷۵,۰۰۰,۰۰۰}{۱۶,۰۰۰,۰۰۰} = \frac{۷۵}{۱۶} \simeq ۴/۶$$

ج) میزان دو برابر شدن جمعیت:

$$\frac{۷۰}{\text{نرخ رشد جمعیت}} = \frac{۷۰}{۵} = ۱۴$$

راه‌حل دوم: به جای محاسبات طولانی، از طریق نرخ رشد مطلق جمعیت و مدت زمان دو برابر شدن جمعیت، می‌توان جواب را به راحتی به‌دست آورد:

الف) از آنجایی که میزان افرادی که از کشور «الف» مهاجرت کرده‌اند، از افرادی که به کشور «الف» مهاجرت کرده‌اند بیشتر است، نرخ رشد مطلق جمعیت قطعا کمتر از نرخ رشد طبیعی جمعیت است و در نتیجه گزینه‌های «۱» و «۳» حذف می‌شوند.

ب) مدت زمان دو برابر شدن جمعیت به راحتی از طریق تقسیم عدد ۷۰ بر نرخ ۵ درصد رشد طبیعی جمعیت قابل محاسبه است و در نتیجه گزینه‌های «۱» و «۲» حذف می‌شوند.

(جغرافیای ایران، ویژگی‌های جمعیت ایران، صفحه‌های ۶۷ و ۶۸)

۱۳۷- گزینهٔ «۱» *(راضیه ابراهیمی‌نژاد)*

باریک بودن قاعده و پهن‌تر بودن رأس هرم، بیانگر سهم بیشتر گروه‌های سنی بالاتر و در نتیجه، اهمیت بیشتر توجه به وضعیت سالمندان است.

(جغرافیای ایران، ویژگی‌های جمعیت ایران، صفحهٔ ۷۰)

۱۳۸- گزینهٔ «۲» *(فاطمه احمدی)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مهاجرت می‌تواند مکان مبدأ را نیز، از نظر نیروی کار و جمعیت فعال تحت تأثیر قرار دهد.

گزینهٔ «۳»: آثار مهاجرت به مکان مقصد محدود نمی‌شود و همچنین مهاجرت‌های داخلی نیز می‌توانند جمعیت مکان مبدأ را تغییر دهند.

گزینهٔ «۴»: پیامدهای مهاجرت در مکان مبدأ و مقصد یکسان نیست.

(جغرافیای ایران، ویژگی‌های جمعیت ایران، صفحه‌های ۷۲ و ۷۳)

۱۳۹- گزینهٔ «۳» *(محمدمهدی یعقوبی)*

تشریح عبارت‌ها:

الف) در دورهٔ صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه عناصر اصلی تقسیمات کشوری به‌ترتیب عبارت بودند از: ایالت، ولایت، بلوک و قصبه.

ب) در دورهٔ عباسیان، قلمرو جغرافیایی آنها به واحدهایی تحت عنوان «ایالت» تقسیم‌بندی می‌شد که در مجموع به ۳۱ ایالت می‌رسید.

ج) در دورهٔ ساسانیان، کشور به سرزمین (ایالت)، خوره (استان)، تسوگ یا تسوج (شهرستان) و رستاک (دهستان) تقسیم شده بود.

د) در دوران سلوکیان کشور به ۷۲ بخش تقسیم شد.

(جغرافیای ایران، تقسیمات کشوری ایران، صفحه‌های ۷۷ و ۷۸)

۱۴۰- گزینهٔ «۴» *(هادی توکلی)*

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: در سال ۱۳۵۷، در آستانهٔ (کمی قبل از) پیروزی انقلاب اسلامی، ایران به ۲۴ استان تقسیم شد.

گزینهٔ «۲»: از لحاظ نظام اداری، دهستان تابع بخش، بخش تابع شهرستان، شهرستان تابع استان و استان تابع پایتخت می‌باشد.

گزینهٔ «۳»: براساس آخرین تقسیمات کشوری تا سال ۱۴۰۰، کشور ایران از ۱۱۵۷ بخش و ۱۴۲۵ شهر تشکیل یافته است که نشان می‌دهد تعداد شهرها از بخش‌ها بیشتر است؛ نه بالعکس.

(جغرافیای ایران، تقسیمات کشوری ایران، صفحه‌های ۷۹ و ۸۰)

ترنج بوک
تلاشی در مسیر موفقیت

تاریخ (۲)

۱۴۱- گزینهٔ «۴» *(محمدمهدی یعقوبی)*

در زمان آلب اَرسلان، جانشین طغرل، سلجوقیان در نبردی بزرگ که در ملازگرد رخ داد، سپاهیان امپراتوری روم شرقی را شکست دادند، امپراتور را اسیر کردند و آسیای صغیر را به متصرفات خود افزودند. در آن زمان، قلمرو سلجوقیان از رود سیحون در شرق تا دریای مدیترانه گسترش یافت.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: محمود، پسر سبکتگین بود.

گزینهٔ «۲»: هجوم اقوام مهاجم همچون قراختائیان و غزها، منجر به از دست‌رفتن ماوراءالنهر و وارد آمدن آسیب‌ها و خسارت‌های فراوان به شهرها و روستاهای خراسان و دیگر مناطق ایران شد.

گزینهٔ «۳»: خلیفهٔ عباسی که درصدد احیای قدرت سیاسی و نظامی خود بود، از تأیید حکومت خوارزمشاهیان خودداری کرد. به همین سبب سلطان محمد خوارزمشاه برای مقابله با عباسیان، یکی از سادات حسینی را به عنوان خلیفه اعلام کرد و به بغداد لشکر کشید؛ اما سپاه او در گردنهٔ اسدآباد همدان، بر اثر برف و سرمای شدید، متوقف شد.

(تاریخ (۲)، ایران در دوران غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، صفحه‌های ۱۰۱ و ۱۰۳ تا ۱۰۵)

۱۴۲- گزینهٔ «۴» *(فاطمه عزیزی)*

دخالت مقام‌های حکومتی به‌ویژه برخی سلاطین و وزیران غزنوی و سلجوقی در امور مذهبی و جانب‌داری آن‌ها از یک فرقه و مذهب و دشمنی با فرقه و مذهب دیگر، به این اختلافات و درگیری‌ها دامن می‌زد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: در عصر حکومت‌های غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی نیز مانند دیگر دوره‌های تاریخی، کشاورزی مهم‌ترین و اصلی‌ترین فعالیت اقتصادی مردم ایران به‌شمار می‌رفت.

گزینهٔ «۲»: دوران طولانی حکومت سلسله‌های غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، هم‌زمان، شاهد تداوم رشد فلسفه و علوم طبیعی در آغاز و سپس افول تدریجی این علوم بود.

گزینهٔ «۳»: یکی از تحولات چشمگیر دوران حاکمیت غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان، زوال موقعیت اقتصادی و اجتماعی دهقانان در ایران بود.

(تاریخ (۲)، ایران در دوران غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، صفحه‌های ۱۰۸ تا ۱۱۰)

۱۴۳- گزینهٔ «۲» *(راضیه ابراهیمی نژاد)*

سربداران، سادات مرعشی و آل‌مظفر حکومت‌های محلی بودند که پس از مرگ ابوسعید و در دورهٔ آشفتگی سیاسی پدید آمدند. در مقابل، قراقویونلو و آق‌قویونلو دو اتحادیهٔ قبیله‌ای ترکمان بودند که پس از رقابت و ستیز شاهزادگان تیموری، نواحی غربی و مرکزی ایران را تصرف کردند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: آق‌قویونلو و قراقویونلو در زمرهٔ حکومت های محلی پس از مرگ ابوسعید قرار ندارند.

گزینهٔ «۳»: سربداران، سادات مرعشی و آل‌مظفر از حکومت‌های محلی پس از ایلخانان و مرگ ابوسعید بودند؛ اما قراقویونلو و آق‌قویونلو پس از مرگ شاهرخ و در دورهٔ رقابت شاهزادگان تیموری پدیدار شدند و اتحادیه‌های قبیله‌ای ترکمان بودند.

گزینهٔ «۴»: آق‌قویونلو و قراقویونلو نواحی غرب و مرکز ایران را تصرف کردند؛ نه شرق ایران.

(تاریخ (۲)، حکومت، جامعه و اقتصاد در عصر مغول - تیموری، صفحه‌های ۱۱۶ و ۱۱۸)

۱۴۴- گزینهٔ «۲» *(فائزه رحیمی لهی)*

بنای شهرک رشیدیه، ربع رشیدیه و شهر سلطانیه در زمان حکومت ایلخانان مغول یعنی قبل از حکومت تیموریان انجام شد. تدوین مجموعه قوانین موسوم به تزوکات در زمان حکومت تیمور یعنی بعد از حکومت ایلخانان بود و حکومت‌هایی که قبل از مغول بر ایران حکومت می‌کردند، شیوه‌های مالیاتی را که ترکیبی از سنت‌های ایرانی- اسلامی بود پذیرفتند.

(تاریخ (۲)، حکومت، جامعه و اقتصاد در عصر مغول- تیموری، صفحه‌های ۱۱۹، ۱۲۲ و۱۲۴)

۱۴۵- گزینهٔ «۲» *(علیرضا آزادی‌زاده)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

ب) در عصر تیموری، شاهنامهٔ بایسنقری به دستور بایسنقر، خوشنویسی و مصور شد.

د) شاهرخ، سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی، وزیر شاعر او، به زبان و ادب فارسی توجه زیادی نشان داده و و شاعران و ادیبان را همه گونه پشتیبانی و تشویق می‌کردند.

(تاریخ (۲)، فرهنگ و هنر در عصر مغول-تیموری، صفحه‌های ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰ و ۱۳۲)

جغرافیا (۲)

۱۴۶- گزینهٔ «۲» *(علیرضا پدرام)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: بانک‌ها و تجارت، بخشی از خدمات (فعالیت‌های نوع سوم) هستند.

گزینهٔ «۳»: کارخانه‌ها و ماشین‌آلات، بخشی از صنعت (فعالیت‌های نوع دوم) هستند.

گزینهٔ «۴»: تولیدی پوشاک و نساجی، بخشی از صنعت (فعالیت‌های نوع دوم) هستند.

(جغرافیا (۲)، نواحی اقتصادی (کشاورزی و صنعت)، صفحهٔ ۸۴)

۱۴۷- گزینهٔ «۳» *(حامد صفرخانیان)*

از مهم‌ترین نواحی کشت غلهٔ تجاری در دنیا، مزارع وسیع گندم در چین، هند، ایالات متحدهٔ آمریکا، روسیه، کانادا، فرانسه و استرالیاست. این کشورها بخش عمدهٔ گندم جهان را تولید می‌کنند.

ایالات متحدهٔ آمریکا حدود ۴۰ درصد ذرت جهان را تولید می‌کند.

ایالات متحدهٔ آمریکا، اتحادیه اروپا، استرالیا، زلاندنو، آرژانتین و برزیل از مهم‌ترین مراکز دامداری تجاری در جهان هستند. (از آنجایی که چین در زمینهٔ دامداری تجاری، تولیدکنندهٔ مهمی در جهان محسوب نمی‌شود و همچنین از آنجایی که بین جاخالی دوم و سوم، «و» استفاده شده است، گزینهٔ «۳» صحیح محسوب می‌شود)

کشور پاکستان و فیلیپین، کشورهایی هستند که در نتیجهٔ انقلاب سبز، در زمینهٔ تولید برنج به خودکفایی رسیده‌اند.

(جغرافیا (۲)، نواحی اقتصادی (کشاورزی و صنعت)، صفحه‌های ۸۷، ۸۸ و ۹۰)

۱۴۸- گزینهٔ «۳» *(محمدمهدی یعقوبی)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

الف) شرکت‌های چندملیتی، که عمدتاً آمریکایی و اروپایی هستند، با احداث مزارع تک‌محصولی یا پلانتیشن در کشورهای نواحی استوایی سرمایه‌گذاری می‌کنند و از نیروی کارگر ارزان‌قیمت آن‌ها در مزارع خود بهره می‌برند. (واژهٔ «مختلف» در این عبارت اشتباه است چراکه مفهومی عام دارد و می‌تواند نواحی غیراستوایی را نیز شامل شود.)

د) چون درکشورهای کمتر توسعه‌یافتهٔ صنعتی، نظام مالیاتی و بیمهٔ کارگران و قوانین و مقررات زیست‌محیطی، چندان جدی و سخت نیست، فعالیت شرکت‌های چندملیتی در این‌گونه کشورها، آسان‌تر و ارزان‌تر تمام می‌شود. (به این معنی نیست که اصلا وجود ندارد.)

(جغرافیا (۲)، نواحی انسانی، صفحه‌های ۹۲ و ۱۰۴)

۱۴۹- گزینهٔ «۲» *(فاطمه احمدی)*

وابستگی بیشتر کشور «الف» به صادرات مواد اولیه و منابع خام، آن را در برابر نوسانات قیمت جهانی آسیب‌پذیرتر می‌کند. و همچنین، تنوع تولیدات صنعتی و فناوری پیشرفته در کشور «ب»، زمینهٔ حضور گسترده‌تر آن را در مبادلات تجاری جهانی فراهم می‌کند.

(جغرافیا (۲)، نواحی اقتصادی (تجارت و اقتصاد جهانی)، صفحهٔ ۱۰۰)

۱۵۰- گزینهٔ «۲» *(هادی توکلی)*

در نظام مرکز و پیرامون، کشورهای مرکز معمولاً از نظر اقتصادی و صنعتی توسعه‌یافته‌تر هستند و بخش مهمی از تجارت جهانی را در اختیار دارند. این کشورها بیشتر کالاهای صنعتی، فناوری پیشرفته و محصولات با ارزش افزودهٔ بالا تولید و صادر می‌کنند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مرکز یا پیرامون بودن کشورها ارتباطی با وسعت آن‌ها ندارد. یک کشور مانند (ژاپن) ممکن است از نظر مساحت کوچک باشد ولی در نظام اقتصادی جهان در جایگاه مرکز قرار داشته باشد.

گزینهٔ «۳»: این گزینه هم نمی‌تواند درست باشد چون صادرات مواد خام الزاماً به معنای درآمد بیشتر نیست. کالاهای صنعتی معمولاً ارزش افزوده بیشتری دارند و کشورهای مرکز از این طریق درآمد و قدرت اقتصادی بیشتری کسب می‌کنند.

گزینهٔ «۴»: کشورهای مرکز با یکدیگر نیز تجارت گسترده‌ای دارند و بخش مهمی از تجارت جهانی بین کشورهای توسعه‌یافته انجام می‌شود. کلمهٔ «فقط» موجب نادرستی این گزینه شده است.

(جغرافیا (۲)، نواحی اقتصادی (تجارت و اقتصاد جهانی)، صفحه‌های ۱۰۶ و ۱۰۷)

فلسفهٔ دوازدهم

۱۵۱- گزینهٔ «۱» *(محمد قربانی)*

کودک با دیدن شیء و اشاره به آن، ابتدا وجود و تحقق عینی آن را در جهان خارج درک کرده و پذیرفته است؛ اما بلافاصله با پرسش «این چیست؟» نشان می‌دهد که از ماهیت و چیستی آن شیء آگاهی ندارد. این پرسش اثبات می‌کند که درک هستی (وجود) یک شیء به تنهایی مساوی با شناخت ذات و چیستی (ماهیت) آن نیست و صرفِ دیدن و پی‌بردن به وجود چیزی، برای آگاهی از ماهیت آن کفایت نمی‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: این عبارت نادرست است؛ زیرا کشف چیستی و ذات امور منحصراً در گرو حس و تجربه نیست؛ بسیاری از امور مجرد، مفاهیم عقلی و حتی موجودات فرضی و ذهنی (مانند سیمرغ، اعداد یا مفاهیم منطقی) اساساً با ابزار حس و تجربه قابل ادراک نیستند و ماهیت آن‌ها تنها از طریق تحلیل و تعقل شناخته می‌شود.

گزینهٔ «۳»: کودک بدون اینکه ذات و حقیقت شیء را بشناسد، وجود آن را با اشارهٔ حسی تصدیق کرده است؛ یعنی ابتدا پذیرفته که «این شیء موجود است» و سپس از چیستی آن پرسیده است؛ بنابراین حمل وجود بر شیء، وابسته به شناخت قبلی از تمام ذات آن نیست.

گزینهٔ «۴»: شناخت هستی ضرورتاً و همیشه مقدم بر شناخت ماهیت نیست؛ انسان می‌تواند ماهیت اموری فرضی یا معدوم (مانند سیمرغ یا غول چراغ جادو) را در ذهن خود بشناسد و تصور کند، در حالی که هنوز هیچ وجودی در خارج ندارند؛ بنابراین نمی‌توان به‌صورت کلی حکم کرد که شناخت هستی همواره بر شناخت ذات مقدم است.

(فلسفهٔ دوازدهم، هستی و چیستی، صفحه‌های ۲ تا ۶)

۱۵۲- گزینهٔ «۴» *(جواد پاکدل - خارج)*

توماس آکوئیناس در قرن سیزدهم میلادی با الهام از فلسفهٔ اسلامی به‌ویژه آرای ابن‌سینا و ابن‌رشد، مکتب فلسفی «تومیسم» را پایه‌گذاری کرد؛ این جریان فکری توانست فلسفهٔ مسلط بر کلیسا و اروپای قرون ۱۳ تا ۱۵ میلادی شود و امروزه نیز این مکتب فلسفی همچنان زنده است و در جریان‌های فلسفی مغرب‌زمین به حیات خود ادامه می‌دهد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: فلسفهٔ آکوئیناس بیشتر متکی بر ابن‌سینا و تا حدودی ابن‌رشد بود، نه اینکه تکیهٔ کامل داشته باشد.

گزینهٔ «۲»: آشنایی دوبارهٔ غرب با ارسطو «با واسطهٔ» ترجمهٔ متون و شرح‌های فیلسوفان مسلمان (ابن‌سینا و ابن‌رشد) رخ داد، نه به‌صورت «بی‌واسطه».

گزینهٔ «۳»: یکی از پایه‌ها و ارکان اصلی فلسفهٔ تومیسم، اصل «مغایرت وجود و ماهیت» بود، نه «عینیت وجود و ماهیت».

(فلسفهٔ دوازدهم، هستی و چیستی، صفحه‌های ۶ و ۷)

۱۵۳- گزینهٔ «۲» *(موسی سپاهی - سراوان)*

در قضیهٔ اول، «مثلث» سطحی دوبعدی و نوعی کمّیت متصل (مقدار) است و تصور مثلث بدون داشتن اندازه و مقدار، محال است؛ در قضیهٔ دوم نیز «مقدارِ یک‌بُعدی (طول)» ذات و تعریف اصلی مفهومِ «خط» است و تفکیک آن از خط ناممکن می‌باشد؛ بنابراین پیوند محمول با موضوع در هر دو قضیه تخلف‌ناپذیر، همیشگی و از نوع وجوبی (ضروری) است.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

۱۵۴- گزینهٔ «۳» *(محمد قربانی)*

امکان، ویژگی ذاتیِ ماهیت است و امر ذاتی هرگز دگرگون یا زائل نمی‌شود؛ بنابراین با حضور علت، «ذات» شیء تغییر نمی‌کند، بلکه ذات شیء همچنان بر حالت امکانِ خود باقی می‌ماند و صرفاً به واسطهٔ علت، صفتی عارضی به نام «وجوب بالغیر» پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، شیء «واجب‌الوجود بالغیر» می‌شود، اما ذاتش همان «ممکن‌الوجود بالذات» باقی می‌ماند، نه اینکه ذات آن متحول شده باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: این عبارت کاملاً درست و تعریف دقیق ممکن‌الوجود بالذات است؛ ذاتِ ممکن‌الوجود در جایگاه خودش نسبت به وجود و عدم در حالت تساوی و لااقتضا (مانند دو کفهٔ مساوی ترازو) قرار دارد و هیچ ترجیحی برای بودن یا نبودن ندارد.

گزینهٔ «۲»: این گزاره تعریف صحیح ممتنع‌الوجود بالذات است؛ در این امور (مانند اجتماع نقیضین، شریک باری یا دایرهٔ چهارضلعی)، تناقض درونی وجود دارد و پیوند هستی با ذات آن‌ها عقلاً ناممکن و محال است.

گزینهٔ «۴»: این عبارت نیز تعریفی کاملاً درست از واجب‌الوجود بالذات است؛ موجودی که هستی و ضرورتِ وجودش، ناشی از ذاتِ خودش بوده، غنی بالذات است و برای موجود بودن به هیچ عامل، شرط یا علتی نیاز ندارد.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۱۰ تا ۱۲)

۱۵۵- گزینهٔ «۱» *(محمد قربانی)*

رابطهٔ «دلیل و نتیجه» فرآیندی ذهنی و معرفت‌شناختی است که طی آن انسان از یک نشانه یا مقدمه به اثبات و باور یک گزاره می‌رسد؛ در حالی که «علت و معلول» رابطه‌ای عینی، واقعی و هستی‌شناختی در جهان خارج است که طی آن موجودی به موجود دیگر هستی می‌بخشد. از این رو، دلیلِ ذهن برای اثبات یک امر، لزوماً علتِ وجودیِ آن پدیده در جهان واقع نیست (مانند اینکه «مشاهدهٔ دود» در ذهن دلیل بر وجود «آتش» است، اما دود علتِ آتش نیست، بلکه معلول آن است).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: تقدم علت بر معلول تقدم زمانی نیست، بلکه تقدم علت بر معلول از نوع «تقدم رتبی، ذاتی و عقلی» است؛ از طرفی تقدم دلیل بر نتیجه نیز تقدمی «معرفتی و منطقی» در ذهن است، نه تقدم وجودی در جهان خارج.

گزینهٔ «۳»: جایگاه مفهوم «دلیل» و «علت» در این گزینه جابه‌جا بیان شده است؛ کشف وابستگی‌های عینی در جهان خارج مربوط به رابطهٔ «علت و معلول» (هستی‌شناسی) است و ایجاد باورپذیری برای گزاره‌ها در ذهن مربوط به «دلیل و نتیجه» (معرفت‌شناسی) می‌باشد.

گزینهٔ «۴»: رابطهٔ علّیت در جهان واقع کاملاً عینی و مستقل از ادراک انسان است؛ بنابراین علّیت در خارج هرگز متوقف و فرع بر اقامهٔ دلیل در ذهن ما نیست و آتش مستقل از شناخت یا استدلال ذهن ما، حرارت ایجاد می‌کند.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان علّی و معلولی، صفحهٔ ۱۴)

۱۵۶- گزینهٔ «۴» *(فیروز نژادنجف - تبریز)*

دکارت اصل علّیت («هر پدیده‌ای علتی دارد») را اصلی «فطری» می‌داند؛ یعنی معتقد است ساختار ذهن انسان مانند لوح سفید نیست، بلکه این قاعدهٔ بنیادین عقلی از بدو تولد همراه با سرشت و آفرینش ذهن وجود دارد و انسان پیش از هرگونه آموزش یا تجربه‌ای، همراه با درک این اصل به دنیا می‌آید.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: این گزاره اگرچه به خودیِ خود و بر اساس فلسفهٔ دکارت سخنی درست است، اما پاسخ تست نیست؛ زیرا صورت سؤال منحصراً دربارهٔ «منشأ درک علّیت» (چرایی و چگونگی پیدایش این مفهوم در ذهن) پرسیده است، در حالی که این گزینه به «نتیجه، کارکرد و پیامدِ پذیرش علّیت در پژوهش‌های علمی» اشاره می‌کند نه سرچشمهٔ پیدایش آن در ذهن.

گزینهٔ «۲»: این عبارت بیانگر دیدگاه «فیلسوفان مسلمان» است؛ آنان معتقدند ذهن انسان در بدو تولد فاقد این اصل است و انسان «پس از شکل‌گیری ذهن» به کمک تحلیل عقلی و تکیه بر «اصل امتناع اجتماع نقیضین» این قاعده را استنتاج می‌کند؛ در حالی که دکارت آن را امری مادرزادی و بی‌نیاز از هرگونه استدلال می‌داند.

گزینهٔ «۳»: دکارت میان «اصل علّیت» و «مصادیق علّیت» تفکیک قائل است؛ از نظر او هرچند خودِ اصل علّیت فطری است، اما کشف و شناسایی مصادیق عینی و مادی آن در جهان طبیعت (مثلاً اینکه آتش علت گرما است) کاملاً نیازمند مشاهده، حس و آزمایش تجربی است.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان علّی و معلولی، صفحهٔ ۱۶)

۱۵۷- گزینهٔ «۲» *(محمد قربانی)*

تجربه‌گرایان ادعا می‌کنند درک اصل علّیت صرفاً حاصل تکرار مشاهده و تجربهٔ حسی است؛ اما واکنش طبیعی کودک شیرخوار که با شنیدن یک صدای ناگهانی فوراً سر خود را به سمت منبع صدا می‌چرخاند و در پی علت آن برمی‌آید، نمونه و «شاهدی نقض‌کننده» بر این ادعاست. این رفتار نشان می‌دهد که ذهن انسان پیش از داشتن تجربیات مکرر حسی یا روبه‌رو شدن با توالی‌های چندباره، به شکلی بنیادین در پی چرایی و علت رخدادها است و درک علّیت نمی‌تواند منحصراً از راه تجربه به دست آمده باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: این عبارت تنها بیانگر دیدگاه جایگزین و مخالف (رویکرد فیلسوفان مسلمان در تبیین منشأ عقلی علّیت) است؛ بنابراین صرفاً یک «نظریه و دیدگاه مقابل» به شمار می‌رود، نه یک شاهد عینی یا نمونهٔ نقض که نادرستی ادعای تجربه‌گرایان را اثبات کند.

گزینهٔ «۳»: لزوم طراحی آزمایش‌های مکرر مربوط به «کشف مصادیق مادی و جزئی علّیت در علوم تجربی» است، نه منشأ درک خودِ «اصل علّیت»؛ اتفاقاً نیاز به آزمایش، تأییدکنندهٔ کاربرد تجربه در شناسایی علل طبیعی است و نابسندگی آن به‌عنوان منشأ درک اصل علّیت را نشان نمی‌دهد.

گزینهٔ «۴»: ناتوانی حواس در درک مفهوم ضرورت، تنها بازتاب‌دهندهٔ «دیدگاه منتقدانهٔ هیوم یا فیلسوفان عقل‌گرا» است؛ یعنی صرفاً یک استدلال و مبنای نظریِ مخالف با تجربه‌گرایی است و فی‌نفسه یک شاهد تجربی یا عینی بر رد ادعای آن‌ها محسوب نمی‌شود.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان علّی و معلولی، صفحهٔ ۱۶)

۱۵۸- گزینهٔ «۴» *(محمد قربانی)*

دیدگاه اختصاصی دیوید هیوم دربارهٔ «ضرورت علی و معلولی» این است که ضرورت، یک رابطهٔ واقعی، تکوینی و عینی در جهان خارج نیست؛ بلکه پی‌آمدِ تکرارِ مشاهدات و شرطی‌شدن ذهن است. وقتی ذهن بارها توالی دو حادثه را می‌بیند، نوعی «عادت روانی و تداعی ذهنی» در آن شکل می‌گیرد و در نتیجه، این الزام روان‌شناختی و درونیِ خود را ناخودآگاه به‌صورت یک قانون ضروری به جهان بیرون سرایت می‌دهد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: این گزاره «دیدگاه اختصاصی» هیوم به شمار نمی‌رود؛ زیرا فیلسوفان مسلمان نیز معتقدند پیوند ضروری علی و معلولی با حواس پنج‌گانه قابل مشاهده و لمس نیست و حواس ظاهری تنها توالی و همراهی پدیده‌ها را ثبت می‌کنند.

گزینهٔ «۲»: از دیدگاه هیوم، حتی با وجود داده‌های حسی نیز ذهن هرگز به حقیقتِ «ضرورت عینی» پی نمی‌برد، بلکه حواس تنها تقارن مکانی و توالی زمانی را مخابره می‌کنند و آنچه پس از آن در ذهن حاصل می‌شود، توهم پیوند ضروری بر اثر عادت است، نه درک واقعی ضرورت.

گزینهٔ «۳»: این عبارت دیدگاه سایر تجربه‌گرایان (به‌جز هیوم) است که توالی مکرر را دلیل بر کشف قوانین قطعی و ضروری طبیعت می‌دانستند؛ در حالی که هیوم با تکیه بر نقد مفهوم ضرورت، اعتبار تعمیم‌های استقرایی و شناخت قوانین حتمی طبیعت را به چالش کشید.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان علّی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۱۵۹- گزینهٔ «۴» *(امیرمحمد قلعه‌کاهی)*

از دیدگاه فیلسوفان مسلمان، اصل قاعدهٔ علّیت امری عقلی است، اما شناخت و کشف «مصادیق طبیعی و مادی علّیت» (اینکه مشخصاً باد علّت ریزش برگ است) تنها از راه مشاهده، آزمایش و تجربهٔ حسی امکان‌پذیر است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: اصل امتناع تناقض صرفاً بیانگر این است که پدیده نمی‌تواند بی‌علت باشد، اما نشان‌دهندهٔ مصداق عینی آن (یعنی باد) نیست.

گزینهٔ «۲»: شناخت علت این پدیدهٔ طبیعی به روش «تجربی و حسی» انجام می‌شود؛ در حالی که شناخت علت آفرینش هستی (خداوند)، امری فراتجربی است و منحصراً با «برهان و تفکر عقلانی» اثبات می‌گردد.

گزینهٔ «۳»: تفکر عقلانی برای کشف خود «اصل علّیت» است اما شناخت «مصداق اصل علّیت در امور طبیعی» بدون استفاده از ابزار حس و تجربه ناممکن است.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان علّی و معلولی، صفحه‌های ۱۷ و ۱۸)

۱۶۰- گزینهٔ «۱» *(حمید سوریان)*

فیلسوفان مسلمان در نفی نظریهٔ ایده‌های فطری با تجربه‌گرایان هم‌عقیده‌اند و باور دارند که ذهن انسان در بدو تولد هیچ شناختی از اصل علّیت ندارد. از سوی دیگر، آن‌ها همراه با دکارت معتقدند که درک خودِ «اصل علّیت» مستقل از حس و تجربه است و ذهن برای پذیرش کلّیت این قاعده، نیازی به مشاهدهٔ حوادث طبیعی و عینی ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: بخش اول مورد قبول فیلسوفان مسلمان نیست؛ زیرا آن‌ها درک علّیت و ضرورت آن را عقلی می‌دانند، نه برآمده از تجربه. بخش دوم نیز صرفاً نظر دکارت است (که درک علّیت را فطری و بی‌نیاز از استدلال می‌داند)، در حالی که فیلسوفان مسلمان رسیدن به علّیت را نیازمند یک استدلال عقلی (مبتنی بر اصل امتناع تناقض) می‌دانند.

گزینهٔ «۳»: بخش اول درست است اما بخش دوم مورد پذیرش دکارت نیست، زیرا او شناخت اصل علّیت را فطری (مادرزادی) می‌داند، نه اکتسابی و پسینی.

گزینهٔ «۴»: بخش اول صرفاً با تجربه‌گرایی هیوم همخوانی دارد، اما تجربه‌گرایان دیگر تکرار توالی و تقارن پدیده‌ها را برای درک علّیت کافی می‌دانستند؛ بخش دوم با دیدگاه فلاسفهٔ مسلمان و دکارت هماهنگ است؛ زیرا هر دو معتقدند «پذیرش اصل علّیت مقدمه و اساس هر گونه تجربه‌ای است».

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان علّی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ تا ۱۸)

منطق

۱۶۱- گزینهٔ «۱» *(فیروز نژادنجف - تبریز)*

ابهام در تعریف مفاهیم «گاهی» موجب بروز اختلاف و نزاع میان افراد می‌شود؛ بنابراین تعمیم آن به عنوان علت «اصلی و واحد» اختلافات نادرست است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: یکی از مهم‌ترین فواید یادگیری مبحث تعریف، جلوگیری از مغالطات ناشی از تعاریف نادرست است.

گزینهٔ «۳»: داشتن فهم و تعریف مشترک از مفاهیم، شرط اساسی گفت‌وگو و دستیابی به تفاهم متقابل است.

گزینهٔ «۴»: مفاهیم و اصطلاحات دیگر علوم در همان علم تعریف می‌شود و منطق تنها قواعد تعریف صحیح را می‌آموزد.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحهٔ ۲۸)

۱۶۲- گزینهٔ «۲» *(محمد قربانی)*

هنگامی که مخاطب معنای لفظ را می‌داند و پرسش او دربارهٔ حقیقت، ماهیت یا ویژگی‌های عینی شیء در جهان خارج است، تعریف لغوی هیچ آگاهی تازه‌ای به او نمی‌افزاید و فایده‌ای ندارد.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۲۹ تا ۳۱)

زرنگ بوک
تلاشی در مسیر موفقیت

۱۶۳- گزینهٔ «۲» *(جواد پاکدل - فاروج)*

تعریف از طریق ذکر مصادیق برای اموری کاربرد دارد که بتوان نمونه‌های مشخصی برای آن‌ها ارائه داد (چه با اشارهٔ حسی در خارج و چه ذکر نمونه‌های متعارف).

بررسی موارد سؤال:

شکل: با ذکر نمونه‌هایی چون دایره و مثلث تعریف می‌شود.

جلد: با اشارهٔ حسی به نمونه‌های عینی مانند جلد کتاب یا دفتر قابل معرفی است.

سراب: گرچه خطای بینایی است، اما به عنوان پدیده‌ای دیداری مصداق قابل مشاهده دارد.

شجاعت، حقیقت، آزادی: این مفاهیم انتزاعی و کیفی هستند و تعریف آن‌ها به وسیلهٔ ذکر مصادیق ممکن نیست، زیرا بر مصادیق مشخص و معینی که چیستی مفهوم را منتقل کنند دلالت مستقیم ندارند.

نکته: تعریف مصداقی لزوماً نیازمند مصداق مادی و عینی در جهان خارج نیست؛ مفاهیمی که وجود مادی خارجی ندارند نیز در صورت داشتن نمونه‌های فرضی، قراردادی یا ذهنی مشخص (مانند موجودات خیالی) قابلیت تعریف مصداقی دارند.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۲۹ تا ۳۱)

۱۶۴- گزینهٔ «۳» *(حسین آفوندی راهنمایی)*

تعریف مفهومی، تعریفی است که ابتدا ویژگی عام (انسان) و سپس ویژگی خاص (خبردادن از غیب و ارائهٔ معجزه) در آن بیان شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: این مورد بیانگر معنای ریشه‌ای و لفظی کلمه است و در دستهٔ تعریف لغوی (لفظی) قرار می‌گیرد.

گزینهٔ «۲»: با ذکر نمونه‌های عینی و مصداق‌ها تدوین شده و از نوع تعریف از طریق ذکر مصادیق است.

گزینهٔ «۴»: به صورت کامل مخفف نام یک نهاد و شیوهٔ شکل‌گیری لغوی آن اشاره دارد که از اقسام تعریف لغوی (لفظی) به شمار می‌رود.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۲۹ تا ۳۱)

۱۶۵- گزینهٔ «۳» *(موسی سپاهی - سراوان)*

در یک تعریف مفهومی درست، مفهوم عام همیشه بر مجهول احاطه دارد؛ یعنی همهٔ افراد مجهول عضو مفهوم عام هستند، ولی تمام افراد مفهوم عام عضو مجهول نیستند. به همین دلیل رابطهٔ میان مجهول و مفهوم عام همواره «عموم و خصوص مطلق» است و نمی‌تواند عموم و خصوص من‌وجه باشد.

مثال: در تعریف «انسان: حیوان ناطق»، نسبت مجهول (انسان) با مفهوم عام (حیوان)، عموم و خصوص مطلق است؛ هر انسانی حیوان است، اما هر حیوانی انسان نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: کل تعریف باید دقیقاً بر مجهول منطبق شود تا تعریف جامع و مانع باشد، بنابراین رابطهٔ آن‌ها همواره تساوی است.

مثال: در تعریف «انسان: حیوان ناطق»، نسبت مجهول (انسان) با کل تعریف (حیوان ناطق) تساوی است.

گزینهٔ «۲»: مفهوم خاص می‌تواند فقط مختص همان مجهول باشد (تساوی) یا ویژگیِ مشترک با امور دیگر باشد (عموم و خصوص مطلق).

مثال: نسبت مجهول (انسان) با مفهوم خاص (ناطق) تساوی است، اما در تعریف «جیوه: فلز مایع»، نسبت مجهول (جیوه) با مفهوم خاص (مایع)، عموم و خصوص مطلق است.

گزینهٔ «۴»: دو جزء تشکیل‌دهندهٔ تعریف (عام و خاص) می‌توانند رابطهٔ عموم و خصوص مطلق یا عموم و خصوص من‌وجه داشته باشند.

مثال: در تعریف «جیوه: فلز مایع»، مفهوم عام (فلز) و مفهوم خاص (مایع) رابطهٔ عموم و خصوص من‌وجه دارند و در تعریف «انسان: حیوان ناطق»، مفهوم عام (حیوان) و مفهوم خاص (ناطق) رابطهٔ عموم و خصوص مطلق دارند.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحهٔ ۳۱)

۱۶۶- گزینهٔ «۳» *(محمد قربانی)*

شرط واضح‌بودن (روشن و آشکار بودن تعریف برای مخاطب) امری نسبی است؛ زیرا یک تعریف ممکن است برای فردی متخصص کاملاً واضح و روشن باشد، اما برای فردی مبتدی یا ناآشنا مبهم و نامفهوم به نظر برسد. در حالی که شروطی مانند جامع‌بودن یا مانع‌بودن وابسته به فرد نیستند و سنجش صدق آن‌ها روی مصادیق، امری عینی و غیرنسبی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: در لغت‌نامه‌ها علاوه بر تعریف لغوی (بیان مترادف یا ریشهٔ کلمه)، تعاریف مفهومی و حتی ذکر مصادیق نیز دیده می‌شود؛ بنابراین همهٔ تعاریف آن‌ها صرفاً لغوی نیستند.

گزینهٔ «۲»: مفهوم جزئی تنها می‌تواند در جایگاه «مجهول» برای تعریف لغوی قرار گیرد (رود نیل: رودخانه‌ای در آفریقا که طولانی‌ترین رود جهان است.)، اما در بخش «تعریف» (معنای ارائه‌شده) نمی‌توان از مفهوم جزئی استفاده کرد؛ زیرا تعریف لغوی بیان معنا و مفهوم کلی کلمه است.

گزینهٔ «۴»: در روش تعریف به ذکر مصادیق نیز برای اشاره به مصداق یا نام‌بردن از نمونه‌ها از الفاظ و واژه‌ها استفاده می‌شود؛ بنابراین الفاظ در این روش نیز کاربرد دارند.

تعریف از طریق ذکر مصادیق به دو شیوه انجام می‌شود:

۱. با استفاده از بیان لفظی (مانند: رودخانه یعنی مواردی چون ارس و کارون)

۲. بدون بیان لفظی (با اشارهٔ حسی و مستقیم به شیء خارجی).

بنابراین بیان لفظی در تعریف از طریق ذکر مصادیق کاربرد دارد.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۶)

ترنج بوک
تلاشی در مسیر معرفت

۱۶۷- گزینهٔ «۱» *(حسین آفوندی راهنمایی)*

شرط چهارم تعریف، «دوری نبودن» است؛ از آنجا که هدف از تعریف، شناساندن مجهول از طریق مفاهیم شناخته‌شده‌تر است، اگر تعریفی دوری باشد (تعریف شیء به خود)، هیچ شناخت تازه‌ای نمی‌افزاید و روشن‌تر از مجهول نخواهد بود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: شرط وضوح ناظر بر شفافیت لفظ است و ارتباطی به انطباق مصادیق ندارد؛ یک تعریف می‌تواند کاملاً جامع و مانع (مساوی با مجهول) باشد اما به دلیل الفاظ ناآشنا، مبهم باشد.

گزینهٔ «۳»: نداشتن شرط جامع و مانع بودن لزوماً به معنی بی‌ربطی (تباین) نیست؛ اگر نسبت تعریف با مجهول «عموم و خصوص من‌وجه» باشد، تعریف جامع و مانع نیست اما دارای وجه اشتراک با مجهول است.

گزینهٔ «۴»: دور انواع مختلفی دارد و منحصر به ذکر مستقیم لفظ یا جزء آن نیست، بلکه ارجاع مجهول به امری که شناختش وابسته به خود مجهول باشد (مانند تعریف زوج به غیرفرد و فرد به غیرزوج) نیز موجب دور می‌شود.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۴ تا ۳۶)

۱۶۸- گزینهٔ «۴» *(امیرمحمد قلعه‌کاهی)*

تعریف مانع باید مانع ورود افراد بیگانه شود و تعریف جامع باید همهٔ مصادیق مجهول را در بر بگیرد. تعریف «حیوان دانشمند» خاص‌تر از انسان است؛ یعنی مانع است (چون غیرانسان، دانشمند وجود ندارد)، اما جامع نیست (زیرا همهٔ انسان‌ها دانشمند نیستند و گروهی از مصادیق مجهول بیرون می‌مانند).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: به علت ذکر نشدن قید «فقط»، تعریف مانع نیست؛ زیرا تمام اعداد طبیعی بزرگ‌تر از یک (حتی اعداد مرکب مانند ۴ و ۶) بر یک و خودشان بخش‌پذیرند.

گزینهٔ «۲»: این تعریف نه جامع است و نه مانع؛ زیرا برخی فیلسوفان کتابی ننوشته‌اند (جامع نیست) و برخی افراد غیرفیلسوف در این زمینه کتاب نوشته‌اند (مانع نیست).

گزینهٔ «۳»: این تعریف جامع است ولی مانع نیست؛ زیرا علاوه بر فلزات، مواد دیگری مانند گرافیت و آب ناخالص نیز رسانای الکتریسیته هستند و وارد تعریف می‌شوند.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۵ و ۳۶)

۱۶۹- گزینهٔ «۳» *(محمد قربانی)*

هر دو تعریف ارائه‌شده در این گزینه فاقد شرط «مانع بودن» هستند.

بررسی مورد اول: این تعریف مانع نیست؛ زیرا «ادراک و آگاهی ذهنی» عام‌تر از تصدیق است و بر «تصور» (ادراک ساده و بدون حکم) نیز صدق می‌کند، در حالی که قید «حکم و قضاوت داشتن» برای متمایز کردن تصدیق از تصور در آن ذکر نشده است.

بررسی مورد دوم: این تعریف نیز مانع نیست؛ زیرا «تصوری که در ذهن شکل می‌گیرد» شامل «مفهوم جزئی» هم می‌شود و قید اساسی «قابلیت انطباق بر موارد متعدد» در آن بیان نشده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: بررسی مورد اول: این تعریف مانع نیست، چراکه شامل احساسات و تخیلات انسان هم می‌شود.

بررسی مورد دوم: این تعریف جامع نیست، چرا که تنها اعداد صحیح مثبت را شامل می‌شود درصورتی که اعداد صحیح منفی بخش‌پذیر بر دو هم عدد زوج محسوب می‌شوند.

گزینهٔ «۲»: بررسی مورد اول: این تعریف دارای تمام شرایط تعریف صحیح است.

بررسی مورد دوم: این تعریف جامع نیست؛ زیرا شامل مصادیق «ممتنع‌الوجود بالغیر» نمی‌شود.

گزینهٔ «۴»: بررسی مورد اول: این تعریف بیانگر کارکرد تعریف لغوی بوده و دارای شرایط تعریف صحیح است.

بررسی مورد دوم: این تعریف فاقد شرط «مانع بودن» است؛ زیرا با آوردن عبارت «هر نوع اشتباه»، سایر خطاهای زبانی (مانند غلط‌های املایی، نگارشی یا دستوری) را نیز شامل می‌شود.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۵ و ۳۶)

۱۷۰- گزینهٔ «۱» *(محمد قربانی)*

برای تحلیل دقیق این تست، فرض صورت سؤال را با دو مثال تطبیق می‌دهیم:

مثال ۱: «انسان: حیوان ناطق است» = حیوان (M)، انسان (A یا B)، ناطق (K یا N)

مثال ۲: «جیوه: فلز مایع است» = فلز (M)، جیوه (A یا B)، مایع (K یا N)

بررسی گزینه‌ها بر اساس این مثال‌ها:

بررسی گزینهٔ «۱»:

اگر بخواهیم «جیوه» (A) را صرفاً با ویژگی خاص آن یعنی «مایع» (N) تعریف کنیم و بگوییم: «جیوه: مایع است»، این تعریف مانع اغیار نخواهد بود؛ زیرا آب، الکل و سایر مایعات که اصلاً فلز نیستند نیز وارد تعریف می‌شوند.

اگر بخواهیم «انسان» (A) را صرفاً با ویژگی خاص آن یعنی «ناطق» (N) تعریف کنیم و بگوییم: «انسان: ناطق است»، این تعریف مانع خواهد بود.

بنابراین، تعریف A صرفاً با مفهوم N ممکن است مانع نباشد و اغیار را در بر بگیرد.

بررسی گزینهٔ «۲»: اگر مفهوم عام (M) را «حیوان» در نظر بگیریم، مفهوم B («انسان») تنها بخشی از حیوانات است و شامل تمام افراد و مصادیق مفهوم حیوان نمی‌شود.

بررسی گزینهٔ «۳»: این گزینه بیان می‌کند که به‌کارگیری صفت خاص (K) به‌تنهایی مانع ورود اغیار است. با همان مثال جیوه می‌بینیم که اگر جیوه را فقط با صفت «مایع» تعریف کنیم، تعریف اصلاً مانع نیست و اغیار (مثل آب و سرکه) وارد آن می‌شوند.

بررسی گزینهٔ «۴»: اگر ویژگی انسان (A) و ناطق (N) را به عنوان تعریف مفهوم حیوان (M) در نظر بگیریم و بگوییم: «حیوان: انسان ناطق است» تعریف جامع نخواهد بود؛ زیرا شامل مصادیق غیر از انسان (روباه، گرگ و...) نمی‌شود. بنابراین نمی‌تواند تعریف درستی باشد.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۵ و ۳۶)

فلسفهٔ یازدهم

۱۷۱- گزینهٔ «۲» *(فیروز نژادنجف - تبریز)*

افلاطون نشان داد که سقراط عمر خود را وقف اصلاح جامعه، احیـای تفکـر عقلانی و استواری فضیلت کرد و به مبارزه با افکار مغالطه‌آمیز سوفیسـت‌هـا پرداخت.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: جامعهٔ آتن در عصر سقراط تحت تأثیر اندیشه‌ها و سخنوری‌های سوفیست‌ها قرار داشت، نه تفکر سقراطی.

گزینهٔ «۳»: سقراط در طول حیات خود هیچ کتاب یا اثـری ننوشـت؛ بلکـه زندگی او سراسر با فلسفه‌ورزی گذشـت و شـناخت مـا از تفکـرات و حیـات فلسفی وی، از طریق آثار شاگردش، افلاطون حاصل شده است.

گزینهٔ «۴»: سقراط در انتخاب مخاطب مرزبندی طبقاتی نداشت و بـا همـه اقشار، از توانگران تا تهی‌دستان، گفت‌وگو می‌کرد.

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی براساس اندیشه، صفحه‌های ۳۷ و ۳۸)

۱۷۲- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

سقراط هیچ کتابی ننوشت، اما سراسـر حیـاتش را بـا فلسـفه سـپری کـرد. زندگی وی حکایت واقعی فلسفه است. مـا از مطالعـه و تأمـل در زنـدگی او می‌توانیم دفتر اندیشه‌های فلسفی‌اش را ورق بزنیم و به نقش حقیقی فلسفه در زندگی انسان، بیشتر پی ببریم.

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی براساس اندیشه، صفحهٔ ۳۷)

۱۷۳- گزینهٔ «۳» *(حمید سوریان)*

سقراط از مردم می‌خواهد جسم و مال را بر کمال نفس تـرجیح ندهنـد؛ امـا این به معنای بی‌ارزش دانستن یا نفـی ثـروت نیسـت. او تصـریح مـی‌کنـد: «ثروت فضیلت نمی‌آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هرچه برای فـرد و جامعه سودمند است به دست می‌آید.» بنابراین، از نظر سقراط ثروت نه‌تنهـا مانع کمال نیست، بلکه می‌تواند در زمرهٔ ثمـرات و نتـایج سـودمند فضـیلت باشد؛ در نتیجه، توصیه به اولویت دادن بـه کمـال نفـس کـاملاً بـا پـذیرش سودمندی ثروت برای فرد و جامعـه سـازگاری دارد و میـان آن‌هـا تناقضـی وجود ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: این گزینه نادرست اسـت، زیـرا سـقراط معتقـد اسـت فضـیلت می‌تواند ثروت بیاورد، اما عکس آن صادق نیست و او ادعا نکرده که هر فـرد ثروتمندی حتماً انسان بافضیلتی است یا ثروت صـرفاً از مسـیر فضـیلت بـه دست می‌آید.

گزینهٔ «۲»: سقراط اگرچه رسالت خود را الهی می‌دانست، امـا هرگـز دایـرهٔ پرسشگری را به امور ماورایی یا موضوعات صرفاً متعالی محدود نکرد؛ بلکه او به مردم می‌آموخت هر مفهومی در زندگی روزمره (نظیر عدالت، شـجاعت و دوستی) را مورد پرسش و بازاندیشی قرار دهند.

گزینهٔ «۴»: فراگیر بودن مخاطبان سقراط (گفت‌وگو با غنی و فقیر) بـه ایـن معناست که برخورداری مالی یا جایگاه طبقاتی، شرط بهره‌مندی از گفت‌وگو نیست؛ این موضوع هیچ ارتباطی به بی‌تأثیر بودن سطح دانایی افراد در نیـاز به اصلاح نفس ندارد، چراکه اتفاقاً از نظر سقراط ریشهٔ همهٔ خطاها و نیاز بـه بیداری، ناشی از ناآگاهی و به‌ویژه جهل مرکب انسان‌هاست.

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی براساس اندیشه، صفحهٔ ۳۸)

۱۷۴- گزینهٔ «۲» *(موسی سپاهی - سراوان)*

روش سقراطی ماهیتی اکتشافی (مامایی) دارد؛ سقراط حقیقت را مسـتقیماً به فرد نمی‌گفت، بلکه با پرسیدن از دل پاسخ‌های خودِ مخاطب، او را هدایت می‌کرد تا خودش به کاستی‌های کلامش پی ببرد و حقیقت را کشف کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: سقراط هیچ‌گاه پاسخ یا تعریف نهایی را مسـتقیماً بـه مخاطـب ارائه نمی‌داد.

گزینهٔ «۳»: سقراط گفت‌وگو را بر اساس باوری از پـیش تعیـین‌شـده بـرای تحمیل به مخاطب پیش نمی‌برد.

گزینهٔ «۴»: این دیدگاه نسبی‌گرایان و سوفیست‌هاست؛ سقراط معتقـد بـود فضایل تعاریف ثابت و قطعی دارند.

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی براساس اندیشه، صفحه‌های ۳۷ و ۳۸)

۱۷۵- گزینهٔ «۳» *(علی معزی)*

سقراط مقصود اصلی خود را از گشت‌وگذار در شهر چنین بیان می‌کنـد: «از گشت‌وگذار در شهر جز این مقصودی ندارم که شما جوانان و بزرگسـالان را متقاعد سازم که نباید جسم و مال را بر کمال نفس ترجیح دهید و بـه شـما یادآوری کنم که ثروت، فضیلت نمی‌آورد بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می‌آید.» بنابراین آشکار شدن جهل مدعیان و قدرتمندان، نتیجه و پیامد گفت‌وگوهای او بود، نـه هـدف و انگیزهٔ اصلی او از حضور در میان مردم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: از دیدگاه سقراط، فضیلت پایه و منشأ تمام امور سودمند و حتی ثروت است و انسان باید کمال نفس را بر مال و جسم مقدم بدارد.

گزینهٔ «۲»: طبق توصیف سیسرون، سقراط فلسفه را از آسمان به زمین آورد و با به چالش کشیدن باورها و عادات رایج آتنیان، مباحث فلسفی را به مـتن زندگی، اخلاق و تشخیص خیر و شر وارد ساخت.

گزینهٔ «۴»: سقراط در روش آموزشی خود، هرگـز حقیقـت را مسـتقیماً بـه مخاطب تزریق نمی‌کرد؛ بلکه با پرسشگری پی‌درپی شرایطی فراهم می‌کـرد تا فرد خودش به اشتباهاتش پی برده و حقیقت را درون خود کشف و بیـان کند.

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی براساس اندیشه، صفحه‌های ۳۷ تا ۴۲)

۱۷۶- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنکور سراسری ۱۴۰۳ نوبت دوم تیرماه)*

اتهام ملتوس به سقراط این بود که او خدایان باستانی آتن را نفی می‌کند و از خدایی جدید سخن می‌گوید و با این کار جوانان آتن را می‌فریبد و آنان را از دین پدرانشان برمی‌گرداند. در مقابل سقراط با اثبات این که او منکر خدا نیست و این‌که او خدا را انکار کرده باشد یک افترا است، ثابت کرد که ملتوس دربارهٔ چیزی که به سقراط نسبت می‌دهد اطلاعی ندارد.

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی براساس اندیشه، صفحه‌های ۳۷ تا ۴۲)

۱۷۷- گزینهٔ «۲» *(محمد قربانی)*

بخش اول (راز پیام معبد دلفی):

خودِ پیام معبد: «سقراط داناترینِ مردم است» (رد گزینه‌های ۱ و ۴).

راز یا تفسیر پیام: «داناترین آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که نمی‌داند» (تأیید گزینهٔ ۲).

بخش دوم (افتراهای کهن):

افتراهای کهن (گذشته): ۱. داشتن رفتاری خلاف دین آتنیان ۲. جست‌وجوی اسرار زمین و آسمان ۳. حق جلوه دادن باطل و آموزش آن (تأیید گزینهٔ ۲).

اتهامات جدید (علت بازداشت): ۱. فاسد / گمراه کردن جوانان ۲. بی‌ایمانی به خدایان آتن. (رد گزینهٔ ۳)

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی براساس اندیشه، صفحه‌های ۳۹ و ۴۰)

۱۷۸- گزینهٔ «۱» *(محمد قربانی)*

سقراط در دادگاه برای رد اتهام بی‌ایمانی از «برهان انّی» (حرکت از معلول به علت یا پی بردن از اثر و صفت به صاحب اثر) استفاده کرد؛ او استدلال کرد همان‌طور که پذیرش صفات مافوق بشری (معلول/ اثر) بدون پذیرش وجود خودِ خدا (علت / مبدأ) ناممکن است، پس باور او به این امور نشان‌دهندهٔ باور او به خداست. در گزینهٔ «۱» نیز فرد با شنیدن صدای غیرعادی (معلول و اثر) به وجود نقص فنی در موتور (علت) پی می‌برد که دقیقاً سیر استدلال از معلول به علت (برهان انّی) است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: در این گزینه با دیدن گرم شدن هوا (علت)، ذوب شدن برف‌ها (معلول) پیش‌بینی می‌شود؛ این روش سیر از علت به معلول بوده و «برهان لِمّی» نام دارد.

گزینهٔ «۳»: ضعیف شدن باتری «علت» و کم‌نور شدن چراغ «معلول» آن است؛ بنابراین پی بردن به نتیجه بر اساس علت، برهان لِمّی است نه انّی.

گزینهٔ «۴»: قطع برق یخچال «علت» و خراب شدن مواد غذایی «معلول» است؛ در اینجا نیز استدلال بر پایهٔ حرکت از علت به سمت معلول (برهان لِمّی) شکل گرفته است.

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی براساس اندیشه، صفحه‌های ۴۰ و ۴۱)

۱۷۹- گزینهٔ «۱» *(پرگل رحیمی)*

سقراط مرگ را پدیده‌ای ناشناخته می‌داند که لزوماً شر نیست و تنها به حیات جسم پایان می‌دهد، اما انجام بدی را مایهٔ فساد و تباهی روح می‌شمارد؛ بنابراین از نظر او گریز از بدی دشوارتر، ضروری‌تر و مهم‌تر از فرار از مرگ است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: سقراط دقیقاً عکس این مطلب را بیان می‌کند و معتقد است بدی سریع‌تر از مرگ می‌دود و دوری از آن بسیار سخت‌تر از فرار از مرگ جسمانی است.

گزینهٔ «۳»: سقراط هیچ‌گاه برای نجات جان خود از رسالت اخلاقی و فرمان الهی عدول نکرد و تن دادن به مرگ را بر فرار مذموم ترجیح داد.

گزینهٔ «۴»: از دیدگاه سقراط مرگ لزوماً شر نیست و به حقیقت انسان، روح لطمه‌ای نمی‌زند، در حالی که بدی شرّ واقعی است و مستقیماً روح را تباه می‌کند.

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی براساس اندیشه، صفحهٔ ۴۱)

۱۸۰- گزینهٔ «۴» *(محمد قربانی)*

سقراط در پایان دفاعیات خود، هنگامی که حکم مرگ او صادر شد، خطاب به آتنیان گفت: «اکنون وقت رفتن فرا رسیده است؛ من به سوی مرگ می‌روم و شما به سوی زندگی. نصیب کدام‌یک از ما بهتر است؟ جز خدا کسی نمی‌داند.» این سخن به‌روشنی نشان می‌دهد که از نظر او، داوری قطعی دربارهٔ اینکه مرگ برای انسان بهتر است یا ادامهٔ زندگی در این جهان، فراتر از علم محدود بشر بوده و دانای حقیقی آن تنها خداوند است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: سقراط از مردم نخواست که توجه به جسم و ثروت را به‌کلی کنار بگذارند یا آن را بی‌ارزش بشمارند؛ بلکه توصیهٔ او این بود که نباید جسم و مال را «بر کمال نفس ترجیح داد»، زیرا از نظر او ثروت فی‌نفسه بد نیست و اگر از مسیر فضیلت به دست آید، سودمند خواهد بود.

گزینهٔ «۲»: استدلال سقراط در برابر ملتوس برعکس این عبارت است؛ او با استفاده از «برهان انّی»، از باور به معلول‌ها و آثار (صفات مافوق بشری) به اثبات و باورمندی به علت (خداوند) رسید، نه این‌که اثبات علت را پیش‌نیاز باور به آثار قرار دهد.

گزینهٔ «۳»: دشمنی بزرگان و سوفسطائیان با سقراط به دلیل این بود که او در گفت‌وگوها نادانی و جهل مرکب آن‌ها را آشکار می‌کرد، نه اینکه به دانایی سقراط دربارهٔ جهان و مرگ حسادت کنند؛ به‌ویژه آنکه سقراط همواره بر نادانی خود تأکید داشت و ادعای دانایی در این امور نمی‌کرد.

(فلسفهٔ یازدهم، زندگی براساس اندیشه، صفحه‌های ۳۸ تا ۴۲)

تلاشی در مسیر موفقیت

اقتصاد

۱۸۱- گزینهٔ «۱» *(محمدحسین متولی)*

در بازار هر محصول، گاه تعداد فروشندگان و خریداران به قدری زیاد است که حضور و رفتار هر یک از عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان به نسبت کل بازار بسیار کوچک خواهد بود و در عمل، هیچ‌یک از طرفین به تنهایی در شکل‌گیری قیمت تأثیرگذار و به عبارت دیگر «قیمت‌گذار» نیستند. در این صورت بازار را به اصطلاح «بازار رقابتی» می‌نامند.

(اقتصاد، بازار چیست و چگونه عمل می‌کند؟، صفحه‌های ۵۱ و ۵۲)

۱۸۲- گزینهٔ «۴» *(احسان عالی‌نژاد)*

بررسی عبارات صورت سؤال:

الف) نادرست: در بازار محصولات، جریان پول از سمت خانوار به‌سوی بنگاه‌های اقتصادی است.

ب) نادرست: در بازار عوامل تولید، جریان پول از سمت بنگاه‌های اقتصادی به سوی خانوار است.

ج) نادرست: خانوارها صاحبان عوامل تولید هستند.

د) نادرست: خانوارها، نیروی انسانی، سرمایه و زمین را از طریق بازار عوامل تولید در اختیار بنگاه‌ها قرار می‌دهند.

هـ) نادرست: در بازار عوامل تولید، عوامل تولید عرضه می‌شوند.

و) درست است.

(اقتصاد، بازار چیست و چگونه عمل می‌کند؟، صفحه‌های ۴۶ و ۴۷)

۱۸۳- گزینهٔ «۱» *(مهدی ضیائی)*

ـ آبمیوه و نوشابه را می‌توان کالاهای جانشین در نظر گرفت؛ بنابراین افزایش قیمت آبمیوه باعث افزایش تقاضا برای نوشابه می‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: بنزین و خودرو کالاهای مکمل‌اند؛ بنابراین افزایش قیمت بنزین، تقاضا برای خودرو را کاهش می‌دهد.

گزینهٔ «۳»: با کاهش قیمت نوشابه، تقاضای نوشابه افزایش می‌یابد و به دلیل جانشین بودن، تقاضای آبمیوه کاهش می‌یابد.

گزینهٔ «۴»: موبایل و هدفون بی‌سیم کالاهای مکمل‌اند؛ بنابراین با کاهش قیمت موبایل، تقاضا برای هدفون بی‌سیم افزایش می‌یابد.

نکته:

در کالاهای جانشین، افزایش قیمت یک کالا ← افزایش تقاضای کالای دیگر

در کالاهای مکمل، افزایش قیمت یک کالا ← کاهش تقاضای کالای دیگر

(اقتصاد، بازار چیست و چگونه عمل می‌کند؟، صفحهٔ ۴۹)

۱۸۴- گزینهٔ «۲» *(مهدی ضیائی)*

گزارهٔ اول: تقاضای کالای معمولی با درآمد رابطهٔ مثبت دارد؛ بنابراین با افزایش درآمد، تقاضا برای کالای معمولی مانند برنج مرغوب افزایش می‌یابد.

گزارهٔ دوم: ابداعات و اختراعاتی که هزینه‌های تولید را کاهش می‌دهند، معمولاً اثر مثبتی بر تولید و عرضه دارند؛ بنابراین کاهش هزینه‌های تولید محصول بر اثر اختراع دستگاه جدید، موجب افزایش عرضهٔ آن محصول می‌شود.

(اقتصاد، بازار چیست و چگونه عمل می‌کند؟، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۰)

۱۸۵- گزینهٔ «۴» *(سارا شریفی)*

الف) در سطوح قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی، (نقاط **C** و **F**) مصرف‌کنندگان به‌دلیل ارزان بودن کالا، مایل به خرید تعداد واحد بیش‌تری از کالا هستند. درحالی‌که تولیدکنندگان برای تولید آن کالا به آن مقدار، انگیزهٔ کافی ندارند؛ درنتیجه تولید و عرضهٔ آن کم می‌شود. در این حالت در بازار این کالا، کمبود عرضه یا مازاد تقاضا وجود دارد.

در سطوح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی، (نقاط **A** و **B**) به‌دلیل قیمت بالا و گران بودن کالا، تولیدکنندگان که به دنبال کسب سود بیشتری هستند، به تولید بیشتر می‌پردازند درحالی‌که مصرف‌کنندگان به خرید و مصرف این کالای گران تمایل نشان نمی‌دهند و مایل به خرید تعداد واحد کم‌تری از کالا هستند. در این حالت در بازار این کالا، مازاد عرضه یا کمبود تقاضا وجود دارد.

ب) نقطهٔ **E** بهترین شرایط بازار را نشان می‌دهد چرا که در این سطح از قیمت مقدار تقاضاشده توسط مصرف‌کنندگان و مقدار عرضه‌شده توسط تولیدکنندگان با هم برابر می‌شود و دیگر نه مازاد و یا کمبود عرضه و تقاضا نداریم.

ج) در سطح قیمت ۱۲۰۰۰ تومان مقدار عرضه‌شده با مقدار تقاضاشده با هم برابر است؛ در نتیجه حداکثر درآمد تولیدکنندگان برابر خواهد بود با:

حداکثر درآمد تولیدکنندگان در سطح قیمت **۱۲۰۰۰** تومان

$= ۱۲,۰۰۰ \times ۱۰ = ۱۲۰,۰۰۰$ تومان

در سطح قیمت ۶۰۰۰ تومان مقدار تقاضا شده برای کالا برابر با ۱۸ واحد است ولی در این سطح از قیمت تولیدکنندگان تنها ۳ واحد از کالا را تولید می‌کنند؛ در نتیجه حداکثر درآمد تولیدکنندگان برابر خواهد بود با پول حاصل از فروش همان ۳ واحد از کالا که تولید شده است، در نتیجه خواهیم داشت:

حداکثر درآمد تولیدکنندگان در سطح قیمت **۶۰۰۰** تومان

$= ۶,۰۰۰ \times ۳ = ۱۸,۰۰۰$

(اقتصاد، بازار چیست و چگونه عمل می‌کند؟، صفحهٔ ۵۱)

ترنج بوک
تلاشی در مسیر موفقیت

۱۸۶- گزینهٔ «۱» *(کنکور سراسری ۱۴۰۵)*

طبق متن کتاب درسی، «گرفتن مجوز»، گام اول و شرط اصلی برای آغاز نظارت دولت بر فعالیت‌های اقتصادی است. در مورد شرکت داروسازی که کیفیت محصولات آن با سلامت مردم گره خورده است، دولت نمی‌تواند بدون داشتن مجوز، بر کارخانه نظارت کند. بنابراین، «مجوز» پیش‌نیاز ورود به دایرهٔ نظارت دولت و اعمال سایر مقررات است.

(اقتصاد، نقش دولت در اقتصاد چیست؟، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

۱۸۷- گزینهٔ «۴» *(سارا شریفی)*

الف) در کشورهایی که سازوکار مالیات بر ارزش افزوده برقرار است، کسب‌وکارها، منبع مالیات را از فروش خودشان جمع‌آوری کرده و آن را از طریق خرید از دیگر کسب‌وکارها، پرداخت می‌کنند.

ب) حقوق و عوارض گمرکی در واقع مالیات هر کشور در صادرات و واردات کالاهای مختلف است، که با نام «تعرفه‌های گمرکی» نیز شناخته می‌شود. این دسته از مالیات‌ها ممکن است براساس قیمت و ارزش کالاها یا براساس ویژگی‌ها و مشخصات آن‌ها (مانند حجم، وزن و ...) تعیین و دریافت شوند.

ج) «مالیات بر مصرف» نهایتاً به‌وسیلهٔ مصرف‌کنندهٔ نهایی پرداخت می‌شود.

د) اساس و مبنای «مالیات بر دارایی» ثروت مؤدی است.

(اقتصاد، نقش دولت در اقتصاد چیست؟، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۳)

۱۸۸- گزینهٔ «۲» *(کتاب تاک- کنکور سراسری ۱۴۰۲ نوبت دوم تیرماه)*

دولت سالیانه بخشی از درآمد مورد نیاز خود را از طریق ایجاد بدهی (یعنی قرض گرفتن از مردم یا شریک کردن آن‌ها در طرح‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های دولت و تقسیم سود بین آن‌ها) تأمین می‌کند. (این درآمد نیز تا ابد نمی‌تواند پایدار باشد.)

(اقتصاد، نقش دولت در اقتصاد چیست؟، صفحه‌های ۶۰، ۶۴ و ۶۵)

۱۸۹- گزینهٔ «۱» *(کنکور سراسری ۱۴۰۵)*

الف)

مهم‌ترین نوع مالیات = مالیات بر درآمد اشخاص یا همان مالیات بر درآمد است، در نتیجه خواهیم داشت:

مالیات بر درآمد = مالیات بر ارث $\times \frac{۶}{۲}$ = $\frac{۶}{۲} \times ۱۵۰ = ۴۵۰$ میلیارد تومان

ب)

مالیات بر مصرف (VAT) = مالیات بر ارزش‌افزوده $\times \frac{۳}{۴}$

$= \frac{۳}{۴} \times (۴۵۰ + ۷۰) = ۳۹۰$ میلیارد تومان

(اقتصاد، نقش دولت در اقتصاد چیست؟، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۳)

۱۹۰- گزینهٔ «۱» *(مهدی کاردان)*

واحد پولی = مالیات بر ارزش‌افزودهٔ جمع‌آوری‌شده توسط فروشنده در مرحلهٔ دوم

= قیمت کالا در مرحلهٔ دوم $\times$ نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده

$= ۴۴۰,۰۰۰ \times \frac{۱۰}{۱۰۰} = ۴۴,۰۰۰$

واحد پولی = مالیات بر ارزش‌افزودهٔ خالص جمع‌آوری‌شده در مرحلهٔ سوم

= مالیات بر ارزش‌افزودهٔ جمع‌آوری‌شده توسط فروشنده در مرحلهٔ سوم

− مالیات بر ارزش‌افزودهٔ جمع‌آوری‌شده توسط فروشنده در مرحلهٔ دوم

$= (۵۴۸,۰۰۰ \times \frac{۱۰}{۱۰۰}) - (۴۴۰,۰۰۰ \times \frac{۱۰}{۱۰۰}) = ۱۰,۸۰۰$

(اقتصاد، نقش دولت در اقتصاد چیست؟، صفحهٔ ۶۳)

نلاشی در مسیر موفقیت

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

پاسخنامه

دوازدهم علوم و معارف اسلامی

۲۹ آبان‌ماه ۱۴۰۵

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ – بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

۰۲۱-۶۴۶۳

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

عربی زبان قرآن (۳) و (۱)

۱۹۱- گزینهٔ «۴» *(روح‌الله گلشن)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «المؤمنونَ» مرفوع شده پس فاعل است، نه مفعول. ترجمهٔ صحیح: مؤمنان، گروه‌ها را دیدند...

گزینهٔ «۲»: «اِستغفِروا: آمرزش بخواهید» فعل امر است، نه ماضی.

گزینهٔ «۳»: «یُعرَفُ: شناخته می‌شوند» مجهول است، نه معلوم.

(ترجمه)

۱۹۲- گزینهٔ «۲» *(محمدرضا سوری - نهاوند)*

«جادِلهم» (فعل امر): با ایشان بحث کن (گفت‌وگو کن) (رد گزینهٔ ۴) / «بالّتی»: به روشی (شیوه‌ای) که (رد گزینهٔ ۱) / «أحسَن» (اسم تفضیل): بهتر، نیکوتر (رد گزینهٔ ۱) / «ربّک»: پروردگارت / «أعلَمُ»: داناتر (رد گزینهٔ ۱) / «ضَلَّ»: گم شده است (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «عن سبیلِه»: از راهش (رد گزینهٔ ۳)

(ترجمه)

۱۹۳- گزینهٔ «۱» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

«رُبّ»: چه بسا، شاید/ «للإعمار»: برای آبادانی/ «تتحوّل»: تبدیل می‌شود (رد گزینهٔ ۴) / «وسیلة للقتل و التخریب»: ابزاری برای کشتار و ویرانی (رد گزینهٔ ۴) / «کَالعلم الّذی»: همانند دانشی که/ «جاء»: آمد (رد گزینهٔ ۳) / «أصبحَ»: شد (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «سلاحاً»: سلاحی/ «یُهدّد»: تهدید می‌کند (رد گزینهٔ ۲)

همچنین در گزینهٔ «۳»، «برای سازندگی است» (ترجمه به شکل یک جملهٔ کامل) نادرست است. (رد گزینهٔ ۳)

(ترجمه)

۱۹۴- گزینهٔ «۴» *(ولی برجی - ابهر)*

«اِقترَح الخبراء للفلّاحین»: کارشناسان به کشاورزان پیشنهاد دادند (رد گزینهٔ ۱) / «لکی یُحوِّلوا»: تا تبدیل کنند (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «سهولٍ» (جمع «سَهل»): دشت‌هایی (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «صالحة للزّراعة»: قابل کشت

(ترجمه)

۱۹۵- گزینهٔ «۲» *(حمیدرضا قائدامینی - اصفهان)*

«نَزعم» (فعل مضارع): گمان می‌کنیم (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «إطعام المساکین»: خوراک دادن به درماندگان، غذا دادن به بینوایان (رد گزینه‌های ۱ و ۳)/ «ممّا نجتنبُ»: از آنچه که پرهیز می‌کنیم (رد سایر گزینه‌ها)/ «أکله»: خوردنش (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «یَحزنهم»: آن‌ها را اندوهگین می‌کند (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «مِن أفضل الأطعمة»: از بهترین غذاها (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «کَی نُرضی»: تا خشنود کنیم (رد گزینهٔ ۴) / «مَن یُحبّ الحسنات»: کسی که نیکی‌ها را دوست دارد (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

۱۹۶- گزینهٔ «۲» *(مشابه کتاب آبی پیمانه‌ای)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «أبوابَ المَصنَعِ الکبیرة»: درهای بزرگ کارگاه

گزینهٔ «۳»: «شهدت»: (فعل ماضی) شاهد بوده است

گزینهٔ «۴»: «سَیُکتَبُ»: (فعل مجهول مستقبل (آینده)) نوشته خواهد شد

(ترجمه)

۱۹۷- گزینهٔ «۴» *(امیرحسین شکوری)*

در گزینهٔ «۴»، عبارت اول (خداوند به چیزی برتر از ادای حق مؤمن عبادت نشده است!) و عبارت مقابل آن (نزد خدا، هیچ عبادتی برتر از این نیست که حقوق مؤمنان را به آن‌ها بدهیم!) هم‌مفهوم هستند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: جملهٔ اول می‌گوید عدالت مهم‌ترین عامل آبادانی کشورهاست، اما عبارت مقابل، عدالت را نتیجهٔ پیشرفت و پدیده‌ای می‌داند که پس از آبادانی پدیدار می‌شود؛ در واقع علت و معلول در این‌جا برعکس بیان شده و این گزینه نادرست است.

گزینهٔ «۲»: آیه می‌فرماید «پاداش نیکی جز نیکی نیست»، یعنی نیکی را باید با نیکی جواب داد، اما عبارت مقابل آن از پاسخ به بدی با نیکی سخن می‌گوید که مفهومی متفاوت است و از این آیه برداشت نمی‌شود.

گزینهٔ «۳»: جملهٔ نخست می‌گوید روزگار دو روز است، روزی به سود تو و روزی به زیان تو، یعنی وضعیت انسان ثابت نمی‌ماند، پس نه در نعمت باید مغرور شد و نه در سختی ناامید؛ اما در مقابل آن، فقط به سختی پس از نعمت اشاره شده است و با ذکر قید «حتماً» به بدبینی مطلق رسیده که نادرست است.

(مفهوم)

۱۹۸- گزینهٔ «۲» *(عمار تاجبخش)*

ترجمهٔ آیه: «با دهان‌هایشان چیزی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خداوند به آنچه پنهان می‌کنند، داناتر است.»

مفهوم آیه به دورویی و ریا اشاره دارد که نزدیک‌ترین بیت به این مفهوم، همان بیت گزینهٔ «۲» است.

(مفهوم)

۱۹۹- گزینهٔ «۳» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

مفهوم عبارت صورت سؤال (هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست!) در گزینهٔ «۳» آمده است: «همانا سلامتی انسان از آسیب‌ها و بیماری‌ها در جسم و دینش، بزرگ‌ترین زینت باطنی و ظاهری است که برتر از هر لباس گران‌بهایی است!»؛ هر دو عبارت بر اهمیت و ارزش سلامتی تأکید دارند و آن را در قیاس با لباس زیبا، برتر و مهم‌تر می‌دانند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: هر کس می‌خواهد به ظاهری زیبا در میان مردم دست یابد، باید به ساده‌پوشی روی آورد؛ چرا که قناعت به آنچه دارد، به او تندرستی کامل می‌بخشد! (نادرست)

نرنج بوک
تکشن در مسیر موفقیت

گزینهٔ «۲»: آراستگی به جامه‌های پاکیزه از نظر شرعی مطلوب است، اما برای انسان جایز نیست که زیبایی جامه را مایهٔ غفلت خود از تندرستی بدنش قرار دهد! (نادرست)

گزینهٔ «۴»: جامهٔ زیبا از رخ‌دادن بیماری در بدن جلوگیری نمی‌کند؛ بنابراین بر آدمی واجب است که به پوشاک خود اهتمام نورزد، بلکه به فراهم‌آوردن اسباب درمان بپردازد! (نادرست)

(مفهوم۴)

۲۰۰- گزینهٔ «۳» *(مصطفی قدیمی‌فرد)*

ترجمهٔ حدیث صورت سؤال: خردمندترین مردم، تیزبین‌ترین ایشان در فرجام (کارها) است!

مفهوم حدیث: عاقبت‌اندیشی و دوراندیشی و تفکّر قبل از اقدام به انجام کار

تشریح گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: به ارزش وجودی انسان و خدمت به خلق اشاره دارد. (ارتباطی به عاقبت‌نگری ندارد ← نادرست)

گزینهٔ «۲»: دربارهٔ فضیلت صبر در مواجهه با مشکلات است. (ارتباطی به عاقبت‌نگری ندارد ← نادرست)

گزینهٔ «۳»: در این عبارت، اندیشیدن به سرانجام کار پیش از شروع آن مورد توجه است که به مفهوم حدیث صورت سؤال اشاره دارد. (درست)

گزینهٔ «۴»: دربارهٔ حفظ زبان و عواقب اجتماعی گفتار است، نه آینده‌نگری. (نادرست)

(مفهوم۴)

ترجمهٔ متن درک مطلب:

«حشرهٔ موریانه (مورچهٔ سفید) تپه‌هایی شنی می‌سازد که ممکن است ارتفاعشان در مناطق گرم و خشک به چندین متر برسد؛ و شگفتی در این سازه‌ها فقط اندازهٔ بزرگشان نیست، بلکه سیستم تهویه‌ای است که بدون هیچ‌گونه انرژی خارجی کار می‌کند؛ به‌طوری‌که موریانه کانال‌هایی عمودی در مرکز تپه حفر می‌کند که به هوای گرم اجازهٔ بالا رفتن و خارج شدن از روزنه‌های ریزی در نوک تپه را می‌دهد، در حالی که هوای خنک از روزنه‌هایی نزدیک به سطح زمین وارد می‌شود تا جایگزین آن گردد. این جریان پیوسته، دمایی ثابت و رطوبتی مناسب را برای پرورش نوزادانش و پرورش نوعی از قارچ‌ها که از آن‌ها تغذیه می‌کند، حفظ می‌نماید.

این طراحی بی‌نظیر، به مهندسان معماری نوین برای ساخت مجتمع‌های مسکونی که از تهویهٔ طبیعی بهره می‌برند، الهام بخشیده است؛ امری که به کاهش مصرف برق برای سرمایش، به میزانی بیش از سی درصد در برخی از ساختمان‌ها انجامید، بدون آنکه نیازی به دستگاه‌های خنک‌کنندهٔ سنّتی باشد!»

۲۰۱- گزینهٔ «۲» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

«تپه‌های موریانه در سیستم سرمایشی خود بر استفاده از انرژی خارجی که به حرکت هوا کمک کند، تکیه دارند!» مطابق متن نادرست است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: دانشمندان معماری از مهندسی تپه‌های موریانه برای طراحی ساختمان‌هایی بهره بردند که بر تهویهٔ طبیعی متّکی هستند! (درست)

گزینهٔ «۳»: موریانه برای پرورش نوزادان خود و پرورش قارچ‌های خوراکی، به گرمای ثابت و رطوبت نیاز دارد! (درست)

گزینهٔ «۴»: اندازهٔ بزرگ سازه‌هایی که حشرهٔ موریانه می‌سازد، در نوع خود، موضوع عجیبی به شمار می‌رود! (درست)

(درک‌مطلب)

۲۰۲- گزینهٔ «۴» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

چرا هوای سرد از روزنه‌ها در تپه‌های موریانه وارد می‌شود؟

عبارت گزینهٔ «۴»: (تا جایگزین هوای گرمی شود که بالا می‌رود و از سوراخ‌های نوک تپه خارج می‌گردد!) درست است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: چون نوزادان موریانه همواره در نزدیکی روزنه‌های تپه زندگی می‌کنند! (نادرست)

گزینهٔ «۲»: برای جلوگیری از خروج هوای گرم به بیرون از تپهٔ ماسه‌ای! (نادرست)

گزینهٔ «۳»: برای خشک کردن قارچ‌هایی که در صورت افزایش رطوبت در مرکز، می‌میرند! (نادرست)

(درک مطلب)

۲۰۳- گزینهٔ «۴» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

مناسب‌ترین عنوان برای متن:

معماری تپه‌های موریانه و کاربرد معماریِ الهام‌گرفته از آن!

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: تأثیر قارچ‌های مدفون بر تهویهٔ صحرایی!

گزینهٔ «۲»: تاریخچهٔ اختراع دستگاه‌های تهویهٔ مطبوع در عصر جدید!

گزینهٔ «۳»: روش‌های نابودی موریانه در مناطق خشک!

(درک مطلب)

۲۰۴- گزینهٔ «۱» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: «مجرور، الکسرة» نادرست است؛ «قنوات» مفعول و منصوب است، پس «عمودیّة» هم به تبعیّت از موصوف، منصوب با علامت فتحه است.

گزینهٔ «۳»: «مجهول، نائب فاعل» نادرست است؛ «یُحافظ» (حفظ می‌کند) فعل مضارع معلوم است و فاعل دارد، نه نائب فاعل!

گزینهٔ «۴»: «تفعیل» نادرست است؛ «تَتغذّی» بر وزن «تَتَفعَّل»، فعل مضارع از باب تفعّل است.

(تحلیل صرفی و اعراب)

۲۰۵- گزینهٔ «۴» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

«فاعله: «ثلاثین»» نادرست است. «تَتجاوز» فعل است و «ثلاثینَ» نقش مفعول آن را دارد.

روش حل سریع‌تر:

«ثلاثینَ» با توجه به علامت «ینَ»، منصوب است، پس نمی‌تواند فاعل باشد (فاعل‌ها اعراب مرفوع می‌گیرند!)، بنابراین از ابتدا مشخص بود گزینهٔ «۴» پاسخ سؤال است.

(تحلیل صرفی و اعراب)

۲۰۶- گزینهٔ «۳» *(ولی برجی - ابهر)*

در گزینهٔ «۳»، «قوانین» مفعول و منصوب با علامت فتحه است نه «یاء»، چون جمع مکسر کلمهٔ «قانون» است نه جمع مذکّر سالم!

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «مؤدّبینَ» صفت و منصوب با «یاء» است. «مؤدّبینَ» صفت برای «طلّاباً» است که مفعول و منصوب می‌باشد و صفت نیز در اعراب نصب از موصوف خود تبعیت کرده است، همچنین چون جمع مذکر سالم است، با علامت «یاء» منصوب شده است.

گزینهٔ «۲»: «قصیدتَینِ» مفعول و منصوب با «یاء» است، چون اعراب نصب اسم‌های مثنّی با علامت «یاء» ظاهر می‌شود.

گزینهٔ «۴»: «سائحین» جمع مذکر سالم است که در نقش مفعول آمده است، پس با علامت «یاء» منصوب شده است.

(انواع اعراب)

۲۰۷- گزینهٔ «۴» *(مرتضی کاظم شیرودی)*

فعل «تُصَدّرُ» اگر مجهول بود، باید در جنسیت با نائب فاعل مطابقت می‌کرد. «النّفط» مذکر است و فعل مجهول آن نیز باید به شکل «یُصَدَّرُ» می‌آمد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «تُشَاهدُ» می‌تواند فعل مجهول و «الحافلةُ» نائب فاعل آن باشد.

گزینهٔ «۲»: «یُعَرّفُ» می‌تواند فعل مجهول و «التلامیذُ» نائب فاعل آن باشد.

گزینهٔ «۳»: «تُنزلُ» می‌تواند فعل مجهول و «البضائعُ» نائب فاعل آن باشد.

(فعل معلوم و مجهول)

۲۰۸- گزینهٔ «۲» *(امیرعلی فردین- گنبدکاووس)*

«یَصعَدُ» با علامت فتحه شروع شده و قطعاً فعل معلوم است، بنابراین نائب فاعل ندارد. «النّفطُ» در این‌جا فاعل است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «تُوجَد»: فعل مجهول/ «أعمدة»: نائب فاعل

گزینهٔ «۳»: «یُصنَع»: فعل مجهول/ «المَطّاط»: نائب فاعل

گزینهٔ «۴»: «اُستخدمَت»: فعل مجهول/ «أدوات»: نائب فاعل

(فعل معلوم و مجهول)

۲۰۹- گزینهٔ «۱» *(کنکور سراسری ۹۲)*

فعل‌های معتل اجوف، در صیغه‌های بدون ضمیر بارز (صیغه‌هایی که به «نون» ختم نمی‌شوند.) در هنگام مجزوم شدن، حرف علّه‌شان حذف می‌شود

(سیر $\xleftarrow{\text{صحیح}}$ سِرْ).

(معتلات)

۲۱۰- گزینهٔ «۳» *(کنکور سراسری ۹۴)*

«سرَّ» و «أخَذَ» هر دو فعل صحیح هستند.

تشریح گزینه های دیگر:

گزینهٔ «۱»: «نَسِیَ» فعل معتلّ ناقص است.

گزینهٔ «۲»: «اِسعَ» (سَعَی) فعل معتلّ ناقص است.

گزینهٔ «۴»: «زادَ» فعل معتلّ اجوف است.

(معتلات)

تاریخ (۳)

۲۱۱- گزینهٔ «۱» *(فاطمه عزیزی)*

تشریح عبارت‌ها:

الف) خاطرات

ب) محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه

ج) خاطرات

د) روش تاریخ‌نگاری معاصر

هـ) روش تاریخ‌نگاری سنتی

و) گسترش کشفیات باستان‌شناسی در ایران

بنابراین تنها گزینهٔ صحیح، گزینهٔ «۱» است.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دورهٔ معاصر، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۷)

۲۱۲- گزینهٔ «۱» *(مهدی کاردان)*

سقوط اصفهان و فروپاشی حکومت صفویان، موجب آشفتگی امور و بروز هرج و مرج و آشوب‌های داخلی شد.

افغان‌ها به‌دلیل ناتوانی در تسلط بر تمام قلمرو صفوی و ناآشنایی با اصول کشورداری نتوانستند حاکمیت مقتدری تشکیل دهند.

نادر در جنگ با عثمانی پیروز شد و سرزمین‌های اشغال‌شدهٔ ایران را آزاد کرد؛ روس‌ها نیز پیش از برخورد نظامی خارج شدند.

اشتغال پیوستهٔ نادرشاه به جنگ، مالیات‌های اضافی و بدگمانی وی به نزدیکان، از علل زوال دوران او بود.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحه‌های ۴۳ تا ۴۶)

۲۱۳- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

الف) مردمِ اغلب بینوا و خشمگین پاریس با حمله به زندان باستیل، انقلاب خود را آغاز کردند (۱۷۸۹ میلادی).

ب) دولت انگلستان رسماً هند را جزئی از قلمرو خویش اعلام کرد (۱۸۵۷میلادی).

ج) جنگ آمریکا و انگلستان سرانجام با پیروزی مستعمره‌نشینان و استقلال آمریکا به پایان رسید (۱۷۸۳ میلادی).

د) جورج واشنگتن به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور کشور آمریکا انتخاب شد (۱۷۸۹ میلادی).

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحه‌های ۵۱، ۵۲ و ۵۴)

۲۱۴- گزینهٔ «۱» *(مهدی کاردان)*

ـ آقامحمدخان: هدف او ایجاد یکپارچگی سیاسی و بازگرداندن حاکمیت دولت مرکزی به سرتاسر قلمرو ایران بود.

ـ قائم‌مقام: برای کاستن از دخالت ناروای محمدشاه و درباریان در امور کشور، تلاش کرد.

ـ ناصرالدین‌شاه: شور و اشتیاق فراوانی به نوگرایی و اخذ تمدن اروپایی نشان می‌داد.

(تاریخ (۳)، سیاست و حکومت در عصر قاجار، صفحه‌های ۵۸ تا ۶۰)

۲۱۵- گزینهٔ «۲» *(محمدمهدی یعقوبی)*

ایران در معاهدهٔ ترکمانچای متعهد گردید که مبلغ ۵ میلیون تومان غرامت به دولت روسیه بپردازد و به اتباع آن کشور نیز حق مصونیت قضایی (کاپیتولاسیون) بدهد.

(تاریخ (۳)، سیاست و حکومت در عصر قاجار، صفحهٔ ۶۶)

جغرافیا (۳)

۲۱۶- گزینهٔ «۲» *(مهیا مالکی)*

مطالب درس نشان می‌دهد که شکل‌گیری و رشد سکونتگاه فقط به یک عامل وابسته نیست و ویژگی‌های محل استقرار، شرایط پیرامونی و عوامل انسانی در آن نقش دارند. با رشد جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی، نیاز و امکان ارائهٔ خدمات بیشتر و متنوع‌تر فراهم می‌شود و سکونتگاه می‌تواند در سلسله‌مراتب سکونتگاه‌ها، جایگاه بالاتری پیدا کند. از طرف دیگر، خدمات تخصصی‌تر معمولاً موجب جذب جمعیت از محدودهٔ وسیع‌تری می‌شوند و در نتیجه، حوزهٔ نفوذ گسترده‌تر می‌شود. در ادامه نیز توسعهٔ فعالیت‌های شهری، صنعتی و خدماتی و مهاجرت روستا به شهر می‌تواند به افزایش شهرنشینی و رشد شهرهای بزرگ منجر شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: یک عامل را بیش از حد پررنگ کرده است. رشد سکونتگاه فقط نتیجهٔ ویژگی‌های طبیعی محل نیست و عوامل انسانی، اقتصادی، ارتباطی و خدماتی نیز اهمیت دارند.

گزینهٔ «۲»: تنها گزینه‌ای است که مفاهیم مختلف درس را به‌صورت یکپارچه و بدون حذف رابطهٔ میان آن‌ها توضیح می‌دهد.

گزینهٔ «۳»: افزایش جمعیت به‌تنهایی جایگاه سکونتگاه را تعیین نمی‌کند؛ نوع، تعداد و تنوع خدمات و عملکرد سکونتگاه نیز اهمیت دارد. همچنین شهرنشینی فقط حاصل افزایش طبیعی جمعیت شهرها نیست.

گزینهٔ «۴»: حوزهٔ نفوذ صرفاً به فاصلهٔ جغرافیایی وابسته نیست؛ نوع خدمات، اهمیت عملکرد سکونتگاه، جمعیت و جایگاه آن در سلسله‌مراتب نیز مؤثرند و عوامل اقتصادی و مهاجرتی نیز در شهرنشینی نقش دارند.

(جغرافیا (۳)، شهر و روستاها، صفحه‌های ۷ و ۹)

۲۱۷- گزینهٔ «۱» *(یاسین ساعدی)*

بررسی عبارت‌ها:

الف (درست): در نتیجهٔ گسترش فوق‌العاده زیاد دو یا چند مادرشهر در امتداد مسیرهای ارتباطی و حمل و نقل، زنجیره‌ای از مادرشهرها یا کلان‌شهرها پدید آمده‌اند که به آن‌ها مگالاپلیس گفته می‌شود. در مگالاپلیس، حومه‌ها و شهرک‌های اقماری یک مادرشهر به حومه‌ها و شهرک‌های مادرشهر دیگر پیوند می‌خورد.

ب (درست): مگالاپلیس شمال شرق ایالات متحدهٔ آمریکا (از بوستن تا واشنگتن) و مگالاپلیس ژاپن (توکیو – یوکوهاما) نمونه‌هایی از اولین مگالاپلیس‌های جهان‌اند.

ج (نادرست): مهم‌ترین ویژگی‌های مگالاپلیس عبارت‌اند از: تمرکز و انبوهی جمعیت شهری، تمرکز مؤسسات مالی و پولی، تمرکز صنایع دانش‌بنیان و فراوانی آمد و شد بین مادرشهرهای هم‌جوار. اما عبارت «تمرکز و انبوهی جمعیت روستایی» ذکر شده؛ در حالی که ملاک، جمعیت شهری است.

د (نادرست): مگالاپلیس‌ها معمولاً در امتداد راه‌های ارتباطی، شکل خطی و کریدوری و برخی نیز شکل خوشه‌ای و کهکشانی پیدا کرده‌اند. برخی، مگالاپلیس را منطقهٔ ابرشهری نامیده‌اند.

بنابراین عبارت‌های «الف» و «ب» صحیح هستند و عبارت‌های «ج» و «د» نادرست هستند. در نتیجه گزینهٔ «۱» درست است.

(جغرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحهٔ ۱۴)

۲۱۸- گزینهٔ «۲» *(علیرضا پدرام)*

با ورود مهاجران ساده و فاقد تخصص و مهارت به شهرها، فرصت‌های شغلی رسمی متناسب با جمعیت کاهش می‌یابد، در نتیجه بخش غیررسمی اقتصاد شهری (دست‌فروشی، جمع‌آوری ضایعات و کارهای روزمزد) گسترش می‌یابد، یکی از پیامدهای این موضوع، پیدایش پدیدهٔ «کودکان کار» است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

دقت کنید در گزینهٔ «۴»، ترتیب علت و معلولیِ موارد نادرست است. در گزینه‌های «۱» و «۳» نیز موارد ارائه‌شده، عامل پدیدهٔ «کودکان کار» نیستند.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

۲۱۹- گزینهٔ «۲» *(فائزه رحیمی لهی)*

درآمد روستاییان عمدتاً به کشاورزی وابسته است (الف). گسترش انقلاب سبز و استفاده از ماشین‌آلات و فناوری در کشاورزی از روش‌های توسعهٔ اقتصادی روستاهاست. البته فناوری مربوط به انقلاب سبز، گران است و همهٔ کشاورزان توانایی تهیه آن را ندارند؛ ماشینی کردن کشاورزی در برخی نواحی روستایی، موجب گسترش بیکاری شده‌است (ب). تحقق روستای پایدار سه رکن دارد: فعال کردن اقتصاد روستا، خدمات اجتماعی و فرهنگی و حفظ محیط زیست روستا و چشم‌اندازهای طبیعی آن (ج).

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

۲۲۰- گزینهٔ «۲» *(علیرضا سالمی)*

ـ در ویژگی توجه به عدالت در توسعه از ویژگی‌های آمایش سرزمین، بین مناطق کشور از نظر دسترسی به منابع و امکانات تعادل برقرار می‌شود.

ـ شوراها برای جلب همکاری و مشارکت مردم در مدیریت شهرها و روستاها پدید آمده‌اند.

ـ سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور (وابسته به وزارت کشور) وظیفهٔ هماهنگی و پشتیبانی مالی، فنی و علمی از شهرداری‌ها و دهیاری‌ها را برعهده دارد و هم‌زمان بر اجرای طرح‌های عمرانی و خدمات شهری و روستایی نظارت می‌کند.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحه‌های ۳۵ و ۳۶)

تلاشی در مسیر موفقیت

تاریخ (۱)

۲۲۱- گزینهٔ «۴» *(میلاد هوشیار)*

در ماجرای نبرد با معاویه، امام حسن (ع) به حجربن عدی مأموریت داد که مردم و کارگزاران حضرت را برای نبرد آماده کند.

(تاریخ (۱)، صلح حسنی و حکومت اُموی، صفحهٔ ۱۰۱)

۲۲۲- گزینهٔ «۳» *(میلاد هوشیار)*

زیادبن اَبیه در نخستین اقدام خود، دست کسانی را که در مسجد بصره نسبت به حاکمیت او اعتراض کردند، قطع کرد.

(تاریخ (۱)، صلح حسنی و حکومت اُموی، صفحهٔ ۱۰۵)

۲۲۳- گزینهٔ «۳» *(میلاد هوشیار)*

در بُعد اجتماعی، امام علی (ع) بلافاصله پس از آغاز خلافت، نگاه نـژادی و طبقاتی به عرب و عجم را زیر پا نهاد و سهم عرب و غیرعرب از بیت‌المال را مساوی قرار داد که موجب اعتراض برخی از اشراف عـرب و حتـی نزدیکـان امام (ع) شد.

(تاریخ (۱)، خلافت امام علی (ع)، صفحهٔ ۹۲)

۲۲۴- گزینهٔ «۲» *(زهرا رامیار)*

ـ گزارهٔ «ج» (نادرست): خوابیدن در بستر تنها وظیفـه نبـود؛ وظیفـهٔ دیگـر حضرت علی (ع) به هنگام هجرت آن بود که امانـت‌هـای مـردم را کـه نـزد رسول خدا بود به آنان باز گرداند و خانوادهٔ آن حضرت را به مدینه ببرد.

ـ گزارهٔ «د» (نادرست): عقد برادری در دو نوبت انجام شد: «قبـل و پـس از هجرت» و در هر دو نوبت پیـامبر (ص) بـا حضـرت علـی (ع) عقـد بـرادری بستند.

(تاریخ (۱)، امام علی (ع) از تولد تا پذیرش خلافت، صفحه ۸۶)

۲۲۵- گزینهٔ «۳» *(زهرا رامیار)*

بررسی موارد نادرست:

گزارهٔ «ب»: امام شرط عمل به سیرهٔ خلیفهٔ اول و دوم را نپذیرفت و صرفاً بر اساس عمل به کتاب خدا و سنت نبوی، بیعت را قبول کرد.

گزارهٔ «ج»: بیعت مردم با آن حضرت، تنها نقش تأییدی داشت و مشروعیت خلافت آن حضرت، الهی بود. از این رو، اصل امامت و خلافـت آن حضـرت، ریشه در غدیر خم داشت، بیعت مردم با آن حضرت، تنها خلافت و حکومـت ظاهری را به دنبال داشت.

(تاریخ (۱)، امام علی (ع) از تولد تا پذیرش خلافت، صفحه ۸۹)

جغرافیای ایران

۲۲۶- گزینهٔ «۴» *(حامد صفرخانیان)*

راه‌حل اول:

الف) محاسبهٔ میزان مرگ‌ومیر:

$$\frac{\text{میزان مرگ‌ومیر} - \text{میزان موالید}}{\text{کل جمعیت}} \times ۱۰۰$$

$$\frac{۹۵۰,۰۰۰ - x}{۱۶,۰۰۰,۰۰۰} \times ۱۰۰ = ۵ \Rightarrow \frac{۱۰۰ \times (۹۵۰,۰۰۰ - x)}{۱۶,۰۰۰,۰۰۰} = ۵$$

$$۹۵,۰۰۰,۰۰۰ - ۱۰۰x = ۵ \times ۱۶,۰۰۰,۰۰۰ = ۸۰,۰۰۰,۰۰۰$$

$$-۱۰۰x = ۸۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۹۵,۰۰۰,۰۰۰ = -۱۵,۰۰۰,۰۰۰$$

$$x = \frac{-۱۵,۰۰۰,۰۰۰}{-۱۰۰} = ۱۵۰,۰۰۰$$

ب) میزان رشد مطلق جمعیت:

$$\frac{\text{مهاجرت} \pm (\text{میزان مرگ‌ومیر} - \text{میزان موالید})}{\text{کل جمعیت}} \times ۱۰۰$$

$$\frac{(۹۵۰,۰۰۰ - ۱۵۰,۰۰۰) + (۲۰,۰۰۰ - ۷۰,۰۰۰)}{۱۶,۰۰۰,۰۰۰} \times ۱۰۰$$

$$= \frac{۸۰۰,۰۰۰ - ۵۰,۰۰۰}{۱۶,۰۰۰,۰۰۰} \times ۱۰۰$$

$$\frac{۷۵۰,۰۰۰}{۱۶,۰۰۰,۰۰۰} \times ۱۰۰ = \frac{۷۵,۰۰۰,۰۰۰}{۱۶,۰۰۰,۰۰۰} = \frac{۷۵}{۱۶} \simeq ۴/۶$$

ج) میزان دو برابر شدن جمعیت:

$$\frac{۷۰}{\text{نرخ رشد جمعیت}} = \frac{۷۰}{۵} = ۱۴$$

راه‌حل دوم: به جای محاسبات طولانی، از طریق نرخ رشـد مطلـق جمعیـت و مدت زمان دو برابر شدن جمعیت، می‌توان جواب را به راحتی به‌دست آورد:

الف) از آنجایی که میزان افرادی کـه از کشـور «الـف» مهـاجرت کـرده‌انـد، از افرادی که به کشور «الف» مهاجرت کرده‌اند بیشـتر اسـت، نـرخ رشـد مطلـق جمعیت قطعا کمتر از نرخ رشد طبیعی جمعیت است و در نتیجه گزینـه‌هـای «۱» و «۳» حذف می‌شوند.

ب) مدت زمان دو برابر شدن جمعیت به راحتی از طریق تقسـیم عـدد ۷۰ بـر نرخ ۵ درصد رشد طبیعی جمعیت قابل محاسبه است و در نتیجه گزینـه‌هـای «۱» و «۲» حذف می‌شوند.

(جغرافیای ایران، ویژگی‌های جمعیت ایران، صفحه‌های ۶۷ و ۶۸)

۲۲۷- گزینهٔ «۱» *(راضیه ابراهیمی‌نژاد)*

باریک بودن قاعده و پهن‌تر بودن رأس هرم، بیانگر سهم بیشتر گروه‌های سـنی بالاتر و در نتیجه، اهمیت بیشتر توجه به وضعیت سالمندان است.

(جغرافیای ایران، ویژگی‌های جمعیت ایران، صفحهٔ ۷۰)

۲۲۸- گزینهٔ «۲» *(فاطمه احمدی)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مهاجرت می‌تواند مکان مبدأ را نیز، از نظر نیروی کار و جمعیت فعال تحت تأثیر قرار دهد.

گزینهٔ «۳»: آثار مهاجرت به مکان مقصد محدود نمی‌شود و همچنین مهاجرت‌های داخلی نیز می‌توانند جمعیت مکان مبدأ را تغییر دهند.

گزینهٔ «۴»: پیامدهای مهاجرت در مکان مبدأ و مقصد یکسان نیست.

(جغرافیای ایران، ویژگی‌های جمعیت ایران، صفحه‌های ۷۲ و ۷۳)

۲۲۹- گزینهٔ «۳» *(محمدمهدی یعقوبی)*

تشریح عبارت‌ها:

الف) در دورهٔ صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه عناصر اصلی تقسیمات کشوری به‌ترتیب عبارت بودند از: ایالت، ولایت، بلوک و قصبه.

ب) در دورهٔ عباسیان، قلمرو جغرافیایی آنها به واحدهایی تحت عنوان «ایالت» تقسیم‌بندی می‌شد که در مجموع به ۳۱ ایالت می‌رسید.

ج) در دورهٔ ساسانیان، کشور به سرزمین (ایالت)، خوره (استان)، تسوگ یا تسوج (شهرستان) و رستاک (دهستان) تقسیم شده بود.

د) در دوران سلوکیان کشور به ۷۲ بخش تقسیم شد.

(جغرافیای ایران، تقسیمات کشوری ایران، صفحه‌های ۷۷ و ۷۸)

۲۳۰- گزینهٔ «۴» *(هادی توکلی)*

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: در سال ۱۳۵۷، در آستانهٔ (کمی قبل از) پیروزی انقلاب اسلامی، ایران به ۲۴ استان تقسیم شد.

گزینهٔ «۲»: از لحاظ نظام اداری، دهستان تابع بخش، بخش تابع شهرستان، شهرستان تابع استان و استان تابع پایتخت می‌باشد.

گزینهٔ «۳»: براساس آخرین تقسیمات کشوری تا سال ۱۴۰۰، کشور ایران از ۱۱۵۷ بخش و ۱۴۲۵ شهر تشکیل یافته است که نشان می‌دهد تعداد شهرها از بخش‌ها بیشتر است؛ نه بالعکس.

(جغرافیای ایران، تقسیمات کشوری ایران، صفحه‌های ۷۹ و ۸۰)

تاریخ (۲)

۲۳۱- گزینهٔ «۱» *(زهرا دامیار)*

مغول‌ها تا پیش از آنکه مسلمان شوند، بر پایهٔ مجموعه قوانینی موسوم به «یاسا» عمل می‌کردند و دعاوی حقوقی آن‌ها در دادگاهی موسوم به «یَرغو» و زیر نظر یرغوچی حل و فصل می‌شد.

(تاریخ (۲)، عصر خوارزمشاهیان و مغول - تیموری، صفحهٔ ۱۰۹)

۲۳۲- گزینهٔ «۲» *(زهرا دامیار)*

بیشتر اقوامی که زیر فرمان چنگیزخان بودند، از نظر فرهنگی و تمدنی دارای پیشینهٔ مهمی نبودند و به شهر و شهرنشینی توجهی نداشتند. بنابراین، هجوم آن‌ها به سرزمین ایران، فاقد ماهیت فکری و فرهنگی بود و نتایج زیان‌باری در پی داشت.

(تاریخ (۲)، عصر خوارزمشاهیان و مغول - تیموری، صفحهٔ ۱۰۷)

۲۳۳- گزینهٔ «۴» *(محمد مهدی یعقوبی)*

کشورگشایی‌های چنگیزخان مغول و تیمور موجب شد که سرزمین‌های وسیعی در قارهٔ پهناور آسیا به لحاظ سیاسی یکپارچه و متحد شوند و زمینهٔ توسعهٔ تجارت بین‌المللی فراهم آید.

(تاریخ (۲)، عصر خوارزمشاهیان و مغول - تیموری، صفحهٔ ۱۰۹)

۲۳۴- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

در عصر ایلخانان، هنر نگارگری که تلفیقی از سنت‌های نقاشی ایرانی و چینی بود، بیشتر در کتاب‌آرایی و مصور ساختن کتاب‌های تاریخی و متون ادبی و نیز کتاب‌های پزشکی، جانورشناسی و نجوم جلوه‌گر شد.

(تاریخ (۲)، عصر خوارزمشاهیان و مغول - تیموری، صفحه‌های ۱۱۲ و ۱۱۳)

۲۳۵- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای – کنکور خارج از کشور ۱۴۰۳)*

یکی از تحولات مهم دوران ایلخانان و تیموریان، رشد قابل توجه تصوف و طریقت‌های صوفیانه بود. هجوم ویرانگر و وحشت‌انگیز مغول به ایران و نگرانی و ناامیدیی که در جامعه ایجاد کرد، نقش مؤثری در روی آوردن مردم به تصوف و رفتن به درون خانقاه‌ها داشت. از این رو، در عصر ایلخانان و تیموریان طریقت‌های صوفیانهٔ بزرگی همچون صفویه، نعمت‌اللهیه، حروفیه، نوربخشیه، نقش‌بندیه و مشعشعیه ظهور کردند و یا فعالیت خود را گسترش بخشیدند. کثرت پیروان و مریدان طریقت‌های صوفیانه، موجب افزایش نفوذ و موقعیت اجتماعی رهبران و مشایخ آن طریقت‌ها شد. فرمانروایان و مقام‌های سیاسی و نظامی نیز مشایخ صوفی را تکریم و احترام می‌کردند. علاوه بر آن، اموال و املاک فراوانی که نذر و وقف خانقاه‌ها شد، تمکن مالی و قدرت اقتصادی مناسبی برای رهبران طریقت‌های صوفی پدید آورد.

(تاریخ (۲)، عصر خوارزمشاهیان و مغول - تیموری، صفحهٔ ۱۱۲)

ترنج بوک
تلاشی در مسیر موفقیت

جغرافیا (۲)

۲۳۶- گزینهٔ «۲» *(علیرضا پدرام)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: بانک‌ها و تجارت، بخشی از خدمات (فعالیت‌های نوع سوم) هستند.

گزینهٔ «۳»: کارخانه‌ها و ماشین‌آلات، بخشی از صنعت (فعالیت‌های نوع دوم) هستند.

گزینهٔ «۴»: تولیدی پوشاک و نساجی، بخشی از صنعت (فعالیت‌های نوع دوم) هستند.

(جغرافیا (۲)، نواحی اقتصادی (کشاورزی و صنعت)، صفحهٔ ۸۴)

۲۳۷- گزینهٔ «۳» *(حامد صفرخانیان)*

از مهم‌ترین نواحی کشت غلهٔ تجاری در دنیا، مزارع وسیع گندم در چین، هند، ایالات متحدهٔ آمریکا، روسیه، کانادا، فرانسه و استرالیاست. این کشورها بخش عمدهٔ گندم جهان را تولید می‌کنند.

ایالات متحدهٔ آمریکا حدود ۴۰ درصد ذرت جهان را تولید می‌کند.

ایالات متحدهٔ آمریکا، اتحادیه اروپا، استرالیا، زلاندنو، آرژانتین و برزیل از مهم‌ترین مراکز دامداری تجاری در جهان هستند. (از آنجایی که چین در زمینهٔ دامداری تجاری، تولیدکنندهٔ مهمی در جهان محسوب نمی‌شود و همچنین از آنجایی که بین جاخالی دوم و سوم، «و» استفاده شده است، گزینهٔ «۳» صحیح محسوب می‌شود)

کشور پاکستان و فیلیپین، کشورهایی هستند که در نتیجهٔ انقلاب سبز، در زمینهٔ تولید برنج به خودکفایی رسیده‌اند.

(جغرافیا (۲)، نواحی اقتصادی (کشاورزی و صنعت)، صفحه‌های ۸۷، ۸۸ و ۹۰)

۲۳۸- گزینهٔ «۳» *(محمدمهدی یعقوبی)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

الف) شرکت‌های چندملیتی، که عمدتاً آمریکایی و اروپایی هستند، با احداث مزارع تک‌محصولی یا پلانتیشن در کشورهای نواحی استوایی سرمایه‌گذاری می‌کنند و از نیروی کارگر ارزان‌قیمت آن‌ها در مزارع خود بهره می‌برند. (واژهٔ «مختلف» در این عبارت اشتباه است چراکه مفهومی عام دارد و می‌تواند نواحی غیراستوایی را نیز شامل شود.)

د) چون درکشورهای کمتر توسعه‌یافتهٔ صنعتی، نظام مالیاتی و بیمهٔ کارگران و قوانین و مقررات زیست‌محیطی، چندان جدی و سخت نیست، فعالیت شرکت‌های چندملیتی در این‌گونه کشورها، آسان‌تر و ارزان‌تر تمام می‌شود. (به این معنی نیست که اصلا وجود ندارد.)

(جغرافیا (۲)، نواحی انسانی، صفحه‌های ۹۲ و ۱۰۴)

۲۳۹- گزینهٔ «۲» *(فاطمه احمدی)*

وابستگی بیشتر کشور «الف» به صادرات مواد اولیه و منابع خام، آن را در برابر نوسانات قیمت جهانی آسیب‌پذیرتر می‌کند. و همچنین، تنوع تولیدات صنعتی و فناوری پیشرفته در کشور «ب»، زمینهٔ حضور گسترده‌تر آن را در مبادلات تجاری جهانی فراهم می‌کند.

(جغرافیا (۲)، نواحی اقتصادی (تجارت و اقتصاد جهانی)، صفحهٔ ۱۰۰)

۲۴۰- گزینهٔ «۲» *(هادی توکلی)*

در نظام مرکز و پیرامون، کشورهای مرکز معمولاً از نظر اقتصادی و صنعتی توسعه‌یافته‌تر هستند و بخش مهمی از تجارت جهانی را در اختیار دارند. این کشورها بیشتر کالاهای صنعتی، فناوری پیشرفته و محصولات با ارزش افزودهٔ بالا تولید و صادر می‌کنند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مرکز یا پیرامون بودن کشورها ارتباطی با وسعت آن‌ها ندارد. یک کشور مانند (ژاپن) ممکن است از نظر مساحت کوچک باشد ولی در نظام اقتصادی جهان در جایگاه مرکز قرار داشته باشد.

گزینهٔ «۳»: این گزینه هم نمی‌تواند درست باشد چون صادرات مواد خام الزاماً به معنای درآمد بیشتر نیست. کالاهای صنعتی معمولاً ارزش افزوده بیشتری دارند و کشورهای مرکز از این طریق درآمد و قدرت اقتصادی بیشتری کسب می‌کنند.

گزینهٔ «۴»: کشورهای مرکز با یکدیگر نیز تجارت گسترده‌ای دارند و بخش مهمی از تجارت جهانی بین کشورهای توسعه‌یافته انجام می‌شود. کلمهٔ «فقط» موجب نادرستی این گزینه شده است.

(جغرافیا (۲)، نواحی اقتصادی (تجارت و اقتصاد جهانی)، صفحه‌های ۱۰۶ و ۱۰۷)

دفترچه پاسخ

آزمون هوش و استعداد

(دورهٔ دوم)

۲۹ آبان

تعداد کل سؤالات آزمون: ۲۰
زمان پاسخ‌گویی: ۳۰ دقیقه

گروه فنی تولید

مسئول آزمون	حمید لنجان‌زاده اصفهانی
مسئول دفترچه	حامد کریمی
مدیر گروه مستندسازی	محیا اصغری
مسئول درس مستندسازی	علیرضا همایون‌خواه
ویراستاران مستندسازی	بیتا مرادی، پریا اقبالی
طراحان	حمید اصفهانی، فاطمه راسخ، حامد کریمی، حمید گنجی، رامتین شمشکی، فرزاد شیرمحمدلی
حروف‌چینی و صفحه‌آرایی	معصومه روحانیان
ناظر چاپ	حمید عباسی

ترنج بوک
تلاشی در مسیر موفقیت

استعدادتحلیلی

۲۵۱- گزینهٔ «۳» *(حمید اصفهانی)*

متن بر «برنامه‌ریزی‌شده» بودنِ رژیم غذایی تأکید می‌کند و هشدار می‌دهد که گیاه‌خواری «خودبه‌خود» کامل نیست. به اشاره به کمبود احتمالیِ پروتئین و ب۱۲ دقّت کنید. گزینهٔ «۱» غلط است زیرا گیاه‌خواریِ بدون پروتئینِ کافی «نامناسب» است، نه مناسب. گزینهٔ «۴» نیز با متن در تضاد است: (متن می‌گوید هر گیاه‌خواری‌ای کامل نیست. گزینهٔ «۲» نیز بی‌ربط است.

(تکمیل متن، هوش کلامی)

۲۵۲- گزینهٔ «۱» *(حمید اصفهانی)*

متن به این نکته اشاره می‌کند که سختیِ کار لزوماً به معنای نادرستی نیست، بلکه احتمالاً به دلیلِ «ناآشنایی» است. گزینهٔ «۱» مکملِ منطقیِ جملاتِ پیش از آن است که بر دشواری آن‌چه ناآشناست تأکید می‌کند.

(تکمیل متن، هوش کلامی)

۲۵۳- گزینهٔ «۳» *(حمید اصفهانی)*

متن می‌گوید شانس «نامی» است که به «نامعلومی» می‌دهیم که نمی‌توان وجود مستقل آن را به عنوان یک «نیرو» ثابت کرد. گزینهٔ «۳» دقیقاً عصارهٔ متن است. گزینه‌های «۱» و «۴» اطلاعاتی خارج از متن هستند و گزینهٔ «۲»، «احتمال برابر» را مطرح کرده است که در متن فقط دربارهٔ پرتاب تاس ذکر شده‌است، نه برای کلِ زندگی.

(تکمیل متن، هوش کلامی)

۲۵۴- گزینهٔ «۴» *(حمید اصفهانی)*

متن به‌صراحت به «دوگانگیِ» موضوع اشاره دارد: هم پیوستگیِ بصری (مزیت) و هم دشواری برای نوآموزان (چالش). گزینهٔ «۴» این دو جنبه را ترکیب کرده است.

(تکمیل متن، هوش کلامی)

۲۵۵- گزینهٔ «۲» *(حامد کریمی)*

متن در حال هشدار دادن است: «مراقب باشید همه‌چیز را به روان نسبت ندهید.» چرا باید مراقب بود؟ چون ممکن است بیماری جسمی داشته باشید که علائمش شبیه فشار روانی است. اگر بیماری جسمی و فشار روانی علائم مشترکی نداشتند، اصلاً نیازی به این هشدار نبود. پس «وجود علائم مشترک» پیش‌فرضِ پنهانِ این متن است.

(استدلال‌های متنی، هوش کلامی)

۲۵۶- گزینهٔ «۲» *(حامد کریمی)*

متن صورت سؤال می‌گوید: «هوشبهر نمایندهٔ «همهٔ» جنبه‌های هوش نیست» و به ابزاری بودن و متغیر بودن آن اشاره دارد. گزینه‌ها همگی در تأیید این موضوع هستند که هوشبهر «محدود»، «متغیّر» و «تأثیرپذیر» است، به‌جز گزینهٔ «۲» که کاملاً در تضاد با روح متن است؛ زیرا از واژهٔ «ثابت» استفاده کرده است و هوشبهر را معیاری مطلق می‌داند.

(استدلال‌های متنی، هوش کلامی)

۲۵۷- گزینهٔ «۴» *(حامد کریمی)*

بیان دیگری از استدلال متن صورت سؤال این است: «نادر بودن یافته‌ها به معنای کم‌شمار بودنِ دایناسورها نیست؛ زیرا شرایطِ نگهداری و کاوش (عوامل محیطی) محدود بوده است.» همهٔ گزینه‌ها دلایل محیطی (سنگ‌شناسی، فرسایش، عدم پژوهش) را برمی‌شمارند که چرا ما یافته‌های کمی داریم، به‌جز گزینهٔ «۴» که نه تنها استدلال را تأیید نمی‌کند، بلکه عملاً آن را تضعیف می‌کند. اگر پژوهش‌ها پیشرفت کرده و یافتن آثار ساده‌تر شده است و باز هم آثارِ کمی پیدا می‌کنیم، دیگر نمی‌توان به‌راحتی ادعا کرد که «به دلیلِ شرایطِ سخت یا کاوشِ کم، فسیل نیافته‌ایم». این گزینه وزنِ استدلال نویسنده را کم می‌کند.

(استدلال‌های متنی، هوش کلامی)

۲۵۸- گزینهٔ «۳» *(حمید کنبی)*

داریم:

$$\frac{۱۲۰}{۱۰۰}\times\frac{۹۰}{۱۰۰}\times\frac{۱۰}{۱۰۰}=\frac{۱۰/۸}{۱۰۰}$$

(معادله‌نویسی، نسبت و تناسب، هوش منطقی ریاضی)

۲۵۹- گزینهٔ «۴» *(حمید کنبی)*

$$\frac{۸\times۲\times۹}{۱۸\times۱۵}=\frac{?\times۸}{۳۰\times۱۶}\Rightarrow ?=\frac{۱۶\times۳۰\times۲\times۹}{۱۸\times۱۵}=۳۲$$

(معادله‌نویسی، نسبت و تناسب، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۰- گزینهٔ «۴» *(حمید کنبی)*

اگر سنّ سحر را ○ و سنّ رضا را ● بگیریم، داریم:

$$(○-۳)=۴(●-۳)\Rightarrow ○=۴●-۹$$

$$(○+۳)=۲(●+۳)\Rightarrow ○=۲●+۳$$

$$\Rightarrow ۴●-۹=۲●+۳\Rightarrow ۲●=۱۲$$

$$\Rightarrow ●=۶, ○=۱۵\Rightarrow ○-●=۱۵-۶=۹$$

(معادله‌نویسی، نسبت و تناسب، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۱- گزینهٔ «۳» *(حمید کنعانی)*

عملکرد «الف» در هر ساعت، از مخزن: $+\frac{۱}{۸}$

عملکرد «ب» در هر ساعت، از مخزن: $-\frac{۱}{۲۰}$

اگر ○ زمان خواسته‌شده باشد داریم:

$$\frac{۱}{۲}+○\times(\frac{۱}{۸}-\frac{۱}{۲۰})=۱$$

$$\Rightarrow ○\times\frac{۳}{۴۰}=\frac{۱}{۲}\Rightarrow ○=\frac{۲۰}{۳}\simeq ۶/۶$$

(معادله‌نویسی، نسبت و تناسب، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۲- گزینهٔ «۲» *(فرزاد شیرمحمدلی)*

اگر سن علی ○ باشد، خواهر و برادر او $\frac{○}{۳}$ و $\frac{○}{۲}$ سال دارند و داریم:

$$\text{الف}=\frac{○}{۲}\ \frac{○}{۳}=\frac{○}{۶}<\frac{○}{۵}=\text{ب}$$

(کفایت داده، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۳- گزینهٔ «۱» *(فرزاد شیرمحمدلی)*

در ساعت $۱۸:۴۵'$، زاویهٔ کوچکتر بین دو عقربه از ۹۰° کوچکتر است. پس زاویهٔ بزرگتر، از $۲۷۰^\circ=۹۰^\circ-۳۶۰^\circ$ بزرگتر است. یعنی الف < ب است.

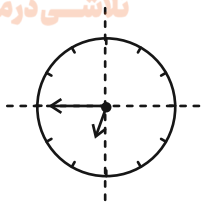

(کفایت داده، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۴- گزینهٔ «۳» *(فرزاد شیرمحمدلی)*

اگر تعداد مرغ‌ها ○ و تعداد گوسفندها □ باشد داریم:

$$\begin{cases}○+□=۴۰\Rightarrow ۲○=۸۰-۲□\\ ۲○+۴□=۹۰\end{cases}$$

$$\Rightarrow ۸۰-۲□+۴□=۹۰$$

$$\Rightarrow ۲□=۱۰\Rightarrow □=۵,○=۳۵$$

معلوم است که:

$$\text{الف}=۳۵=۷\times۵=۷\times□=\text{ب}$$

(کفایت داده، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۵- گزینهٔ «۱» *(فرزاد شیرمحمدلی)*

کافی است کوچکترین مضرب مشترک دو عدد ۱۸ و ۲۱ را بیابیم تا فاصلهٔ بین نقاطی که درخت و تیر چراغ برق در یک راستا هستند معلوم شود:

$$۱۸=۳\times۶,۲۱=۳\times۷$$

$$\Rightarrow ۳\times۶\times۷=۱۲۶$$

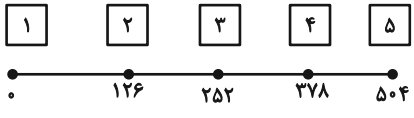

حال داریم:

(بازی با اعداد، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۶- گزینهٔ «۲» *(فاطمه راسخ)*

فاصلهٔ هر نقطه تا آینه، با فاصلهٔ تصویر آن نقطه تا آینه برابر است:

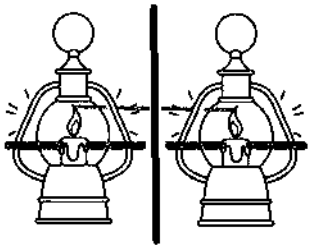

(قرینه‌یابی و دوران، هوش غیرکلامی)

۲۶۷- گزینهٔ «۴» *(فاطمه راسخ)*

همهٔ شکل‌ها از دوران یک شکل به‌دست می‌آیند به‌جز گزینهٔ «۴» که هم جهت مردمک آن نادرست رسم شده است و هم جهت شکل قلاب مانند آن.

(قرینه‌یابی و دوران، هوش غیرکلامی)

۲۶۸- گزینهٔ «۳» *(فاطمه راسخ)*

اگر گزینهٔ «۳» به شکل زیر بود شبیه دیگر گزینه‌ها می‌شد.

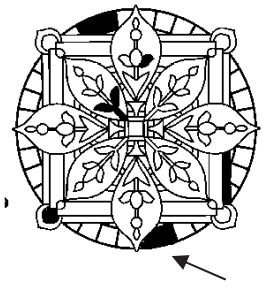

(قرینه‌یابی و دوران، هوش غیرکلامی)

ترنج بوک
تلاشی در مسیر موفقیت

۲۶۹- گزینهٔ «۳» *(رامتین شمشکی)*

مثلث‌های مدّنظر:

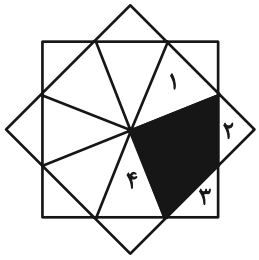

(شمارش تصویری، هوش غیرکلامی)

۲۷۰- گزینهٔ «۳» *(رامتین شمشکی)*

شکل چهار بخش مشابه تصویر زیر دارد که هر کدام شش ذوزنقه دارد:

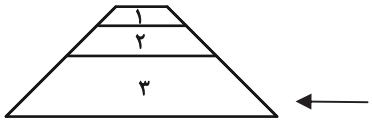

$$(۱),(۲),(۳),(۱,۲),(۲,۳),(۱,۲,۳)$$

و داریم: $۴\times۶=۲۴$

(شمارش تصویری، هوش غیرکلامی)

ثرنج بوک
تلاشی در مسیر موفقیت

☑ دفترچهٔ پاسخ

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

عمومی دوازدهم

رشتهٔ انسانی

۲۹ آبان ماه ۱۴۰۵

طراحان به ترتیب حروف الفبا

فارسی	حسن افتاده، حسین پرهیزگار، نازنین‌فاطمه حاجیلو، سعید جعفری، ابوالفضل عباس‌زاده، محسن فدایی
دین و زندگی	محسن بیاتی، فردین سماقی، مرتضی محسنی‌کبیر، میثم هاشمی
زبان انگلیسی	رحت‌اله استیری، محمدهادی صادقی‌حسن‌آبادی، عقیل محمدی‌روش

گزینشگران و ویراستاران به ترتیب حروف الفبا

نام درس	مسئول درس	گزینشگر	گروه ویراستاری	رتبه برتر	مسئول درس مستندسازی
فارسی	نازنین‌فاطمه حاجیلو	نازنین‌فاطمه حاجیلو	محسن اصغری مرتضی منشاری	—	فریبا رئوفی، محسن جمشیدی، امیرمحمد کماسی، مهدی یعقوبیان
دین و زندگی	بهنام رسولی	بهنام رسولی	امیرمهدی افشار	محمدفرحان فخاریان محمدرضا سعیدی‌مقدم	سجاد حقیقی‌پور، سیدمجتبی رضازاده
اقلیت‌های مذهبی	دبورا حاتانیان	دبورا حاتانیان	معصومه شاعری	—	—
زبان انگلیسی	رحمت‌اله استیری	رحمت‌اله استیری	محسن رحمانی، فاطمه نقدی	محدثه مرآتی	سپهر اشتیاقی

ترنج بوک
تلاشی در مسیر موفقیت

مدیران گروه	الهام محمدی
مسئول دفترچه	معصومه شاعری
مستندسازی و مطابقت با مصوبات	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: فریبا رئوفی
حروف‌نگار و صفحه‌آرا	زهرا تاجیک
چاپ	سوران نعیمی

گروه آزمون

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

آدرس دفتر مرکزی: خیابان انقلاب- بین صبا و فلسطین- پلاک ۹۲۳ - تلفن چهار رقمی: ۶۴۶۳-۰۲۱

فارسی ۳

۲۷۱- گزینهٔ «۳» *(ابوالفضل عباس‌زاده)*

شرزه: خشمگین، غضبناک / ارغند: خشمگین و قهرآلود

(واژگان، واژه‌نامه)

۲۷۲- گزینهٔ «۳» *(نازنین‌فاطمه هاجیلوصفازاده)*

«رأس» شکل درست املایی است.

(املا، صفحه‌های ۱۲، ۱۹، ۳۱ و ۳۸)

۲۷۳- گزینهٔ «۴» *(سعید جعفری)*

اگر محتسب تو را بدین حال ببیند...: مفعول

«جامه‌ات را از بهر غرامت، بیرون کنم» مفعولِ فعلِ «گفت» است. (گفت، چه را گفت؟ این جمله را: جامه‌ات را از بهر غرامت بیرون کنم.)

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: هشیار مردم: نهاد (هشیارْ مردم (مردمِ هشیار)، باید مست را حد بزنند)

گزینهٔ «۲»: این: صفت اشاره

گزینهٔ «۳»: داروغه: متمم (تا به داروغه بگوییم)

(دستور، صفحه‌های ۱۹ و ۲۰)

۲۷۴- گزینهٔ «۳» *(حسن افتاده - تبریز)*

در مصراع اول بیت (الف) دو ترکیب اضافی (چشم بشر/ روی تو (تا چشم بشر رویت (روی تو) را نبیند)) وجود دارد.

تشریح موارد:

بیت (الف): ترکیب وصفی «چهرِ دل‌بند» / ترکیب‌های اضافی: «چشم بشر/ روی تو»

بیت (ب): ترکیب‌های وصفی «مادر سرسپید / این پند / فرزند سیاه‌بخت» / ترکیب اضافی: «پند فرزند»

بیت (ج): ترکیب‌های وصفی: «این بی‌خردان / بی‌خردان سفله / مردم خردمند» / ترکیب‌های اضافی: «داد دل/ دل مردم»

(دستور، صفحه‌های ۳۶ و ۳۷)

۲۷۵- گزینهٔ «۲» *(سعید جعفری)*

الف) تضاد: فرومی‌رود، برمی‌آید

ب) تلمیح: «به گناه فاحش ندرد: اشاره به فرازی از دعای کمیل: «اللّهم مولای کم من قبیح سترته: بارالها! ای سرور و مولای من، چه زشتی‌ها و گناهانی که پوشاندی» دارد که در آن از صفت «ستارالعیوب»بودن خداوند صحبت می‌شود./ «... روزی به خطای منکر نبرد»: اشاره به آیهٔ قرآنی «کلا نمد هؤلاء من عطائک ربّک ...: به هر دو گروه (گناهکاران و نیکوکاران) یاری می‌رسانیم و عطای پروردگارت [در این دنیا] از هیچ کسی دریغ نمی‌شود. (سورهٔ اسراء، آیهٔ ۲۰)» دارد.

ج) جناس: باز، بار

د) اضافهٔ تشبیهی: بحر مکاشفت

(آرایه، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

۲۷۶- گزینهٔ «۳» *(نازنین‌فاطمه هاجیلوصفازاده)*

حسن تعلیل: مشت‌زدن زمین از روی خشم بر آسمان، کوه دماوند را پدید آورده است.

(آرایه، صفحه‌های ۳۶ و ۳۷)

۲۷۷- گزینهٔ «۱» *(محسن فرایی - شیراز)*

شعر «مست و هشیار» سرودهٔ پروین اعتصامی است.

(تاریخ ادبیات، ترکیبی)

۲۷۸- گزینهٔ «۲» *(حسین پرهیزگار - سبزوار)*

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: مورد اول نادرست (خشنودی شاعر در بیت الف، حاصل دولت‌مندی و خوشبختی مادی نیست).

گزینهٔ «۳»: مورد دوم نادرست است (شاعر در بیت (ب) می‌گوید که خردمند و کسی که مورد احترام خردمندان است، باید به فکر جامعه باشد و دغدغهٔ مردم را داشته باشد؛ نه اینکه جامعه به خردمندان احترام بگذارد.)

گزینهٔ «۴»: مورد دوم نادرست است.

(مفهوم، صفحهٔ ۲۷)

۲۷۹- گزینهٔ «۱» *(نازنین‌فاطمه هاجیلوصفازاده)*

الف) منظور از «دیو» در بیت اول، دماوند است؛ در بیت سوم نیز «مادر»، منظور «دماوند» است و «فرزند»، منظور «شاعر» است.

ب) شاعر، این شعر را در سال ۱۳۰۱ شمسی، هنگامی که به تحریک بیگانگان، هرج و مرج و هتاکی در مطبوعات ایجاد شده بود، سرود. او مضامین شعر را با تأثیرپذیری از این اوضاع، خلق کرده است. به طور کلی، دماوند در این شعر، نماد ایران است که از وضعیت اجتماعی خود و فرزندانش، غمگین، دردآلود و همچنین خشمگین و پر از جوش و خروش است.

(مفهوم، صفحه‌های ۳۶، ۳۷ و ۳۹)

۲۸۰- گزینهٔ «۴» *(حسن افتاده - تبریز)*

معنی نوشته‌شده در مقابل همهٔ گزینه‌ها کاملاً درست بود به‌جز گزینهٔ «۴».

معنی درست عبارت گزینهٔ «۴»: روی قله‌ات برف وجود دارد.

(مفهوم، صفحه‌های ۱۲، ۱۹، ۲۷ و ۳۶)

ثرنج بوک
تلاشی در مسیر موفقیت

دین و زندگی (۳)

۲۸۱- گزینهٔ «۴» *(محسن بیاتی)*

این که انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، معرفتی عمیق و والاست که در نگاه نخست مشکل به نظر می‌آید اما هدفی قابل دسترس است.

اگر قدم پیش گذاریم و با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم، به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت چنین معرفتی را به ما خواهد چشاند.

(درس ۱، صفحهٔ ۱۲)

۲۸۲- گزینهٔ «۳» *(محسن بیاتی)*

خداوند را نه تنها در این دنیا نمی‌توان با چشم عادی دید، بلکه در آخرت نیز نمی‌توان او را با این چشم مشاهده کرد. اما نوعی از دیدن وجود دارد که نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه از برترین هدف‌های زندگی است و هرکس باید برای رسیدن به چنین دیدنی تلاش کند. این مرتبه، دیدن به‌وسیلهٔ قلب و ملاقات با خداست.

(درس ۱، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۲۸۳- گزینهٔ «۲» *(فردین سماقی)*

عبارت «قل الله خالق کل شیء» بیانگر توحید در خالقیت است و سایر گزینه‌ها بیانگر اصل توحید می‌باشند.

(درس ۲، صفحه‌های ۱۹ و ۲۲)

۲۸۴- گزینهٔ «۳» *(فردین سماقی)*

از آنجا که خداوند تنها مالک جهان است، تنها ولی و سرپرست جهان نیز هست و مخلوقات، جز به اجازهٔ او نمی‌توانند در آن تصرف کنند.

(درس ۲، صفحهٔ ۱۹)

۲۸۵- گزینهٔ «۱» *(میثم هاشمی)*

مفهوم مشترک هر دو مورد این است که چگونه از حریم دل پاسبانی کنیم تا آفت شرک به آن راه نیابد و عمل ما خالصانه برای خداوند انجام شود.

(درس ۴، صفحه‌های ۴۳ و ۴۴)

۲۸۶- گزینهٔ «۳» *(میثم هاشمی)*

جامعهٔ توحیدی حکومت کسانی را که خداوند به آن‌ها حق حکومت نداده است، نمی‌پذیرد؛ با آنان که نسبت به خداوند و مسلمانان دشمنی می‌ورزند، دوستی نمی‌کند و با ظالمان مبارزه می‌کند و بنا به فرمان خداوند، از محرومان و مستضعفان حمایت می‌کند.

(درس ۳، صفحهٔ ۳۵)

۲۸۷- گزینهٔ «۴» *(میثم هاشمی)*

تشریح گزینهٔ نادرست:

گزینهٔ «۴» به ویژگی کسانی اشاره دارد که بدون در نظرگرفتن مالک حقیقی جهان یعنی خدا، خلقت را ملک خود تلقی می‌کنند.

(درس ۳، صفحه‌های ۳۶ و ۳۷)

۲۸۸- گزینهٔ «۳» *(مرتضی محسنی کبیر)*

این شعر مربوط به موضوع «افزایش معرفت و شناخت نسبت به خداوند» از راه‌های تقویت اخلاص است. اگر کسی گرفتار غفلت شود و چشم اندیشه را به روی جهان ببندد، آیات الهی را نخواهد یافت و دل به مهر او نخواهد داد.

(درس ۴، صفحهٔ ۴۶)

۲۸۹- گزینهٔ «۲» *(مرتضی محسنی کبیر)*

یکی از ثمرات و میوه‌های درخت اخلاص «دستیابی به درجاتی از حکمت» است. حکمت به معنای علم محکم و استوار و به دور از خطاست که هدف درست و راه رسیدن به آن را نشان می‌دهد و مانع لغزش‌ها و تباهی‌ها می‌شود. انسان حکیم به درجاتی از بصیرت و روشن‌بینی می‌رسد که می‌تواند در شرایط سخت و پیچیده، حق را از باطل تشخیص دهد و گرفتار باطل نشود.

مقاومت در برابر دام‌های شیطان نیازمند روی‌آوردن به پیشگاه الهی و پذیرش خالصانهٔ فرمان‌های اوست.

(درس ۴، صفحه‌های ۴۸ و ۴۹)

۲۹۰- گزینهٔ «۲» *(مرتضی محسنی کبیر)*

اگر انسان در اخلاص پیش رود، به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر فریب وسوسه‌های شیطان را نمی‌خورد؛ چراکه شیطان، خود اقرار کرده است که توانایی فریب دادن مؤمنان با اخلاص را ندارد.

(درس ۴، صفحهٔ ۴۸)

زبان انگلیسی ۳

۲۹۱- گزینهٔ «۴» *(رحمت‌اله استیری)*

نکتهٔ مهم درسی:

جملهٔ شرطی ملاک برای ساخت تگ قرار نمی‌گیرد (رد گزینه‌های «۱ و ۳»). جمله مثبت است، پس تگ باید به صورت منفی به‌کار رود (رد گزینهٔ «۲»).

(گرامر)

۲۹۲- گزینهٔ «۲» *(رحمت‌اله استیری)*

نکتهٔ مهم درسی:

در این جمله، نقش "I" برای فعل "allow" (اجازه دادن) مفعولی است، پس نیاز به ساختار مجهول داریم (رد گزینه‌های «۱ و ۳»). از سوی دیگر، با توجه به مفهوم کلی جمله، کلمهٔ ربط مناسب برای ترکیب دو جمله "so" به معنای «بنابراین» می‌باشد (رد گزینه‌های «۳ و ۴»).

(گرامر)

۲۹۳- گزینهٔ «۱» *(رحمت‌اله استیری)*

نکتهٔ مهم درسی:

با توجه به مفهوم تضاد موجود بین دو جمله، در جای خالی نیاز به حرف ربط "but" داریم (رد سایر گزینه‌ها).

(گرامر)

۲۹۴- گزینهٔ «۳» *(محمدهادی صادقی‌حسن‌آبادی)*

ترجمه جمله: «سارا دربارهٔ سفر خانوادگی‌اش در دفتر خاطراتش نوشت و چندین تصویر کوچک اضافه کرد تا لحظات خاص را به یاد بیاورد.»

۱) الهام ۲) فشار

۳) دفترچه خاطرات ۴) نصیحت

(واژگان)

۲۹۵- گزینهٔ «۴» *(محمدهادی صادقی‌حسن‌آبادی)*

ترجمه جمله: «مربی به بازیکنان متعهد خود افتخار می‌کرد، زیرا آن‌ها سخت تمرین می‌کردند و در طول تمرین هرگز تسلیم نمی‌شدند.»

۱) مرکب ۲) مناسب

۳) ناگهانی ۴) متعهد

(واژگان)

۲۹۶- گزینهٔ «۲» *(محمدهادی صادقی‌حسن‌آبادی)*

ترجمهٔ جمله: «خواهرم واقعاً عاشق علوم است، زیرا از کشف نحوهٔ کارکرد چیزها و پیدا کردن پاسخِ بسیاری از سؤال‌های جالب لذت می‌برد.»

۱) اختراع کردن ۲) کشف کردن

۳) فراهم کردن ۴) بخشیدن

(واژگان)

ترجمهٔ متن درک مطلب:

فراعنه فرمانروایان مصر باستان بودند که هم رئیس حکومت و هم رهبران مذهبی مردم خود به شمار می‌رفتند. واژهٔ «فرعون» به معنای «خانهٔ بزرگ» است، اشاره‌ای به کاخی که فرعون در آن زندگی می‌کرد. فرعون به عنوان رهبر مذهبی مصریان، واسطهٔ میان خدایان و مصریان به شمار می‌رفت. انتظار می‌رفت فراعنهٔ مصر بر اساس «ماعت» حکومت کنند، که در زبان مصر باستان به معنای تعادل و هماهنگی کامل بود. «ماعت» در فرهنگ مصری چنان اهمیت داشت که همهٔ نوشته‌های مذهبی تأکید می‌کردند پادشاه مسئولیت دارد ماعت را در مصر برقرار کند.

فرعون قوانین را وضع می‌کرد، مالک تمام سرزمین مصر بود، مالیات جمع‌آوری می‌کرد، به جنگ می‌رفت یا از کشور در برابر دشمنان دفاع می‌کرد. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که منس نخستین فرمانروایی بود که مصر بالا و پایین را متحد کرد. به همین دلیل است که فراعنه عنوان «ارباب دو سرزمین» را دارند. فرعون معمولاً مرد بود، هرچند برخی رهبران زن مشهور نیز وجود داشتند، مانند حتشپسوت و کلئوپاترا. به‌ویژه حتشپسوت یکی از موفق‌ترین فرمانروایان به شمار می‌رود. به گفتهٔ یک مصرشناس مشهور، او نخستین زن بزرگ در تاریخ است که از او آگاه هستیم.

پس از مرگشان، بسیاری از فراعنه با اشیای ارزشمندی احاطه می‌شدند که قرار بود در زندگی پس از مرگ به‌کار روند. مصریان بر این باور بودند که همهٔ مردم پس از مرگ سفری دشوار خواهند داشت، و به همین دلیل گورهای خود را با اشیای سودمند پر می‌کردند تا به رسیدن به مقصد کمک کنند.

۲۹۷- گزینهٔ «۲» *(عقیل محمدی‌روش)*

ترجمهٔ جمله: «بهترین عنوان برای متن چیست؟»

«پادشاهان دو سرزمین در مصر»

(درک مطلب)

۲۹۸- گزینهٔ «۴» *(عقیل محمدی‌روش)*

ترجمهٔ جمله: «بر اساس متن کدام یک از موارد زیر دربارهٔ مصریان باستان درست است؟»

«آن‌ها اعتقاد داشتند که زندگی با مرگ تمام نمی‌شود.»

(درک مطلب)

۲۹۹- گزینهٔ «۳» *(عقیل محمدی‌روش)*

ترجمهٔ جمله: «بر اساس متن کدام یک از موارد زیر نادرست است؟»

«حتشپسوت موفق‌ترین فرعونی بود که بر مصر باستان حکومت کرد.»

(درک مطلب)

۳۰۰- گزینهٔ «۴» *(عقیل محمدی‌روش)*

ترجمهٔ جمله: «کلمهٔ "they" که زیر آن در پاراگراف «۳» خط کشیده شده است به چه اشاره دارد؟»

«مصریان»

(درک مطلب)

تلاشی در مسیر موفقیت